



مطابق با فتاوی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره)

و رهبر معظم آیت الله العظمی خامنه ای (دامت الله الوارف)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج مطابق با فتاوی امام خمینی و رهبر معظم انقلاب

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	مناسک حج: مطابق با فتاوی‌ای حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	مقدمه
۱۲	شرایط وجوب حَجِّها لاسلام
۲۰	مسائل متفرقه استطاعت
۲۴	استفتائات استطاعت
۲۴	قسمت اول
۳۲	قسمت دوم
۴۰	نیابت در حج
۴۳	استفتائات نیابت
۴۳	قسمت اول
۵۲	قسمت دوم
۵۵	حج استحبابی
۵۶	اقسام عمره
۵۷	اقسام حج
۵۷	اشاره
۵۷	صورت حج افراد و عمره مفرده
۵۹	صورت حج تمتع اجمالاً
۶۱	استفتائات اقسام عمره و حج
۶۵	باب اول: اعمال عمره تمتع
۶۵	فصل اول: محل احرام عمره تمتع
۶۵	اشاره
۶۹	مسائل متفرقه میقات

۷۱	استفتائات میقات
۷۷	فصل دوم: واجبات احرام
۷۷	توضیح
۸۵	استفتائات احرام
۸۷	مستحبات احرام
۸۹	مکروهات احرام
۹۰	فصل سوم مُحَرَّمات احرام
۹۰	مُحَرَّمات احرام (۱)
۹۷	مُحَرَّمات احرام (۲)
۱۰۴	مُحَرَّمات احرام (۳)
۱۱۱	مسائل متفرقه مُحَرَّمات احرام
۱۱۲	استفتائات مُحَرَّمات احرام
۱۱۹	مستحبات دخول حرم
۱۱۹	مستحبات دخول مکه معظمه
۱۱۹	آداب دخول مسجدالحرام
۱۲۳	فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن
۱۲۳	توضیح
۱۲۴	واجبات طواف
۱۲۴	قسمت اول
۱۳۱	قسمت دوم
۱۴۰	قسمت سوم
۱۴۰	مسائل متفرقه طواف
۱۴۲	استفتائات طواف
۱۴۲	قسمت اول
۱۴۹	قسمت دوم
۱۵۷	قسمت سوم

۱۶۴	قسمت چهارم
۱۷۲	آداب و مستحبات طواف
۱۷۴	فصل پنجم: نماز طواف
۱۷۴	اشاره
۱۷۷	استفتائات نماز طواف
۱۸۴	مستحبات نماز طواف
۱۸۴	فصل ششم: سعی و بعض احکام آن
۱۸۴	توضیح
۱۸۹	مسائل متفرقه سعی
۱۸۹	استفتائات سعی
۱۹۵	مستحبات سعی
۱۹۹	فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن
۱۹۹	اشاره
۲۰۰	مسائل و استفتائات متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع
۲۰۵	تبدیل حج تمتع به افراد
۲۰۷	استفتائات تبدل
۲۰۹	باب دوم: اعمال حج تمتع
۲۰۹	فصل اول: احرام حج
۲۰۹	اشاره
۲۱۰	استفتائات احرام حج
۲۱۲	مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
۲۱۲	فصل دوم: وقوف به عرفات
۲۱۲	توضیح
۲۱۵	استفتائات وقوف به عرفات
۲۱۶	مستحبات وقوف به عرفات
۲۲۱	فصل سوم: وقوف به مشعرالحرام

۲۲۱ اشاره
۲۲۵ استفتائات وقوف به مشعرالحرام
۲۲۶ مستحبات وقوف به مشعرالحرام
۲۲۷ فصل چهارم: واجبات منی
۲۲۷ اول زُمی جمره عقبه
۲۳۱ دوم ذبح (قربانی)
۲۳۱ اشاره
۲۳۷ چند مسأله راجع به بدل ذبیحه
۲۴۰ مسائل متفرقه هدی
۲۴۸ مستحبات هدی
۲۴۹ سوم تقصیر یا حلق
۲۴۹ توضیح
۲۵۲ مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج
۲۵۳ استفتائات حلق و تقصیر
۲۵۹ مستحبات حلق
۲۵۹ فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی
۲۵۹ اشاره
۲۶۴ استفتائات اعمال بعد از منی و طواف نساء
۲۶۹ فصل ششم: بیتوته به منی
۲۶۹ توضیح
۲۷۲ مسائل متفرقه بیتوته به منی
۲۷۳ استفتائات بیتوته در منی
۲۷۶ فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه
۲۷۶ اشاره
۲۸۲ مسائل متفرقه رمی
۲۸۲ استفتائات زُمی جمرات ثلاث

۲۸۷	مستحبات منی
۲۸۸	مستحبات دیگر مکه معظمه
۲۸۹	استحباب عمره مفرده
۲۹۰	طواف وداع
۲۹۰	مسائل متفرقه
۲۹۵	استفتائات مسائل متفرقه
۲۹۵	قسمت اول
۳۰۲	قسمت دوم
۳۱۰	پی نوشتها
۳۱۰	۷۰ تا ۷۰
۳۱۹	۱۵۴ تا ۱۷۱
۳۲۷	۲۲۴ تا ۱۵۵
۳۳۳	۲۸۱ تا ۲۲۵
۳۴۰	۳۸۲ تا ۲۸۲
۳۴۸	۴۴۶ تا ۳۸۳
۳۵۶	۴۹۶ تا ۴۴۷
۳۶۳	درباره مرکز

مناسک حج: مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه الوارف)

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸.

عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه الوارف تهیه و تدوین مرکز تحقیقات حج.

مشخصات نشر: تهران مشعر ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۴۱۲ ص ۱۷۸۱ س.م.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۷۵-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حج

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

شناسه افزوده: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج

رده بندی کنگره: ۸/۸۸۱PB /خ ۸م ۸۳۱

رده بندی دیویی: ۷۵۳/۷۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۲۵۵۹۵

مقدمه

بدان که بر هر مکلف که جامع شرایط باشد، وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارد از نبی اکرم m و ائمه معصومین o ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می رود. ترک حج، با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. [۱] خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: {وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ .

شیخ کلینی؛ به طریق معتبر از حضرت صادق P روایت نموده که: هر کس از دنیا برود و حَجَّه‌الاسلام به جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آن که به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آن که پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن، به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد

رفت.

این آیه و این روایت، در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چون که مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله وا می گذاریم که به جا آوردن آنها به امید ثواب اشکالی ندارد.

و نظر به این که این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به بیان احکام آن ها شد و قبل از شروع در مناسک، که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعضی مسائل و شرایط وجوب حجه الاسلام و بعضی مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مسأله دیگر بیان می شود:

[۱] م حجه الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است، بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

[۲] م وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است؛ یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست [۲] و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین....

[۳] م اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیه اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است؛ به طوری که در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می شود که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود.

شرایط وجوب حجه الاسلام

با چند شرط، حج

واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست:

اول و دوم بلوغ و عقل. پس بر کودک و دیوانه، حج واجب نیست.

[۴] م اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حَجَّهالاسلام کفایت نمی کند.

[۵] م اگر کودک ممیز برای حج مُحرم شود و در وقت درکِ مشعرالحرام بالغ باشد کفایت از حَجَّهالاسلام می کند، و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود.

[۶] م کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استجابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده، حج او کفایت از حَجَّهالاسلام نمی کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه را نموده و آن را بر حج ندبی اشتباهاً تطبیق کرده باشد.

[۷] م از برای بچه ممیز، مستحب است حج رفتن و صحیح است حج او اگر چه ولی او اذن ندهد، لکن بعد از بالغ شدن، اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

[۸] م مستحب است ولی طفل غیر ممیز مُحرم کند او را و لباس احرام به او بپوشاند، و نیت کند که این طفل را مُحرم می کنم برای حج، یا این طفل را مُعْتَمِر می کنم به عمره تمتع، و اگر می شود تلبیه را تلقین کند به او، و الا خودش به عوض او بگوید.

[۹] م بعید نیست که ولی در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است، اگر چه ولی شرعی نباشد.

[۱۰] م بعد از آن که طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست خود

ولی

حفظ کند او را از محرّمات.

[۱۱] م بعد از اینکه طفل مُحرم شد، اگر محرّمات احرام را به جا آورد، یا ولیّ او را از آن ها باز نداشت کفّاره بر ولیّ طفل است نه بر مال طفل بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر آن نیز. [۳]

[۱۲] م گوسفند قربانی برای حج، بر عهده ولیّ طفل است.

[۱۳] م تمام اعمال حج و عمره را باید ولیّ، طفل را وادار کند که به جا آورد و اگر نمی تواند، ولیّ او به نیابت طفل به جا آورد.

[۱۴] م اگر طفل نابالغ قبل از این که در میقات محرم شود بالغ شد، حجّ او حَجَّهالاسلام است، اگر از همان جا که مُحرم می شود مستطیع باشد.

سوّم: حرّیت.

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحّت بدن و توانایی و باز بودن راه و آزادی آن و وسعت وقت و کفایت آن. [۴]

[۱۵] م استطاعت از جهت مال؛ یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است، و چنانچه عین آنها را ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیه آنها نماید، و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد. [۵] و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می شود.

[۱۶] م شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، این که ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد داشته باشد، مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن، در حدّی که مناسب با شأن او باشد، [۶] و چنانچه عین آن ها

را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

[۱۷] م اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند از حَجَّهالاسلام کفایت نمی کند.

[۱۸] م کسی که نیاز به ازدواج دارد [۷] و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد.

[۱۹] م کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حال است و می تواند بدون واقع شدن در حَرَج و مشقت، آن را بگیرد واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی شود و همچنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می شود، ولی اگر مدیون نمی خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

[۲۰] م اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند، مستطیع نمی شود، هر چند بتواند بعداً به سهولت قرض را ادا کند [۸] و اگر با آن حج به جا آورد از حَجَّهالاسلام کفایت نمی کند.

[۲۱] م کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از ادای آن را دارد، واجب است به حج برود، و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده، لکن طلبکار راضی به تأخیر ادا باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدهی را ادا نماید و

در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

[۲۲] م کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر آن ها مخارج حج را داشته باشد.

[۲۳] م کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند [۹] ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد، حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو است به حج برود.

[۲۴] م اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سال های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می کند، می تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید. [۱۰]

[۲۵] م کسی که استطاعت حج دارد باید خرج های مقدماتی را؛ از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرج ها موجب سقوط حج نمی شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

[۲۶] م اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همین طور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آن که به قدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود. [۱۱]

[۲۷] م شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک

دارد باید بفروشد و به حج برود اگر چه به واسطه مشتری نداشتن، به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر آن که فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود.[۱۲]

[۲۸] م کسانی که کتب زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست و اگر زاید را بفروشند به قدر مؤونه حج می شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج بروند، بلکه اگر از کتب موقوفه رفع احتیاج می شود و کتاب ملکی به قدر حج هست واجب است حج بروند به شرط آن که کتاب های موقوفه در معرض زوال نباشد.

[۲۹] م اگر شک کند که مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه، احتیاط واجب آن است که تحقیق کند، [۱۳] و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

□ [۳۰] م اگر نذر کند که در روز عرفه کربلائی معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود، و نذر مانع از حج نمی شود، و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود، و باید به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد.

[۳۱] م اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمیتر است باید برود و الا نباید برود لکن اگر رفت و حرامی به جا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است

ولی حج او صحیح است.

[۳۲] م اگر با اعتقاد به این که مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده کفایت از حَجَّهالاسلام نمی کند مگر در صورتی که قصد وظیفه فعلیه نموده باشد و اشتباهاً آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

[۳۳] م اگر شخص زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و نفقه تو و عائله ات بر عهده من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل، حج واجب می شود و این حج را بذلی می گویند و در آن رجوع به کفایت که از شرایط وجوب است شرط نیست، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود واجب نیست.

[۳۴] م اگر مالی که برای حج کفایت می کند را به او ببخشند برای اینکه حج به جا آورد، باید قبول کند و حج به جا آورد و همچنین اگر واهب بگوید مخیری بین اینکه حج به جا آوری یا نه. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست. [۱۴]

□ [۳۵] م باذل می تواند از بذلش برگردد، ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه برگشتن او را بدهد، و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه اتمام حج را نیز پردازد.

□ [۳۶] م پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است ولی کفارات بر عهده او نیست و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی شود مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت.

[۳۷] م کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود، به اجرتی

که با آن مستطیع می شود، حج بر او واجب می شود هر چند اجاره بر او واجب نبوده است ولی بعد از آن مستطیع می شود و باید حج به جا آورد. [۱۵]

[۳۸] م کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیابی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد.

[۳۹] م شرط است در استطاعت که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب النفقه او نباشند.

[۴۰] م شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت؛ یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک، مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به شدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است و اگر بعد از مراجعت، نیاز به مثل زکات و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد کفایت نمی کند، بنا بر این بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه حوزه های علمیه دارند، حج واجب نیست. [۱۶]

[۴۱] م شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج [را] ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد، واجب نیست و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است؛ به طوری که نمی تواند به حج برسد نیز واجب نیست.

[۴۲] م اگر با وجود شرایط

استطاعت، حج را ترک کرد، حج بر او مستقر می شود و باید بعداً به هر نحو که می تواند به حج برود.

[۴۳] م مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند، مگر در مورد مریض یا پیر، به شرحی که بعداً بیان می شود.

[۴۴] م کسی که خودش مستطیع است نمی تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبایی به جا آورد، و اگر حج نیایی [۱۷] یا استحبایی به جا آورد باطل است.

[۴۵] م کسی که حج بر او مستقر شد و به جا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی توانند در ترکه تصرف نمایند [۱۸] و لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می شود، [۱۹] و همچنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند، و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی شود.

مسائل متفرقه استطاعت

[۴۶] م اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به نحوی است که

قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی شود، هر چند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

[۴۷] م زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج هست و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن مفسده ای ندارد، با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد؛ مثل این که ممکن است مطالبه، به نزاع و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

[۴۸] م با وجوه شرعیه؛ مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی شود [۲۰] و اگر به مکه برود، کفایت از حجها لاسلام نمی کند.

[۴۹] م اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزاتر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زاید بر شئون او نباشد لازم نیست آن را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زاید بر شئون او باشد، [۲۱] با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

[۵۰] م کسی که از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج، مقداری از

مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب؛ مثل منبر و بقیه را از شهریه ای که از وجوه شرعیه است تأمین می کند، اگر در راه اداره زندگی بعد از مراجعت از حج، نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست. [۲۲]

[۵۱] م اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند، در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی شود هرچند [۲۳] پولی که به دست آورده، برای مخارج حج کافی باشد.

[۵۲] م اگر شخصی از سال های قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به جهت کسالت، برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نباشد، نمی تواند نایب بگیرد [۲۴] و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد، باید از ترکه اش برای او حج بدهند و اگر از سال های قبل استطاعت نداشته، در فرض مزبور مستطیع نشده است.

[۵۳] م هر گاه زنی با کسب می تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به زحمت می افتد، اگر به زحمت افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی شود.

[۵۴] م کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود، هرچند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آن جا را با همه شرایط دیگر داشت مستطیع می شود و کفایت از حَجَّهَا لاسلام می کند.

[۵۵] م کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در

رفتن به حج داشته و در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت اینکه قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست [۲۵] ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال های بعد در قرعه کشی شرکت کرد، حج بر او مستقر شده است هر چند قرعه به نام او اصابت نکند.

[۵۶] م کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده؛ [۲۶] چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

[۵۷] م در حصول استطاعت فرقی نیست بین اینکه در شهر حج یعنی شوال و ذیقعدہ و ذی حجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنا بر این اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه های حج. [۲۷]

[۵۸] م خدمه کاروان ها که وارد جده می شوند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت، مثلاً کار و صنعت و غیر آن، که با آن ها می توانند پس از مراجعت ادامه زندگی مناسب خود را بدهند، مستطیع هستند و باید حَجَّهالاسلام به جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند، باید حج واجب را به جا آورند

و حکم روحانی کاروان نیز همین است لیکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه حوزه دارند مستطیع نمی شوند. [۲۸]

[۵۹] م پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است [۲۹] حَجَّهالاسلام به جا آورند هرچند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

استفتائات استطاعت

قسمت اول

[۶۰] س کسی در مدینه مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و دکترها گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدت استراحت در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال مشکل باشد، اگر او را به مکه ببرند وظیفه این شخص چیست؟

ج اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال، حتی به نحو اضطراری را ندارد، از استطاعت افتاده و حج بر او واجب نیست ولی برای دخول مکه باید مُحْرَم شود و با انجام اعمال عمره مفرده ولو اضطراری آن، از احرام خارج می شود، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج براو مستقر شده، اگر مأیوس از خوب شدن باشد باید نایب بگیرد که برایش عمره و حج تمتع انجام دهد و خودش برای دخول مکه مُحْرَم شود و عمره مفرده به طوری که ذکر شد به جا آورد، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حج تمتع ممکن باشد، و لو به نحو اضطرار و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحْرَم شود و هر مقدار از اعمال را که می تواند ولو با کمک گرفتن از دیگری انجام دهد، و هر مقدار را که نمی تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست.

[۶۱] س کسی که احتمال

می دهد حجی که در سال های قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حج را به چه نیتی به جا آورد؟

ج می تواند قصد مافی الذمه؛ یعنی قصد امثال مطلق امر متوجه به او را کند و می تواند قصد حَجَّهالاسلام احتیاطاً نماید.

[۶۲] س شخصی که حج واجب خود را انجام داده است آیا می تواند آن را به قصد مافی الذمه اعاده کند؟

ج مانع ندارد ولی اعاده حج کفایت از اجزاء در صورت صحت حج سابق و بطلان اجزاء نمی کند و باید خود آن جزء تدارک شود.

□ [۶۳] س کسی که با وجود تقلید صحیح، قبلاً به حج مشرف شد و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمی دانسته حَجَّهالاسلام قصد نموده و به جا آورده است با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلاً همه شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می کند آیا باید حج سابق را اعاده کند یا خیر؟

ج اعاده لازم است.

[۶۴] س شخصی بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و از انجام حج منصرف شد و به ایران رفت و در مکه کسی را وکیل کرده که برای فراغ ذمه او اقدام نماید، وظیفه در این مورد چیست و آیا محرمات احرام بر چنین شخصی چه وضعی دارد؟

ج در فرض مسأله، وکیل گرفتن بی فایده است و چنانچه سال اول استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قدرت انجام حج افتاده باشد در این صورت وجوب حج بر او موقوف است به بقای استطاعت تا سال های بعد، ولی

در صورتی که سال اول استطاعت نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده است، چنانچه مأیوس از خوب شدن باشد باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمره تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد نمی تواند نایب بگیرد و باید خودش حج و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال شده است.

[۶۵] س در حال حاضر، که هر کسی بخواهد حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حَجَّهالاسلام است یا خیر؟

ج اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده و فعلاً هم نمی تواند به حج برود مگر با قرض، حج بر او واجب نشده است، و حج او حَجَّهالاسلام نیست. [۳۰]

[۶۶] س اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد، به قصد عمره تمتع مُحرم شد و به ترتیب کلیه اعمال حج تمتع حَجَّهالاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده است، بفرمایید احرام و اعمال گذشته اش چگونه است و نسبت به آینده اگر مستطیع شد، آیا حَجَّهالاسلام بر او واجب است یا نه؟

ج مُحرم نیست، [۳۱] ولی اگر مستطیع شد باید حَجَّهالاسلام به جا آورد.

[۶۷] س کسی خیال می کرد مستطیع نیست، به نیت استحباب مُحرم شد و اعمال

عمره تمتع را انجام داد، بعد در مکه پرسید، معلوم شد مستطیع بوده است، آیا مجدداً باید به نیت وجوب مُحرم شود یا کافی است؟

ج کفایت نمی کند، [۳۲] و در صحت حج ندبی او تأمل است.

[۶۸] س شخصی برای زیارت سوریه ثبت نام کرده و فعلاً سه هزار روپیه به دست آورده است و خرج حج بیت الله هم همین مقدار می شود، آیا رفتن حج واجب است یا می تواند به زیارت سوریه برود؟

ج اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.

[۶۹] س در قباله های کنونی برای ازدواج، مبلغ زیادی نوشته می شود، آیا زنی که می خواهد ازدواج کند طبق برنامه مذکور واجب الحج می شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ چه قدر باشد بهتر است؟

ج اگر بدون مفسده بتواند مهر را بگیرد و به حج برود مستطیع است، و مهرالسنه بهتر است و استحباب دارد.

[۷۰] س اگر پدری بعد از ثبت نام برای حج، فوت کرده است و چند پسر دارد و اجازه حج به یکی از پسران داده می شود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام حاصل می شود؟

ج با فرض وجود سایر شرایط استطاعت، به هر کدام اجازه داده شود مستطیع می شود.

[۷۱] س پدری برای حج ثبت نام کرده و در وصیتش گفته است که برایش حج مستحبی به جا آورند و پسر بزرگتر چون دیده خودش استطاعت بدنی و مالی دارد و فقط استطاعت طریقی نداشته که آن هم با فوت پدر برایش حاصل شده، به نیت خود حج را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حج او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته

مگر از طریق نیابت؟

ج فرض مزبور نیابت نیست، و حج خودش صحیح و مُجزی است.

[۷۲] س مسلمینِ بعضی از کشورهایی که حکومتشان کمونیستی است، اگر بخواهند حج بروند باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً این پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه منحصر به این کار باشد آیا اولاً: حج بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ و ثانیاً: اگر این مقدار پول را بدهند و به حج بروند از حَجَّهالاسلام کفایت می کند یا نه؟

ج آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی شود.

[۷۳] س زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته، به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن می تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش بدهد به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه؟

ج اگر زن مستطیع است نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد حج شوهر صحیح است.

[۷۴] س من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یک ماه حقوق قبل از پرداخت آن، موفق به سفر حج شدم، با توجه به اینکه شخص طلبکار از این سفر حج کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حج واجب محسوب می شود یا نه؟

ج اگر استطاعت مالی برای شما محقق بوده، در فرض مزبور حج شما صحیح و حج واجب محسوب است، به شرط آن که امکان ادای بدهی بعداً به سهولت برای شما فراهم باشد. ولی اگر با قرض برای حج استطاعت مالی پیدا کرده اید، مستطیع نشده اید و از حَجَّهالاسلام

محسوب نمی شود. [۳۳]

[۷۵] س اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حج ایشان نماید و اگر چنین کرد تکلیفش چیست؟

ج اگر شخصاً مستطیع است باید حج به جا آورد و با بخشش پول به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب بر خود را به جا آورد بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

[۷۶] س اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، آیا برای این گونه اشخاص اسم نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب، اگر مسامحه کردند و نوشتند و بعد از مدت پنج سال مردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترک واجب کرده اند یا اینکه حج هم بر آنان مستقر است؟

ج اگر احتمال دهند که قرعه در همان سال اول به نامشان بیرون می آید لازم است شرکت کنند [۳۴] و اگر شرکت نکردند باید به حج بروند و حکم کسی را دارند که حج بر او مستقر است.

[۷۷] س این جانب با شرایط زیر، طبق قرعه کشی سازمان حج و زیارت ان شاء الله در سال ۱۳۶۶ عازم بیت الله الحرام هستم:

۱ هزینه کامل زیارت خود و همسر از پول مُخَمَّس تهیه شده است.

۲ معلم آموزش و پرورش بوده و حقوق مستمر در حد معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.

۳ فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

۴ وسائل زندگی را در حد معمول دارا می باشم.

با توجه

به شرایط فوق و شبههاتی که نسبت به وجوب حج و عدم آن از اطراف القما می شود، آیا حج این جانب و همسر من از حج واجب، کفایت می کند یا خیر؟

ج در فرض مرقوم چنانچه همسر شما به مقدار رفتن و برگشتن برای حج پول دارند و می توانند بروند، مستطیع هستند، و شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان دارا باشید، و بعد از برگشتن بتوانید با درآمد کسب خودتان، زندگی خود و عائله را اداره کنید.

[۷۸] س اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حج مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی نویسند، آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سال ها فریضه او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج باید به هر نحو هست و برخلاف مقررات جمهوری اسلامی نیست به حج مشرف شود.

[۷۹] س شخصی قبلاً حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعداً از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنانچه در سال اول یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند، فرق دارد یا نه؟

ج با فرضی که ذکر شده مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد و فرق ندارد.

پدرم در سال ۱۳۶۰ برای زیارت خانه خدا مستطیع شد و در سال ۱۳۶۲ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد، ولی بعد از احرام بستن، بین راه سگته و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حج به گردنش می باشد یا خیر؟

ج اگر بعد از دخول حرم مرده، حج از او ساقط شده است و اگر قبل از دخول حرم فوت کرده، [۳۵] در صورتی حج واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

[۸۱] س دارایی شخصی قریب هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملک و خانه که ارث از پدرش به او رسیده می باشد، به اضافه این که یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون که نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است، دارای یک همسر و دو بچه صغیر می باشد که معاش آنان از درآمد همین املاک مذکور تأمین می شود، آیا شخص متوفی مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حج، آیا حج بلمدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می کند؟ و آیا می شود مخارج حج، از کل ترکه پرداخت گردد؟

ج چنانچه شخص متوفی در حال حیات، خرج رفت و برگشت خود و عیالانش را داشته و در برگشتن هم درآمد لایق به حال خود و خانواده را داشته و می توانسته به مکه برود و تأخیر انداخته، مستطیع بوده و چنانچه وصیت نکرده، حج میقاتی از اصل ترکه خارج می گردد.

[۸۲] س شخصی که حج به جا آورده، لیکن چون امرار معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که

حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج به جا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج چنانچه در وقت انجام حجّ اولی مستطیع نبوده، با فرض حصول استطاعت در زمان حج ثانی، حج نیابتی باطل است [۳۶] و حج خود را باید انجام دهد و حج نیابتی را اگر وقت آن موعّد بوده، بعد از حج خودش انجام دهد و در غیر این صورت به صاحب پول مراجعه کند.

قسمت دوم

[۸۳] س کسی که واجب الحج بوده، از پاکستان عازم حج شد و در مدینه منوره بیمار گردید و در حال بیماری به طرف مکه رهسپار شد و در بیمارستان مکه قبل از حج وفات نمود، تمام دارائیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجه به این که پول موجودش برای نیابت حج او کفایت نمی کند، آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند، و یا اینکه با فوت او حج ساقط می شود؟ اجرکم علی الله.

ج اگر با احرام عمره تمتّع داخل مکه شده و پیش از انجام یا اكمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن فوت نمود، همان مقدار عمل او مُجزی و حج از او ساقط است، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شد و در آن جا فوت نمود، در صورتی که حج بر او قبلاً مستقر بوده، باید از اصل ترکه او برایش نایب بگیرند و حج میقاتی کفایت می کند.

[۸۴] س این جانب در موقع ازدواج، یک سفر

حج به زوجه ام وعده داده ام، آیا ادائش چگونه می باشد؟

ج اگر مجرد وعده بوده است، لازم نیست ادای آن. و اگر مهر قرار داده شده باشد باید به آن عمل کند.

[۸۵] س این جانب که به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون و امراض دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی باشم، آیا می توانم نیابتاً از طرف خود کسی را به حج بفرستم یا خیر؟

ج اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده اید، ولیکن اقدام بر انجام حج نکرده اید و در نتیجه حج بر شما مستقر شده و فعلاً در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن نباشد تمکن از سفر حج ندارید واجب است کسی را نایب بگیرید تا برای شما حج به جا آورد.

[۸۶] س شخصی پدرش وصیت کرده است که فرزندش از جانب او حج به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند مستطیع می شود. آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

ج اگر قبل از آن که پسر مستطیع شود، پدر او را اجیر کرده که بعد از فوت او در سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر قبل از استطاعت خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیابی برای پدر انجام دهد. [۳۷] و در غیر این صورت باید برای خودش حج کند. و در صورت اول، اگر برای خودش حج به جا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است. ولی در صورت دوم، اگر

حج نیایی به جا آورد صحیح نیست، و نه برای خودش واقع می شود و نه برای پدرش، و حج بر خودش مستقر می شود که باید به هر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر به جا نیاورد در سال های بعد، با مراعات فوراً ففوراً، انجام دهد. و باید معلوم باشد که مجرد وصیت به حج بدون استیجار فرزند، نیابت را بر او واجب نمی کند هر چند وصیت را قبول کرده باشد. بنا بر این در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید برای خودش حج به جا آورد و نیابت صحیح نیست.

[۸۷] س خانم خانه داری که حج بر او واجب شده است و شوهرش اجازه مسافرت به تنهایی را نمی دهد و می گوید چون برای حج اسم مرا ننوشته ای من اجازه نمی دهم، وظیفه اش چیست؟ و آیا بدون اجازه شوهر می تواند به حج برود یا نه؟

ج در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد ولو این که شوهر او راضی به مسافرت او برای حج نباشد.

[۸۸] س شخصی طبق وصیت پدر، که پول به حساب سازمان حج واریز کرده است، به نیابت او به مکه آمده در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است، آیا به نیابت پدر حج به جا آورد یا حج خود را انجام دهد؟

ج اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او، راه برای او باز شده است، باید برای پدرش حج کند، مگر آن که تبرعاً و بدون اجاره به نیابت پدر آمده باشد، که در این صورت مستطیع شده و باید

برای خودش حج به جا آورد، و گذشت که به مجرد وصیت و قبول فرزند، نیابت واجب نمی شود مگر آن که قبل از استطاعت اجیر شود. [۳۸]

□ [۸۹] س شخصی به جز برای هدی، استطاعت حج را دارا است، آیا حج برای او واجب است؟

ج بلی مستطیع است و پول هدی، جزو استطاعت نیست.

[۹۰] س این جانب سال گذشته به حج مشرف شدم و با توجه به فتوای حضرت عالی که فرموده اید طلابی که به شهریه حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می شوند که از وجوه شرعیه مستغنی باشند، لذا این جانب مقدار پولی با افراد ذی حق (پدر و همسایه) مبادله و دستگردان کردم و به عنوان این که نسبت به بنده ذی حق هستند، به آنان بخشیدم و ایشان آن را جهت مخارج حج به من برگرداندند، من هم در تمام اعمال و مناسک حج نیت حَجَّهَ لاسلام کردم، آیا این حج برای این جانب کفایت از حَجَّهَ لاسلام می کند یا نه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال ۱۳۶۰ پول به حساب ریختم و آن موقع فتوای فوق را ندیده بودم و پولی که دستگردان شده بود جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم قرار گرفت، بفرمایید آیا عین پول مبذول باید هزینه باشد یا بذل آن کافی است؟

ج در فرض سؤال احوط آن است [۳۹] که بعداً اگر استطاعت پیدا کردید حج را اعاده نمایید.

[۹۱] س شخصی قدرت مسافرت حج را ندارد و از قادر شدن بعد هم مأیوس است و استطاعت مالی هم ندارد، اگر به او بذل نفقه حج نمایند، آیا باید قبول کند و نایب بگیرد یا اینکه قبول واجب

نیست، و نیز اگر او را مهمان کنند، حج واجب می شود تا استنابه کند یا خیر؟

ج در فرض مرقوم حج واجب نیست.

[۹۲] س اگر در میقات مستطیع شد و حَجَّهالاسلام به جا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله، رجوع به کفایت شرط است یا نه؟

ج اگر مستطیع شده، مُجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است.

[۹۳] س شخصی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده، آیا می تواند پول حج را به مصرف لازمی در غیر مؤونه خود و افراد واجب النفقه اش خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟ مثلاً آیا می تواند در شرایط کنونی کشور خرج جبهه کند؟

ج مستطیع باید به حج برود، و دادن پول در مصارف مذکور کافی از حج واجب نیست، و اگر خرج کند و از استطاعت بیفتد، باید به هر نحو هست به حج برود.

[۹۴] س در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می فرستد، بدون این که ملزم باشد کاری انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است یا خیر؟ و قبول آن واجب است؟

ج با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حج بذلی دارد.

[۹۵] س مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟

ج اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود، باید ثبت نام کنید. و در غیر این صورت مستطیع نیستید [۴۰] و نگهداری پول لازم نیست.

[۹۶]

س همسر شهیدی که دارای دو بچه چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچه را دارد و به عنوان خانواده شهید قرعه حج هم به نام او در آمده است، آیا مشارالیه می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مناسک حج را انجام دهد یا خیر؟

ج نمی تواند مصارف حج را از اموال صغیر بردارد.

[۹۷] س کسی که چهار پسر دارد و زن برای همه شان گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش در آمدشان یکجا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت دارند؟

ج کسی که از مال خودش به مقدار حج دارد و می تواند به مکه برود و بعد از برگشت زندگانی لایق شأنش را داشته باشد مستطیع است و باید حج برود.

[۹۸] س کسی که واجد شرایط حج باشد و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد که اگر زن نگیرد به حرام می افتد، آیا کدام مقدم است و وظیفه پدر بزرگ چیست، ازدواج برای نوه اش یا حج؟

ج حج خودش مقدم است مگر اینکه ازدواج نوه، از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هم برای او ازدواج کند و هم به مکه برود.

[۹۹] س این جانب با داشتن استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چون معتاد به خوردن تریاک هستم طبق مقررات

کشوری، اداره بهداشت از رفتن حج جلوگیری می کند، از نظر شرع تکلیف حج چیست؟

ج اگر قبلاً مستطیع بوده اید و با امکان، حج نرفته اید حج بر شما مستقر شده است، و اگر قبلاً استطاعت نداشته اید در فرض مذکور مستطیع نیستید، مگر آن که بتوانید، ولو با ترک تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکه بروید.

[۱۰۰] س آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزو ترکه میت است یا نه؟

ج چنانچه به عنوان مصرف از طرف ولی امر به او داده شده، مالک شده و جزو ترکه او محسوب است، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط، مستطیع می شود.

[۱۰۱] س هر گاه کسی سرمایه یا ابزار کار دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد می تواند با آن زندگی کند بدون زحمت، و با تفاوت آن قادر بر حج است آیا این شخص مستطیع است؟

ج با وجود سایر شرایط، مستطیع است.

[۱۰۲] س شخصی باغی دارد که چند سال است درآمدی نداشته، اما از نظر قیمت برای سفر حج کافی بوده، صاحب باغ عرفاً اطمینان دارد وقتی باغ ثمر بدهد او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد باغ امرار معاش نماید، آیا این شخص مستطیع است؟

ج اگر تمکن از امرار معاش به غیر از درآمد آن باغ نداشته باشد مستطیع نیست.

[۱۰۳] س شخصی که بعد از عمره تمتع دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حج محرم کنند و وظیفه چیست؟

ج لازم نیست و بر دیوانه تکلیفی نیست.

[۱۰۴] س اگر دختر بچه سه

ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد و در طواف عمره و سعی بین صفا و مروه و طواف زیارت و طواف نساء و وقوف عرفات و مشعر و منی مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آنچه از اعمال حج که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه انجام داده اند از احرام خارج شده و می تواند شوهر کند.

[۱۰۵] س اگر اطفال غیر ممیز پسر یا دختر را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند، آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال حج و عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و حج و طواف نساء را از جانب اطفال به جا آورند، و اگر هیچکدام از کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند و عمره و حج و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج بر ولی طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم

کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مناسک و در رساله ذکر شده است انجام دهند، و گرنه در بعض صور، طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند نمی تواند ازدواج نماید.

[۱۰۶] س اولاً با وجود دین چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً در صورتی که پول باشد لیکن به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت تشرّف را خالی از خطر ندانسته و تجویز نمایند، آیا بایستی یک نفر برای انجام حج اعزام گردد؟

ج شما اگر قبل از آن که استطاعت پیدا کنید مریض شده اید، که قدرت رفتن به مکه را از جهت مرض نداشته اید، مستطیع نشده اید و نایب گرفتن لازم نیست و نیز استطاعت مالی در صورتی موجود است که پول به مقدار رفتن و برگشتن داشته باشید و پس از برگشت، امکان پرداخت دین به سهولت برای شما باشد.

نیابت در حج

[۱۰۷] م در نایب اموری شرط است:

۱ بلوغ، بنا بر احتیاط واجب.

۲ عقل.

۳ ایمان. [۴۱]

۴ وثوق و اطمینان به انجام دادن او، و اما بعد از اجرای عمل نایب، لازم نیست اطمینان به صحت آن، و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می شود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شک داشته باشد.

۵ معرفت نایب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی در حال عمل.

۶ ذمه نایب، مشغول به حج واجبی در آن سال نباشد. [۴۲]

۷ معذور در ترک بعض افعال حج نباشد.

[۱۰۸] م در منوب عنه اموری شرط است:

۱ اسلام.

۲ در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا

اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود [۴۳] و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست و مماثله بین نایب و منوب عنه نیز شرط نیست و جایز است کسی که تا کنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود.

[۱۰۹] م نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند، گرچه مستحب است. [۴۴]

[۱۱۰] م ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به این که نایب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است و در اجرای این حکم در حج تبرّعی اشکال است بلکه در غیر حجها اسلام خالی از اشکال نیست. [۴۵]

[۱۱۱] م لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده خود او است نه مستأجر.

[۱۱۲] م نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد مافی الذمه به جا آورد. [۴۶]

[۱۱۳] م اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

[۱۱۴] م استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست،

بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنه مجزی نیست. [۴۷]

[۱۱۵] م در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد.

[۱۱۶] م کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول استطاعت حج نرفته، اگر به واسطه مرض یا پیری، قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نایب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد و به احتیاط واجب [۴۸] باید فوراً نایب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است.

[۱۱۷] م بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند اگر چه عذرش برطرف شود و اما اگر قبل از اتمام حج عذر برطرف شد، چه قبل از احرام یا بعد، باید خودش حج برود.

[۱۱۸] م کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جایز نیست نیابت کند از غیر و اگر نیابت کند باطل است؛ چه عالم به حکم باشد یا نباشد. [۴۹]

[۱۱۹] م اگر اجیر برای حَجَّهالاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت می کند از حج کسی که برای او به جا آورده است و لازم نیست حج کردن برای او و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند، [۵۰] و

همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.

[۱۲۰] م اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد، پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می باشد و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر از آن چه ذکر شد و اجرت احرام مستحق نیست، اگر چه حج از میت ساقط می شود، [۵۱] و اگر بعض اعمال را به جا آورد و مُرد، مستحق اجرت آن اعمال نیز می باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است، اگرچه بعض اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده باشد.

[۱۲۱] م کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه و خودش حج واجب به جا نیاورد، احتیاط آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده به جا آورد و این احتیاط واجب نیست لیکن خیلی مطلوب است.

[۱۲۲] م کسی که اجیر شده برای حج تمتع، می تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده به جا آورد.

[۱۲۳] م کسی که عذر داشته باشد از بعض اعمال حج، نمی شود او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعض اعمال، تبرّعاً از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد. [۵۲]

استفتائات نیابت

قسمت اول

□ [۱۲۴] س کسی مستطیع

بوده و در میقات به نیابت دیگری مُحرم شده و به مکه آمده و عمره تمتع را از طرف منوب عنه انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج با این که خودش مستطیع است نیابت او صحیح نیست و احرام او باطل است و باید برگردد به میقات و از آن جا برای خودش مُحرم شود.

[۱۲۵] س اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعضی اعمال معذور است، آیا می تواند در این اعمال نایب بگیرد و آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را به جا آورد؟

ج نایب شدن معذور صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر این که از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و أُجرت نایب را باید امر کننده پردازد.

[۱۲۶] س از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده اند و به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفا، به منی بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج با توجه به این که از معذورین هستند و نمی توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند، نیابت آنان صحیح نیست و اگر قبل از استخدام اجیر شده اند باید حج را به جا آورند و وقوف اختیاری

را درک نمایند.

[۱۲۷] س آیا شخص زنده در موردی که می تواند نایب بگیرد، باید از بَلَد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می کند یا خیر؟

ج نایب گرفتن از میقات کفایت می کند و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او و کالت داشته باشد.

[۱۲۸] س آیا عمره مفرده یا طواف استحبابی را می توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم و در اعمال آن؛ از جمله طواف نساء، نیت همه باید بشود یا نیت بعضی کافی است؟

ج می توانید به نیابت چند نفر انجام دهید و باید نیت همه بشود.

[۱۲۹] س کسی را روز عید، قبل از حلق دستگیر کرده اند و او را به ایران فرستاده اند، آیا رفقای او می توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر و چگونه از احرام خارج می شود؟

ج بدون این که خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمی تواند برود در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنا بر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد [۵۳] و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

□ [۱۳۰] س افرادی که هر سال به حج می روند؛ مانند خدمه کاروان ها، در محل خود از کسی نیابت قبول می کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و مُحرم می شوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می کنند، آیا حج نیابتی آنان درست است یا حج برای خودشان

حساب می شود؟

ج باید عمره و حج را به همان نیت اول اتمام کنند و احرام دوم صحیح نیست مگر آن که احرام اول باطل باشد؛ مثل این که حج بر او واجب نبوده و نیت حَجَّه‌الاسلام کرده باشد.

[۱۳۱] س شخصی در میقات برای خودش مُحْرَم می شود و تلبیه می گوید، بعد به فکر می افتد که چون خودش حج واجب را در سال های گذشته به جا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرعی به جا آورد، آیا می شود با نیت عدول کند و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر مُحْرَم شود یا خیر؟

ج اگر به احرام صحیحی مُحْرَم شده، نمی تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

□ [۱۳۲] س نایبی در احرام عمره تمتع، بعد از این که وارد مکه شد شك می کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحْرَم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب می شود و دیگر نمی تواند نایب باشد؟

ج در نیت خطور لازم نیست، اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در داعی و انگیزه هم شك دارد، باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) اتمام کند، و در نیابت به آن اکتفا نمی شود.

[۱۳۳] س زنی در عرفات، در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می تواند برای او نایب بگیرد و

یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا نه؟

ج مجنون تکلیف ندارد و نمی تواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص مُحرم دیگر را دارد.

[۱۳۴] س هر گاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمّتع مستحبی مُحرم شده و عمره را انجام داده است می تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج کسی که برای عمره تمّتع مُحرم شده ولو مستحبی، نمی تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند و قوفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودشان هم حج یا عمره به جا می آورند.

[۱۳۵] س بنده چون مسؤول گروه حج بودم، به استناد وظیفه ام، که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود، وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی این جانب را بیان فرمایید.

ج اگر همراه عجزه بوده اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده اید نیابت شما درست نبوده است.

[۱۳۶] س اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حج به جا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حج از عهده پدر و مادرش برداشته می شود؟

ج

مانع ندارد و حج از منوب عنه کافی است، مگر آن که سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع باشد.

[۱۳۷] س این جانب حدود شانزده سال قبل نیابتاً به مکه معظمه مشرف شدم و در منی چون سفر اول بوده است، و می دانستم که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول حلق کنم، و لیکن نمی دانستم که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین ته زن سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته ام، لطفاً بفرمایید در سفر اول که به جای تیغ با ماشین سر را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه ام چیست؟ و آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد می آورد یا ذمه ام بری شده است؟

ج شما در صورت امکان باید [۵۴] به مکه بروید و در منی حلق کنید و بعد از آن طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورید و در این اعمال نیت اتمام حج سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، و اگر خودتان نمی توانید بروید یا رفتن برای شما حرجی است در محل خود حلق کنید و بنا بر احتیاط موی آن را به منی بفرستید [۵۵] و در بقیه اعمال فوق نایب بگیرید، و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه احتیاط را مراعات نمایید.

[۱۳۸] س کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان، بعد از درک اضطراری مشعر، به منی

بروند، آیا همه آنان از ذوی الأعدار می باشند که نیابت ولو تبرعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثناء شده است؟

ج در فرض سؤال، زن ها می توانند نایب شوند و نیابت در سایر ذوی الأعدار صحیح نیست.

[۱۳۹] س شخصی در حج از میتی نیابت کرد و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک، هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف مشعرالحرام، با زن ها و مریض ها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، آیا وظیفه اش چیست؟

ج عمل مزبور مُجزی از حج نیابتی استیجاری نیست، و از جهت اجرت باید به اجیر کننده مراجعه نماید و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده نباشد، دوباره حج نیابتی صحیح به جا آورد.

[۱۴۰] س آیا می توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حج را انجام دهم؟

ج در یکسال بیش از یک حج واقع نمی شود.

[۱۴۱] س شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره مُحرم شد و به مکه آمد، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود به جا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود به جا آورد، نسبت به حج نیابتی چه وظیفه ای دارد و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج احرام او صحیح نبوده است و باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش مُحرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد و راجع به حج نیابتی نمی تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته

باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد.

[۱۴۲] س کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حج تمتع را انجام دهد؟

ج نمی تواند.

[۱۴۳] س آیا شرط ایمان نایب، که در اصل نیابت حج [۵۶] و همچنین در ذبح شرط است، [۵۷] در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و طواف هم شرط است یا خیر؟

ج در سایر اعمال نیز شرط است.

[۱۴۴] س شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی تواند بالمباشره حج را به جا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر، مجزی است یا خیر؟ و هر گاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می شود یا نه؟

ج در فرض مزبور استنباه در مورد پدر صدق نمی کند، و حَجَّهالا سلام از طرف پدر واقع نمی شود و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

[۱۴۵] س شخصی پس از آن که به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد، با توجه به این که سابقاً حج بر او مستقر شده است، آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر، و اگر نشود، تبرع حج از او چه صورت دارد؟

ج نیابت و تبرع در فرض سؤال صحیح نیست. [۵۸]

[۱۴۶] س فردی پس از استطاعت مالی برای حج

اسم نویسی کرد و برای دو سال بعد اسمش درآمد، ولی چند ماه قبل از حرکت، فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج به جا آورد، در حالی که پسر خود استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم می نوشت، شاید در همان سال اول، قرعه به نامش درمی آمد و شاید هم سال های بعد، اکنون پسر به مدینه آمده به عنوان نیابت حج بلدی از جانب پدر و هنوز محرم نشده، چه وظیفه ای دارد؟

ج در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست و باید برای خودش حج نماید. [۵۹]

[۱۴۷] س شخصی اجیر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آن جا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آن جا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران چه حکمی دارد؟

ج اگر می تواند باید برگردد، و چنانچه برنگشت ولو در صورت تمکن و حج را انجام داد، حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

[۱۴۸] س آیا بر نایب واجب است اعمال حج را طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج میزان، وظیفه خود اوست ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

[۱۴۹] س

آیا در اجاره برای اعمال حج لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج لازم نیست و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می کند.

[۱۵۰] س نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه می رود و به عنوان نیابت حج حرکت می کند و به وطن خودش یا محل دیگری می رود و در ماه ذی حجه، که عازم حج می شود، دیگر به بلد منوب عنه نمی رود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟

ج کافی است.

[۱۵۱] س در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود پسر بزرگ نیابتاً به مکه برود و من که پسر بزرگ هستم به وسیله ارث مستطیع شده ام اما تاکنون نتوانسته ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می توانم با این حال به جای پدر حج به جا آورم یا نه؟

ج با فرض حصول استطاعت مالی برای خودتان ولو از بابت ارثیه، اگر امکان فروش و صرف قیمت در حج را دارید باید اول برای خودتان حج به جا آورید و برای پدر بعداً انجام دهید یا دیگری را نایب بگیرید. [۶۰]

□ [۱۵۲] س آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج که طواف را در غیر موسم حج به جا آورد یا نه؟

ج مانع ندارد.

قسمت دوم

[۱۵۳] س شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن هیچگونه قدرت مالی جهت انجام حج را ندارد، آیا فرزندش می تواند تبرعاً از طرف او حج نیابی انجام دهد؟

ج نیابت در حج از حی صحیح نیست مگر در صورتی که شخص از جهت پیری نتواند به حج برود

یا مریض باشد و از جهت مرض نتواند برود و مأیوس از خوب شدن تا آخر عمر باشد. [۶۱]

[۱۵۴] س حج به نیابت حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) چون در موسم حج تشریف دارند جایز است یا نه؟

ج اشکال ندارد.

[۱۵۵] س زنی که واجب الحج است وصیت کرده که از اصل ترکه اش برای او حج بَلَدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام نویسی برای حج، آن هم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می تواند حج نیابی را انجام دهد؟

ج وصی اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست الآن هم مستطیع نیست و می تواند برای حج نیابی اجیر شود، ولی اگر بدون این که اجیر شود خود را به میقات برساند، نمی تواند حج نیابی به جا آورد و باید برای خودش حج به جا آورد.

[۱۵۶] س کسی که حج نیابی انجام می دهد، اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد، ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی می کنم یا باید وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟

ج نام میت بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

[۱۵۷] س کسی که برای حج اجیر می شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب می گیرم، آیا این شرط نافذ است و می تواند عمل نماید یا نه؟

ج اگر عذر دارد نمی تواند قبول

کند، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

[۱۵۸] س کسی احتمال قوی عقلایی می دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا می تواند از حج واجب نیابت کند؟

ج می تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به افراد شد، بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفا به آن کند. [۶۲]

[۱۵۹] س ناییبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شد و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟

ج محل اشکال است. [۶۳]

[۱۶۰] س کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده اند و بعداً در اثنای عمل عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می باشند یا نه؟

ج اشکال دارد. [۶۴]

[۱۶۱] س خدمه ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده اند، فعلاً تکلیفشان چیست و همچنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده اند؛ تبرعاً یا با اجرت؟

ج نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی کند و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر، باید با انجام عمره مفرده، از احرام خارج شوند.

[۱۶۲] س در مناسک آمده است که معذور نمی تواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته می شود؟ لطفاً حد آن را معین کنید؛ مثلاً کسی که

نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی تواند خودش رَمی جمرات کند و یا نمی تواند قربانی نماید و یا نمی تواند یکی دیگر از واجبات حج را؛ اعم از ارکان و غیر ارکان، انجام دهد معذور است یا خیر؟

حج هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی تواند نایب شود، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند، می تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

[۱۶۳] س کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرَم شده است؟

حج اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است و اگر معذور نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

[۱۶۴] س اگر مُستتیب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزو معذورین است و او را نایب کنند؛ اولاً آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا نه؟ و ثانیاً آیا حج نیابتی او صحیح و از حَجَّهالاسلام یا غیر حَجَّهالاسلام منوب عنه کفایت می کند یا نه؟

حج با فرض این که معذور بوده و استیجار شده استحقاق اجرت ندارد و کفایت نمی کند.

حج استحبابی

[۱۶۵] م مستحب است کسی که شرایط وجوب حج را ندارد؛ از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج به جا آورد و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و مستحب است تکرار حج در هر سال. بلکه مکروه است

پنج سال متوالی آن را ترک کند و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه تیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد.

[۱۶۶] م مستحب است از طرف خویشاوندان یا غیر آن ها حج به جا آورد تبرّعا؛ چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین و نیز طواف آن ها و غیر آن ها مستحب است به شرط آن که در مکه نباشند یا معذور باشند.

[۱۶۷] م کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود، در صورتی که می تواند قرض را ادا کند. [۶۵]

[۱۶۸] م با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبّه است و علم به حرمت آن ندارد، می تواند آن را صرف کند.

[۱۶۹] م بعد از فارغ شدن از حج استجابی می تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همچنان که در وقت شروع می تواند آن را نیت کند.

[۱۷۰] م کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری به حج برود.

اقسام عمره

[۱۷۱] م عمره هم مانند حج دو قسم است: «واجب» و «مستحب» و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود، هرچند برای حج مستطیع نباشد همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج به جا آورد لیکن باید معلوم باشد

که برای کسانی که از مکه دور هستند؛ مثل ایرانیان که وظیفه آن‌ها حج تمتع است، هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست؛ چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است، به خلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آن‌ها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.

[۱۷۲] م واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثنا شده است. [۶۶]

[۱۷۳] م تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده اند و احوط آن است که در کمتر از یک ماه، به قصد رجا به جا آورده شود. [۶۷]

اقسام حج

اشاره

حج سه قسم است: «تمتع»، «قران» و «افراد».

تمتع، وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند.

قران و افراد بر غیر آن‌ها واجب می‌شود و این تفصیل در حجهالاسلام است.

صورت حج افراد و عمره مفرده

[۱۷۴] م صورت حج افراد، که گاهی مورد ابتلای تمتع می‌شود، از این قرار است که: زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتع را به جا آورد، باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره تمتع، که عدول به افراد کرده، برود به عرفات و مثل سایر حججاق و قوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و اعمال منی را به جا آورد مگر هدی را که واجب نیست بر او. بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد. پس در این وقت از احرام خارج می‌شود، بعد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق؛ به همان نحو که سایر حججاق به جا می‌آورند. پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

[۱۷۵] م صورت عمره مفرده که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد، بعد از حج به جا آورد آن است که خارج شود به ادنی الحجل و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حیدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیک تر به مکه است، محرم شود و بیاید به مکه و

طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر بتراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند.

[۱۷۶] م «عمره مفرده» با «عمره تمتع» که تفصیلاً خواهد آمد، در صورت فرق ندارد، مگر در سه چیز: [۶۸]

اول آن که در عمره تمتع باید تقصیر کند؛ یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.

دوم آن که در عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده دارد. [۶۹]

سوم آن که میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنج گانه است که ذکر آن می آید.

و میقات عمره مفرده ادنی الحِلّ است [۷۰] و جایز است از یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود.

[۱۷۷] م کیفیت افعال حج افراد؛ از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه، عین کیفیت حج تمتع است و در احکام، مشترک هستند و کیفیت افعال عمره تمتع؛ از احرام و طواف و سایر اعمال، عین کیفیت عمره مفرده است.

[۱۷۸] م عمره تمتع را اگر کسی به جا بیاورد، کافی است از عمره مفرده.

[۱۷۹] م کسی که وظیفه اش حج تمتع است؛ مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت حج می کنند، گرچه احتیاط آن است که به جا آورد.

[۱۸۰] م کسی که محرم شد به احرام عمره مفرده، حرام می شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آن که تقصیر

کرد یا سر تراشید، همه چیز بر او حلال می شود مگر زن ها و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش به جا آورد، زن هم بر او حلال می شود.

[۱۸۱] م طواف نساء را در عمره مفرده، باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد.

[۱۸۲] م کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شد، اگر احرامش در ماه های حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن، حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می شود.

صورت حج تمتع اجمالاً

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی «عمره تمتع»، و دیگری «حج تمتع» و عمره تمتع مقدم است بر حج.

و عمره تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول احرام.

دوم طواف کعبه.

سوم نماز طواف.

چهارم سعی بین کوه صفا و مروه.

پنجم تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

و چون محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می شود.

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول احرام بستن در مکه.

دوم وقوف به عرفات.

سوم وقوف به مشعرالحرام.

چهارم انداختن سنگ ریزه به جمره عقبه در منی

پنجم قربانی در منی

ششم تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی

هفتم طواف زیارت در مکه.

هشتم دو رکعت نماز طواف.

نهم سعی بین صفا و مروه.

دهم طواف نساء.

یازدهم دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم ماندن به منی شب یازدهم و شب دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و اشخاصی که

شب سیزدهم در منی ماندند، روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آن ها بعد ذکر می شود.

[۱۸۳] م لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بدانند ولو اجمالاً، و کافی است که نیت کند عمره تمتع را؛ یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همین طور حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

استفتائات اقسام عمره و حج

[۱۸۴] س شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید، فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آن که کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می کند به جا آورد.

ج با فرض این که خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد و توضیح آن که مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و این که نمی تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

[۱۸۵] س کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلاً می خواهد برای عمره تمتع مُحرم شود، آیا جایز

است بدون انجام طواف نساء مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمتّع، طواف نساء را به جا آورد؟

ج مانع ندارد.

[۱۸۶] س اگر فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه باشد، فرموده اید باید عمره دوم را به قصد رجا به جا آورد، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده ای که هر دو یا یکی از آن ها به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج فرق نمی کند. [۷۱]

[۱۸۷] س این که حضرت عالی فرموده اید: اگر فاصله میان دو عمره کمتر از یک ماه باشد، عمره دوم رجائاً قصد شود، مقصود یک ماه است یا سی روز کامل؟

ج میزان یک ماه است، [۷۲] و اگر در بین ماه عمره به جا آورده، احتیاط مذکور را تا سی روز مراعات کنند.

[۱۸۸] س اگر بین دو عمره کمتر از یک ماه فاصله باشد باید عمره دوم را به قصد رجا انجام دهد، چنانچه عمره دوم نیابت باشد نایب می تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر، و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می کند یا خیر؟

ج لازم است احتیاط مراعات شود [۷۳] و چنانچه با تذکر به اجیر کننده اجرت بگیرد اشکال ندارد.

[۱۸۹] س اگر زنی به نیت عمره مفرده مُحرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آن جا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟

ج در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش به جا آورد و چنانچه

به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده، بر او حلال نمی شود.

[۱۹۰] س آیا طواف در عمره مفرده استجبایی، حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استجبایی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می توان نماز آن را خواند؟

ج حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.

[۱۹۱] س انجام عمره مفرده در ماه های حج، پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صِرُورَه و غیر ضروره هست یا نه؟

ج مانع ندارد و فرق نمی کند.

[۱۹۲] س تأخیر عمره مفرده در حج افراد، تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج باید مبادرت نماید عرفاً علی الأحوط و تأخیر نشود.

[۱۹۳] س زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجدالحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفرده مستجبی مُحْرَم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد و همچنین مریض اگر احتمال می دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید.

[۱۹۴] س همچنانکه عمره مفرده را قبل از عمره تمتع ولو با کمتر از فاصله شدن یک ماه تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از یک ماه فاصله تجویز می فرمایید یا باید رجائاً انجام شود؟

ج به قصد

□ [۱۹۵] س کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده است تکلیف او چیست؟

ج اگر قصد عمره مفرده کرده، باید عمره مفرده انجام دهد و بعد عمره تمتع را به جا آورد و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، تمتع واقع می شود و صحیح است.

□ [۱۹۶] س اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتع مُحرم شده و عمره تمتع را به جا آورده و بعد متوجه نقص کار خود شده است، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

ج در فرض مرقوم چنانچه عمره مفرده را در اَشْهُر حَج به جا آورده و می خواهد حج مستحبی به جا آورد، می تواند عدول به عمره تمتع کند؛ چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه. ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الأحوط و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود و برای عمره تمتع مجدداً مُحرم شود.

□ [۱۹۷] س کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج، عمره مفرده را به جا آورد کافی و مُجزی است یا نه؟

ج احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حج دیگر مُحرم نشود هرچند اگر خلاف کرد، ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند.

[۱۹۸] س کسانی که از هند و پاکستان

به عربستان می آیند و در مکه معظمه مقیم می شوند، آیا حَجَّشان تمتّع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند حکم اهل مکه را پیدا می کنند، و در غیر این صورت، صور مختلفه ای است که در تحریرالوسیله ذکر شده است.

[۱۹۹] س کیفیت حج قران را بیان فرمایید، و آیا این حج بر کدام اشخاص واجب می شود؟

ج حج قران واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلا نیست، می توانید به کتب مفصله مراجعه نمایید. [۷۵]

در بیان اعمال عمره تمتّع و حج تمتّع تفصیلاً

و در آن دو باب است

باب اول: اعمال عمره تمتّع

فصل اول: محل احرام عمره تمتّع

اشاره

[۲۰۰] م بدان که محل احرام بستن برای عمره تمتّع، که آن را میقات می نامند، مختلف می شود به اختلاف راه هایی که حجاج از آن ها به طرف مکه می روند و آن پنج محل است:

اول مسجد شجره است که آن را «ذوالحلیفه» می نامند [۷۶] و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می روند.

[۲۰۱] م جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام. [۷۷]

[۲۰۲] م احتیاط واجب [۷۸] آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

[۲۰۳] م شخص جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند.

[۲۰۴] م اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

[۲۰۵] م اگر حائض

نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جُحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند. [۷۹]

دوم وادی عقیق است، که اوایل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می گویند که محل احرام عامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند. [۸۰]

سوم قَرْنُ الْمَنَازِل است، و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می روند. [۸۱]

چهارم یَلَمَلَم است، که اسم کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن می روند. [۸۲]

پنجم جُحْفَه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می روند. [۸۳]

[۲۰۶] م اگر بینه شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند [۸۴] که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست و اگر علم و بینه [۸۵] ممکن نشود می تواند اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان ها می باشند.

[۲۰۷] م هر گاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات ها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

□ [۲۰۸] م اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می کند احتیاط واجب آن است که از جایی که اول، محاذات پیدا می کند احرام ببندد و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند.

□ [۲۰۹] م کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

[۲۱۰] م شخص مستطیع [۸۶]

اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد و ممکن نشود برگردد به میقات، به واسطه عذری، و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است، و باید سال دیگر حج به جا آورد.

[۲۱۱] م شخصی که می خواهد از محاذی میقات محرم شود، اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکان ها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.

[۲۱۲] م کسانی که با هواپیما به حج می روند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده» [۸۷] و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند اگر جده یا «حده» معلوم شد، محاذی با یکی از میقات ها است، از آن جا محرم شوند و آلا بروند به میقات دیگر؛ مثل جحفه و از آن جا محرم شوند، و اگر نتوانستند به جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» تجدید احرام کنند اگر چه لازم نیست.

[۲۱۳] م مراد از «محاذات» آن است که کسی که می رود به طرف مکه، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست؛ به طوری که اگر از آن جا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

[۲۱۴] م محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد

عادل[۸۸] و اگر این‌ها ممکن نشود، اگر گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکان‌ها هستند ظاهراً کافی است، بلکه[۸۹] از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند، اگر گمان حاصل شد ظاهراً کافی است.

[۲۱۵] م کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می‌توانست با برگشتن برسد واجب است برگردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه و اگر ممکن نیست، به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده، از همان جا احرام ببندد و احتیاط مستحب[۹۰] آن است که هر مقداری می‌تواند به طرف میقات برگردد و آن جا محرم شود و اگر داخل حرم شده، واجب است اگر می‌تواند و به اعمال عمره می‌رسد، از حرم خارج شود و محرم گردد و اگر نمی‌تواند به نحوی که گفته شد همان جا محرم شود و احتیاط مستحب[۹۱] آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج حرم برگردد و آن جا محرم شود.

[۲۱۶] م زن حائض اگر مسأله نمی‌دانست و عقیده داشت که نباید در میقات محرم شود و احرام نبست، حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد.

[۲۱۷] م جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است و باید از همان جا محرم شود؛ مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است

عمل کند، و بهتر آن است [۹۲] که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.

[۲۱۸] م جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیاراتاً، بلکه احتیاط [۹۳] واجب آن است که از محاذات میقات، بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

[۲۱۹] م اگر از میقات بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید به احتیاط واجب [۹۴] برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.

مسائل متفرقه میقات

[۲۲۰] م احتیاط واجب [۹۵] آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب [۹۶] آن است که در محل اصلی مسجد محرم شود، اگر چه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

[۲۲۱] م اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند [۹۷] و برای حج افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد در صورتی که برای حجه الاسلام محرم شده، احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

[۲۲۲] م کسانی که با هواپیما به جده می روند نمی توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت، مثل جُحفه بروند و از آن جا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره تمتع یا مفرده داشته

باشند نیست و حدیبیه میقات عمره مفرده است برای کسانی که در مکه هستند.

[۲۲۳] م کسانی که میقات [۹۸] برای آنها مشخص نیست نمی توانند به گفته راهنما (بَلَد) یا حَمَلَه دار که می گوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الا باید به عرف محل مراجعه نمایند. [۹۹]

[۲۲۴] م در صورتی که ثابت نیست که «رابغ» محاذی «جُحَفَه» است احرام از آن جایز نیست.

[۲۲۵] م کسی که در غیر ماه های حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماه های حج برای احرام عمره تمتع، باید به یکی از مواقیت پنجگانه معروفه برود و نمی تواند از تنعیم محرم شود.

[۲۲۶] م کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند [۱۰۰] و از آن جا محرم شوند و اگر کسی نتوانست برگردد هر جا که هست مُحرم شود. [۱۰۱]

[۲۲۷] م اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد لازم است به خارج حرم برود و از آن جا محرم شود و از ادنی الحَلّ کافی است. [۱۰۲]

[۲۲۸] م میقات برای شاغلین در جده؛ از ایرانیان و غیر آن ها، در عمره تمتع و عمره مفرده همان مواقیت معروفه است و نمی توانند از جده یا ادنی الحَلّ مُحرم شوند و اگر از روی جهل به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آن ها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی شود، چنانچه در

صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیدند عمل آنان صحیح است.

[۲۲۹] م خدمه کاروان ها که می خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند، بنا بر احتیاط نباید عمره تمتع انجام دهند، [۱۰۳] بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آن جا برای عمره مفرده مُحرم شوند. و ادنی الحِلّ، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمره مفرده می توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آن جا بخواهند به مکه بروند باید [۱۰۴] در مسجد شجره مُحرم شوند برای عمره مفرده دیگر و چون بین این عمره مفرده و عمره مفرده اول یک ماه فاصله نشده عمره دوم را رجائاً به جا آورند [۱۰۵] و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه ای که به مکه می روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جُحفه بروند و از آن جا برای عمره تمتع مُحرم شوند.

استفتائات میقات

[۲۳۰] س کسانی که به علت عادت ماهانه نمی توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند باید در خارج آن مُحرم شوند [۱۰۶] و در مُحاذی جُحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به این که مُحاذی جُحفه نقطه مشخصی نیست، وظیفه چیست؟

ج می توانند به جُحفه بروند و در آن جا تجدید احرام کنند، و چنانچه حدود مُحاذات را تشخیص دهند و در تمام آن حد، با بقای نیت، تلبیه را

تکرار کنند کفایت می کند.

[۲۳۱] س جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قَرْنِ الْمَنَازِل، آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قَرْنِ الْمَنَازِل منع کردند و لذا در وادی عقیق مُحْرَم شدند، آیا احرام آنان چه صورت دارد؟

ج صحیح است.

[۲۳۲] س در مناسک مرقوم است که زن های حائض باید عبوراً از مسجد شجره مُحْرَم شوند و اگر نمی توانند، در خارج مُحْرَم شوند و در مُحَازِی جُحْفَه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و مُحَازِی جُحْفَه معلوم نیست، آیا حضرت امام اجازه می فرمایند که اینگونه اشخاص در مدینه با نذر مُحْرَم شوند؟

ج چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن های حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می توانند در مدینه با نذر برای عمره مُحْرَم شوند. و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد. [۱۰۷]

[۲۳۳] س زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود، گمان می کرد که در حال عبور در مسجد شجره می تواند مُحْرَم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید، دید به جهت ازدحام نمی تواند با عبور مُحْرَم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر مُحْرَم شد، آیا کفایت می کند یا خیر؟

ج اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر مُحْرَم شده است مانع ندارد.

[۲۳۴] س زن در حال حیض، به خیال این که می تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد

و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج صحیح است.

[۲۳۵] س یک نفر از حجّاج به کلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسؤولین و سایر حجّاج همراه، به این موضوع توجه نداشته اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود، هرچند با بردن همراه باشد و اگر نمی تواند به میقات برود باید در خارج حرم محرم شود و اگر نمی تواند تلبیه را صحیح بگوید، ولو با تلقین، [۱۰۸] احوط آن است که به هر نحو می تواند بگوید و ترجمه اش را نیز بگوید.

[۲۳۶] س نظر به این که مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجّاج یا مُعْتَمِرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحِلّ صحیح است هرچند در مسجد نباشد. بنا بر این در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحِلّ در دوم، احرام اشکال ندارد.

[۲۳۷] س در مناسک فرموده اید خدمه ای که می خواهند به مکه بروند و از مکه

خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه، اگر فقط به جده می روند، برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آن جا بخواهند به مکه بروند باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است، نکته علمی فرق میان جده و مدینه را بیان فرمایید؟

ج فارق، عبور از میقات و عدم عبور است. [۱۰۹]

[۲۳۸] س کسی که وسایلش در جُحفه مانده است، آیا می تواند برای آوردن وسایل خود، از احرام خارج گردد، در حالی که برای عمره تمتع محرم شده و وارد حرم گردیده است؟

ج می تواند قبل از خروج از احرام عمره، برود و وسایل خود را بیاورد و اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و مُحَلَّ شده است، نمی تواند از مکه خارج شود مگر در حال ضرورت، مُحرماً به احرام حج علی الأحوط. [۱۱۰]

[۲۳۹] س کسی از جده محرم شده و اعمال عمره تمتع را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج اگر از رفتن به میقات معذور نبوده و وقت برای انجام عمره تمتع هست باید به میقات برود و محرم شود و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم برود و از آن جا محرم شود.

[۲۴۰] س آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقات ها محرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه؛ مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

مانع ندارد.

[۲۴۱] س بعد از اتمام حج تمتع، اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است محرم شود یا خیر؟

ج در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع یک ماه نگذشته است [۱۱۱] لازم نیست محرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

[۲۴۲] س کسی که عمره مفرده انجام داده است، آیا می تواند در فاصله کمتر از یک ماه، بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج احتیاط آن است که به قصد رجا [۱۱۲] برای عمره مفرده دیگر محرم شود و بدون احرام تجاوز نکند. [۱۱۳]

[۲۴۳] س کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است مُحَرِّماً وارد مکه شود یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج مجنون تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

[۲۴۴] س زن حائضی که نمی توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جُحْفَه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج در صورت امکان باید برگردد و از جُحْفَه یا محاذی آن محرم شود علی الأحوط، [۱۱۴] و اگر ممکن نیست از حرم خارج شود و از آن جا احرام ببندد.

[۲۴۵] س اگر بعد از خروج از میقات، در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همان جا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می تواند بیاید مکه و به میقات

برگردد یا باید از همان جا محرم شود؟

ج اگر می تواند به میقات برگردد ولو از مکه، نمی تواند برای عمل واجب از غیر میقات محرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحِلّ به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.

[۲۴۶] س زن بدون اذن شوهرش نذر می کند و با نذر مُحرم می شود، آیا احرامش درست است و چنانچه با همان احرام اعمالش را به جا آورده باشد چگونه است؟

ج اگر قبل از میقات مُحرم شده، احرام او صحیح نیست، [۱۱۵] اگر چه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید عملش صحیح است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران نباشد و در صورتی که می تواند، باید به میقات برود و از آن جا مُحرم شود و اگر نمی تواند به میقات برود، از خارج حرم احرام ببندد.

[۲۴۷] س آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج اشکال ندارد.

□ [۲۴۸] س هرگاه حائض یا جنب عسیاناً وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و مُحرم شود، آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج احرام صحیح است.

[۲۴۹] س کسانی که در مکه اقامت پذیرفته اند، موقتاً نه دائماً، آیا میقاتشان همان مواقیت خمسه معروفه است یا ادنی الحِلّ؟

ج اگر فریضه آن ها تبدیل نشده، باید از مواقیت معروفه محرم شوند و اگر تبدیل شده میقات آن ها مکه است.

[۲۵۰] س شخصی بدون احرام، عمدتاً یا جهلاً یا سهواً، وارد مکه شده و بعداً از جهت گرانی

بیش از حد کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت، نتوانست به میقات برگردد، وظیفه اش چیست؟

ح اگر ممکن نیست به میقات برود، از ادنی الحِلّ باید محرم شود مگر این که ترک احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی تواند حج به جا آورد و اگر مستطیع است [۱۱۶] سال بعد باید حج انجام دهد و گرانی بیش از حد عذر نیست مگر موجب حَرَج باشد.

فصل دوم: واجبات احرام

توضیح

[۲۵۱] م واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول نیت، [۱۱۷] یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام عمره تمتّع، نیت کند عمره تمتّع را و لازم نیست قصد کند ترک محرّماتی را که بر محرم پس از احرام، حرام می شود، بلکه کسی که به قصد عمره تمتّع یا حج تمتّع لبیک های واجب را گفت، محرم می شود؛ چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرّمات را یا نکند. پس کسی که می داند ارتکاب می کند بعضی محرّمات را؛ مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام او صحیح است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرّمات را.

[۲۵۲] م آنچه ذکر شد که: لازم نیست قصد کند ترک محرّمات را، در غیر آن محرّماتی است که عمره یا حج را باطل می کند؛ مثل اکثر محرّمات و اما آنچه عمره یا حج را باطل می کند؛ مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن، احرام باطل است بلکه غیر ممکن است. [۱۱۸]

[۲۵۳] م عمره و حج و اجزای آن ها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد.

□

[۲۵۴] م اگر عمره را به ریا یا غیر آن باطل کند، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

[۲۵۵] م اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند، باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

[۲۵۶] م اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صحیح می شود، گرچه معصیت کار است.

[۲۵۷] م اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش: حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتع است و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

[۲۵۸] م اگر به واسطه ندانستن مسأله یا جهت دیگر، گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به عزم این که پس از احرام برود به عرفات و مشعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد، احرام او باطل است و باید در میقات تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته است باید

در صورت امکان برگردد به میقات و محرم شود و الا از همان جا محرم شود [۱۱۹] و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم شود، و الا در همان جا محرم شود.

[۲۵۹] م دوم تلبیه؛ یعنی لبیک گفتن، [۱۲۰] و صورت آن بنا بر اصح، آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده گفت، بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و اگر بخواهد احتیاط بیشتر بکند، پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ [۱۲۱] إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُوْدِيءُ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَ يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

و این جملات را نیز بگوید خوب است: [۱۲۲]

«لَبَّيْكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّهِ وَ عُمْرِهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرُهُ مُتَعَهُ إِلَى الْحَيْجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَهُ تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

[۲۶۰] م واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن

تکبیره الاحرام در نماز واجب است. [۱۲۳]

[۲۶۱] م اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛ یعنی کلمه کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

[۲۶۲] م اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید، احتیاط آن است که به هر نحو که می تواند بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید و بهتر آن است که علاوه بر آن نایب [۱۲۴] هم بگیرد.

[۲۶۳] م اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد همان جا [۱۲۵] بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید و اگر ممکن نیست همان جا محرم شود و لبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران، یادش آمد بعید نیست صحت عمل.

[۲۶۴] م اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می شود به جا آورد، کفاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

[۲۶۵] م اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در

روز هشتم که باید برای حج تمتع بگویند، فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

[۲۶۶] م جایز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله ۲۱۵ ذکر شد، عمل کند.

[۲۶۷] م واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لَبَّيْكَ» را فقط.

[۲۶۸] م احتیاط واجب [۱۲۶] آن است که کسی که برای عمره تمتع محرم شد، در وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید و مراد از خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد، جزو مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود و احتیاط واجب [۱۲۷] برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

[۲۶۹] م سوّم پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن پوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

[۲۷۰] م لازم نیست که لنگ، ناف و

زانو را بپوشاند و کفایت می کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

[۲۷۱] م در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد و احتیاط مستحب آن است که ردا شانه ها را بپوشاند.

[۲۷۲] م احتیاط واجب [۱۲۸] آن است که در حال اختیار اکتفا نکنند به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کنند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

[۲۷۳] م در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کردن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

[۲۷۴] م شرط است در این دو جامه که نماز در آن ها صحیح باشد، پس کفایت نمی کند جامه حریر و غیر مأکول و جامه ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

[۲۷۵] م لازم است جامه ای را که لنگ قرار می دهد نازک نباشد، به طوری که بدن نما باشد و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد. [۱۲۹]

[۲۷۶] م احتیاط واجب [۱۳۰] آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

[۲۷۷] م دو جامه ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است، ولی زن می تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود؛ چه دوخته

باشد یا نباشد، ولی حریر محض نباشد چنانچه گذشت.

[۲۷۸] م احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید و احوط مبادرت [۱۳۱] به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

[۲۷۹] م اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را، کفاره ندارد.

[۲۸۰] م احتیاط آن است که جامه احرام از پوست [۱۳۲] نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

[۲۸۱] م لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود [۱۳۳] مانع ندارد.

[۲۸۲] م افضل آن است که محرم اگر جامه احرام را عوض کرده، وقتی که وارد مکه می شود برای طواف همان جامه ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

[۲۸۳] م اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن می تواند قبا و پیراهن بپوشد، لیکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند و پیراهن را نیز باید به دوش بیندازد و نپوشد [۱۳۴] و اگر اضطرار رفع نمی شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن، می تواند بپوشد. [۱۳۵]

[۲۸۴] م لازم نیست جامه احرام را همیشه در برداشته باشد، بلکه جایز است آن ها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آن ها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون

بیاورد و لخت شود.

[۲۸۵] م شخص محرم می تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

[۲۸۶] م اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی رساند [۱۳۶] و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

[۲۸۷] م گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب [۱۳۷] آن است که آن را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی رساند و چیزی هم بر او نیست و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است.

[۲۸۸] م شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

[۲۸۹] م اگر پیراهن بپوشد بعد از آن که محرم شد، لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود [۱۳۸] لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

[۲۹۰] م اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات و نتواند جبران کند احتیاط در بطلان [۱۳۹] عمره

او است، اگر چه صحت آن به نظر بعید نیست ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است.

استفتائات احرام

[۲۹۱] س کسی در وقت احرام این طور قصد می کند: مُحرم می شوم یا احرام می بندم، برای عمره تمتع یا غیر آن، با توجه به این مسأله که فرموده اید نیت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج به احرام ضرر نمی زند هر چند قصد احرام لازم نیست و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم می شود هر چند قصد احرام نکند.

[۲۹۲] س زنی قبل از احرام برای عمره تمتع، می دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتع را نمی تواند انجام دهد، مع ذلک، نیت عمره تمتع کرد، آیا در برگرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد، باید چه کند؟

ج نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به اینکه نمی تواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع محرم شود، صحت این احرام، بلکه حصولِ جَدِّ به آن، محل اشکال است. [۱۴۰]

[۲۹۳] س مردها معمولاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی شانه ها می اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلووار ندوخته از وسط پا عبور می دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد، آیا این

عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج اشکال ندارد.

[۲۹۴] س آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج آخرس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و نایب گرفتن کافی نیست.

[۲۹۵] س کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده و بنا دارد حج مستحبی به جا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیت احرام عمره می گوید «احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجها لاسلام می بندم قربه الی الله»، آیا آوردن و در نیت داشتن حجها لاسلام، در حالی که حج مستحبی است، اشکال دارد یا خیر؟

ج اشکال دارد، مگر آن که اشتباه لفظی باشد و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه او است انجام دهد و اسمش را حجها لاسلام گذاشته باشد.

[۲۹۶] س اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، محرم نمی شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم بعید نیست صحت عمل.

[۲۹۷] س اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحاً محرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال، و همچنین عمره قبلی او چگونه است؟

ج با فرض اینکه بعد از وقت جبران متوجه شده بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفا به این حج است و این احتیاط ترک نشود.

[۲۹۸] س ترجمه تلبیه (لَبَّيْكَ،

اللَّهُمَّ لَيْبِك، لَيْبِك لا شَرِيكَ لَكَ لَيْبِك) چیست؟

ج ترجمه جمله مذکور چنین است: «اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا! اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می کنم دعوت تو را». و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

[۲۹۹] س لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج با فرض شک، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

[۳۰۰] س کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

ج اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد و اگر ممکن نیست به خارج حرم برود و مجدداً محرم شود. [۱۴۱]

[۳۰۱] س آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج مقدار واجب آن دو جامه است و زیادتش مانع ندارد.

مستحبات احرام

[۳۰۲] م مستحبات احرام چند چیز است:

۱ آن که قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲ کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی قعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳ آن که پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید [۱۴۲] و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل به خصوص در

صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴ آن که دو جامه احرام از پنبه باشد. [۱۴۳]

۵ آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد، در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است [۱۴۴] و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ، وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَ سِيْنَةَ نَبِيِّكَ صِلَاؤُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقْوِيْنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ

وَسَيِّمَيْتَ وَكَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقِّهِ بَعِيدِهِ، وَانْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ، وَسَيْنَهُ نَبِيِّكَ صِلْمَاؤُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّهُ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شِعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصْبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيْبِ، أَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ».

۶ هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَوْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ قَبْلَغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِضِّي وَكَهْفِي وَحِزْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَدُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۷ آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند؛ خصوصاً در موارد آینده:

الف وقت برخاستن از خواب.

ب بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج وقت رسیدن به سواره.

د هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و آخر شب.

ز اوقات سحر.

زن حائض و نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند.

و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه های مکه را ببیند و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

مکروهات احرام

[۳۰۳] م مکروهات احرام چند چیز است:

۱ احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در

جامه سفید است.

۲ خوابیدن مُحرم بر رخت و بالش زرد رنگ.

۳ احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴ احرام بستن در جامه راه راه.

۵ استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶ حمام رفتن، و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید. [۱۴۵]

۷ لبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

فصل سوم مُحَرَّمات احرام

مُحَرَّمات احرام (۱)

اول شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

[۳۰۴] م خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است؛ چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحرم شکار کند یا غیر مُحرم.

□ [۳۰۵] م نشان دادن شکار به شکارچی حرام است و همینطور اعانت او به هر نحوی حرام است.

□ [۳۰۶] م اگر مُحرمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود بنا بر مشهور و به احتیاط واجب هم درباره مُحرم و هم مُحِل.

[۳۰۷] م شکار دریایی مانع ندارد و آن حیوانی است که تخم و جوجه، هر دو را در دریا کند.

[۳۰۸] م ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

[۳۰۹] م پرندگان، جزو شکار صحرائی می باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

□ [۳۱۰] م احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد، اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

□ [۳۱۱] م نگاه داشتن صید

حرام است، اگر چه خودش مالک آن باشد.

□ [۳۱۲] م اگر پرنده ای که نزد او است پَر در نیاورده یا پَر او را چیده اند، واجب است آن را حفظ کند تا پَر در آورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بچه صید را؛ مثل آهو بره، تا بزرگ شود و رها کند آن را.

□ [۳۱۳] م هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محلِّ حاجتِ چندان نیست، از بیان آن ها خودداری شد.

دوم جماع کردن با زن، و بوسیدن و دست بازی کردن و نگاه به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن. [۱۴۷]

□ [۳۱۴] م اگر کسی در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد، با زن، چه در قُبَل و چه در دُبُر و یا با مرد جماع کند ظاهراً عمره اش باطل نشود ولیکن موجب کفاره است که بیان آن می آید و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد و اگر وقت تنگ است حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده به جا آورد و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند.

[۳۱۵] م اگر در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می شود و کفاره بنا بر احتیاط واجب [۱۴۸] یک شتر است؛ چه ثروتمند باشد یا نباشد.

[۳۱۶] م اگر در احرام حج این عمل را از

روی علم و عمد به جا آورد، اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعرالحرام بوده، حج او فاسد است بنا بر اقوی، و در هر دو صورت کفاره آن یک شتر است.

[۳۱۷] م در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد.

[۳۱۸] م اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد: [۱۴۹]

یکی آن که: قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.

دوم آن که: بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنا بر اقوی.

[۳۱۹] م اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره آن یک شتر است و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره آن یک گوسفند [۱۵۰] است و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

[۳۲۰] م اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود، احوط آن است که اگر می تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

[۳۲۱] م اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود، مشهور آن است که یک شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد. [۱۵۱]

[۳۲۲] م اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود، یک گوسفند کفاره آن است و اگر

انزالش شود احتیاط [۱۵۲] آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند خالی از قوت نیست.

[۳۲۳] م هر یک از این امور که موجب کفاره است، اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود، به عمره و حج او ضرر نمی رساند و بر شخص کفاره نیست.

[۳۲۴] م اگر مردی با زن خود که مُحرم است، از روی اجبار جماع کند، بر زن چیزی نیست و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست و مرد باید کفاره خودش را بدهد و کفاره ای که باید بدهند گذشت.

سوم عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُجَلَّ باشد.

[۳۲۵] م جایز نیست شخص محرم شاهد شود برای عقد، گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد.

[۳۲۶] م احتیاط آن است که شهادت ندهد بر عقد، اگر چه شاهد عقد شده باشد، در حال محرم نبودن، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

[۳۲۷] م اقوی آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز است و احتیاط در ترک است.

[۳۲۸] م رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

[۳۲۹] م اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می شود.

[۳۳۰] م اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند، عقدی که کرده است باطل است، لیکن حرام دائمی نمی شود، ولی

احتیاط آن است که آن زن را نگیرد؛ خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

[۳۳۱] م ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه ای نیست در احکامی که ذکر شد.

[۳۳۲] م احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله، او را طلاق دهد و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

[۳۳۳] م اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و مُحرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم باشند بر هر یک آنها یک شتر کفاره است و اگر دخول نکند کفاره نیست و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد مُحِلّ باشند یا مُحرم و اگر بعضی از آن ها حکم را می دانند و بعضی نمی دانند؛ بر آن که می داند کفاره است.

[۳۳۴] م چهارم استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن، به دست یا غیر آن، هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر، به هر نحو باشد. پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است [۱۵۳] و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است، استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم استعمال عطریات؛ از قبیل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق [۱۵۴] عطر، هر قسم که باشد.

[۳۳۵] م مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد، اگر چه قبلاً به آن عطر

مالیده شده باشد.

[۳۳۶] م خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد؛ مثل زعفران، جایز نیست. [۱۵۵]

[۳۳۷] م اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطراب پیدا کند، باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

[۳۳۸] م از گل ها یا سبزی هایی که بوی خوش می دهد باید [۱۵۶] اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرایی است؛ مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می گویند از خوشبوترین گل ها است.

[۳۳۹] م احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هَل» و امثال آن ها اجتناب کند، اگرچه اقوی حرام نبودن آن ها است. [۱۵۷]

[۳۴۰] م از میوه های خوشبو؛ از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست و خوردن آن ها و بوییدن آن ها مانع ندارد، [۱۵۸] لیکن احتیاط آن است که بوییدن را ترک کند.

[۳۴۱] م اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

[۳۴۲] م خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لیکن نباید آن ها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

[۳۴۳] م کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است بنا بر احتیاط واجب. [۱۵۹]

[۳۴۴] م مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوش بو می کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست، احتیاط آن است که اجتناب کند از بوی خوشی که در کعبه است.

[۳۴۵] م اگر بوی خوش را مکرر [۱۶۰] استعمال کرد در وقت واحد، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لیکن احتیاط در تعدد است، و اگر در

اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد، واجب است [۱۶۱] که باز کفاره بدهد.

ششم پوشیدن چیز دوخته؛ مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آن ها.

[۳۴۶] م چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مثل پیراهن هایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می مالند؛ مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، جایز نیست پوشیدن آنها. [۱۶۲]

[۳۴۷] م احوط اجتناب از مطلق دوخته است، هر چند کم باشد؛ مثل کمر بند دوخته [۱۶۳] و شب کلاه.

[۳۴۸] م همیانی را که در آن پول می گذارند، اشکال ندارد به کمر ببندد، هر چند دوخته باشد و بهتر آن است که قسمی کند که بی گره باشد.

[۳۴۹] م فتق بند، اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد، لیکن احتیاط آن است که کفاره بدهد. [۱۶۴]

[۳۵۰] م اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد. [۱۶۵]

[۳۵۱] م جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره زدن است و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند. [۱۶۶]

[۳۵۲] م جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر، بعضی را به بعضی وصل کند، گرچه احتیاط در ترک است.

[۳۵۳] م از برای زن ها جایز است لباس دوخته، هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» [۱۶۷] و آن چیزی بوده که زن های عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما.

[۳۵۴] م کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک

گوسفند است.

[۳۵۵] م اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل پیراهن و قبا و عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد [۱۶۸] و احتیاط واجب آن است که اگر آن‌ها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

[۳۵۶] م اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید کفاره ساقط نمی‌شود. [۱۶۹]

[۳۵۷] م اگر یک قسم لباس بپوشد، مثل پیراهن، و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

[۳۵۸] م احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده، برای هر یک کفاره بدهد.

[۳۵۹] م هفتم سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، [۱۷۰] بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر اقوی حرام است.

[۳۶۰] م حرام بودن سرمه کشیدن، به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

[۳۶۱] م در سرمه کشیدن کفاره نیست لیکن اگر در سرمه بوی خوش باشد، احتیاط کفاره دادن است.

[۳۶۲] م در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد.

هشتم نگاه کردن در آینه. [۱۷۱]

[۳۶۳] م در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مُحَرَّماتِ احرام (۲)

[۳۶۴] م نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال [۱۷۲] ندارد.

[۳۶۵] م عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت

محسوب شود جایز نیست. [۱۷۳]

[۳۶۶] م در نظر کردن به آینه کفاره نیست، لیکن مستحب است [۱۷۴] که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

[۳۶۷] م اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لیکن احتیاط آن است [۱۷۵] که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

[۳۶۸] م احتیاط [۱۷۶] آن است که به آینه نگاه نکند، اگر چه برای زینت نباشد.

نهم پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می گیرد. [۱۷۷]

[۳۶۹] م این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد. [۱۷۸]

[۳۷۰] م اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

[۳۷۱] م در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره نیست. [۱۷۹]

دهم فسوق.

[۳۷۲] م فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند و مستحب است [۱۸۰] چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم جدال؛ و آن گفتن «لا وَاللَّهِ» و «بَلَى وَاللَّهِ» است.

[۳۷۳] م گفتن کلمه «لا» و کلمه «بَلَى» و در سایر لغات، مرادف آن؛ مثل «نه» و «آری»، دخالتی در جدال ندارد بلکه قَسَم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

[۳۷۴] م قَسَم اگر به لفظ «اللَّهِ» باشد یا مرادف آن؛ مثل «خدا» در زبان فارسی، جدال [۱۸۱] است، و اما قَسَم به غیر خدا، به هر کس باشد، ملحق به

جدال نیست.

[۳۷۵] م احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قَسَم بخورد به «رحمان» و «رحیم» و «خالق سموات و ارض»، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.

[۳۷۶] م در مقام ضرورت، برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قَسَم بخورد به جلاله و غیر آن.

[۳۷۷] م اگر در جدال راستگو باشد، در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه [۱۸۲] کفاره باید بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.

[۳۷۸] م اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر بلکه خالی از قوت نیست. [۱۸۳]

□ [۳۷۹] م اگر در جدال به دروغ، در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد، بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ، کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو.

□ [۳۸۰] م اگر در جدال به دروغ، دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند کفاره است و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو کفاره آن است.

□ [۳۸۱] م اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه، هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند.

□ [۳۸۲] م اگر به دروغ ده

مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره یک شتر است ظاهراً، مگر آن که پس از سه مرتبه یا زیادتیر، کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو و در دفعه سوم شتر است.

دوازدهم کشتن جانورانی که در بدن [۱۸۴] ساکن می شوند؛ مثل شپش و کیک و کنه که در بدن حیوان است.

□ [۳۸۳] م جایز نیست انداختن شپش و کک را از بدن.

□ [۳۸۴] م جایز نیست نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

□ [۳۸۵] م احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظ تر باشد.

□ [۳۸۶] م بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن، کفاره نباشد، لیکن احتیاطاً یک کف از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم انگشتر به دست کردن؛ به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد. [۱۸۵]

[۳۸۷] م اگر انگشتر به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب؛ مثل آن که برای خاصیتی به دست کند، اشکال ندارد.

[۳۸۸] م احتیاط واجب [۱۸۶] آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد، بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک است، بلکه حرمت آن، در هر دو صورت، خالی از وجه نیست.

[۳۸۹] م اگر قبل از احرام «حنا» ببندد، چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، مانع ندارد ولی احتیاط خوب است.

□ [۳۹۰] م

انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

[۳۹۱] م اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

[۳۹۲] م زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

[۳۹۳] م زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن، نباید به مرد نشان دهد، حتی به شوهر خود.

[۳۹۴] م پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم روغن مالیدن به بدن.

[۳۹۵] م احوط [۱۸۷] بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است، اگر چه بوی خوش در آن نباشد.

[۳۹۶] م جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام، اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.

[۳۹۷] م اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

[۳۹۸] م خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

[۳۹۹] م اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست. [۱۸۸]

[۴۰۰] م اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن [۱۸۹] یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد.

شانزدهم ازاله مو از بدن خود یا غیر خود، چه مُحَرَّم باشد چه مُجَلِّ.

[۴۰۱] م در حرمت ازاله مو، فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

[۴۰۲] م ازاله مو، اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد؛ مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می کند.

[۴۰۳] م اگر در وقت غسل یا وضو [۱۹۰] مویی

بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.

[۴۰۴] م در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

[۴۰۵] م کفاره سر تراشیدن، اگر به جهت ضرورت باشد، دوازده «مُد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مُد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

[۴۰۶] م اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب [۱۹۱] آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در این صورت بعید نیست.

□ [۴۰۷] م اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند یک گوسفند کفاره بدهد.

[۴۰۸] م احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن، کفاره تراشیدن را بدهد.

[۴۰۹] م اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط [۱۹۲] آن است که یک کف طعام صدقه بدهد. هفدهم پوشانیدن مرد سر خود را، به هرچه او را پوشاند.

[۴۱۰] م احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند؛ مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

[۴۱۱] م احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثل بار برای حمل، که سر به آن پوشیده شود.

[۴۱۲] م جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند؛ مثل آن که دست ها را روی سر بگذارد، لیکن احتیاط در ترک آن است.

[۴۱۳] م جایز

نیست [۱۹۳] سر را زیر آب کند بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری؛ مثل گلاب و سرکه و غیر آن، کند.

[۴۱۴] م در حکم سر است بعضی سر، پس نباید بعضی سر را هم بپوشاند [۱۹۴] و نه زیر آب یا مایع دیگری کند. [۱۹۵]

[۴۱۵] م گوشها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آن ها را پوشانید.

[۴۱۶] م پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

[۴۱۷] م گذاشتن بند خیک آب بر سر، از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.

[۴۱۸] م دستمالی را که برای سردرد به سر می بندد عیب ندارد.

[۴۱۹] م گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

[۴۲۰] م اگر پارچه ای را روی کمانی بیندازند؛ به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند برای حفظ از پشه، مانع ندارد و همچنین رفتن در پشه بند اشکال ندارد.

[۴۲۱] م زیر دوش حمام رفتن برای مُحَرَّم مانع ندارد، لیکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

[۴۲۲] م اگر سر را شست نباید [۱۹۶] با حوله و دستمال خشک کند و بعضی سر هم در حکم همه است.

[۴۲۳] م در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند و همین طور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

[۴۲۴] م اگر سر را بپوشاند؛ به نحوی از انحاء، کفاره آن یک گوسفند است [۱۹۷] و احتیاط واجب کفاره است برای

پوشاندن بعض سر.

[۴۲۵] م احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید، مکرر کفاره بدهد؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی آید واجب نبودن. [۱۹۸]

[۴۲۶] م اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست. [۱۹۹]

[۴۲۷] م کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان بپوشاند کفاره ندارد.

هیچ‌دهم پوشانیدن زن روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

[۴۲۸] م پوشانیدن رو را به هر چیز، اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد؛ مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر، جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بپوشاند. [۲۰۰]

[۴۲۹] م بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند. [۲۰۱]

[۴۳۰] م اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

[۴۳۱] م اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

[۴۳۲] م واجب است برای نماز سر را بپوشاند و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بپوشاند، لیکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند. [۲۰۲]

[۴۳۳] م جایز است برای رو گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست. [۲۰۳]

مَحْرَمَاتِ احْرَامِ (۳)

[۴۳۴] م بهتر

آن است [۲۰۴] که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می اندازد، با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به صورت نجسبد، بلکه این کار احوط است.

[۴۳۵] م بعضی برای دور نگه داشتن جامه از صورت، کفاره لازم دانسته اند و آن احوط است، گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

[۴۳۶] م در نقاب انداختن و پوشاندن رو، به هر نحو که باشد، کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم سایه قرار دادن مرد بالای سر خود:

[۴۳۷] م سایه قراردادن جایز نیست از برای مردان، و برای زن ها و بچه ها جایز است و کفاره هم ندارد.

[۴۳۸] م حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر، مختص به حال منزل طی کردن است و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن مانع ندارد و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد [۲۰۵] پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می کنند یا محلی که رمی جمرات می کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.

[۴۳۹] م فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل، بین آن که در محلی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

[۴۴۰] م احتیاط آن است که در وقت طی منزل، به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او نباشد، استظلال نکنند، اگر چه جایز بودن

آن خالی از قوت نیست.

[۴۴۱] م کسانی که از تهران یا جای دیگر می خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما، اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آن ها صحیح است و باید محرم شوند و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما، باید بروند به حج، لیکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

□ [۴۴۲] م کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود، باید محرم شود و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آن که خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.

[۴۴۳] م کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند، لازم است با هواپیما به مدینه بروند و از آن جا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آن که بروند جده به قصد رفتن به جُحفه و در صورت امکان بروند به جُحفه و از آن جا محرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظّمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده محرم شوند [۲۰۶] و بهتر آن است که در «حده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند.

[۴۴۴] م نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید [۲۰۷] نیست، بنا بر این بعید نیست جایز بودن نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می کند.

[۴۴۵]

م در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن، فرق نیست بین سواره و پیاده.

[۴۴۶] م کسانی که کشتی سوار می شوند در حال احرام، زیر سقف آن نباید بروند، لیکن در کنار دیوار کشتی که سایه است، ظاهراً نشستن جایز است.

[۴۴۷] م استظلال در وقت طی منزل برای عذری، مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لیکن باید کفاره بدهد.

[۴۴۸] م کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است، چه با عذر سایه افکننده باشد چه با اختیار، بنا بر احتیاط [۲۰۸] واجب.

[۴۴۹] م اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره، هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد و یک گوسفند است در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

بیستم بیرون آوردن خون از بدن خود: [۲۰۹]

[۴۵۰] م بیرون آوردن خون از بدن دیگری؛ مثل حجامت کردن او، یا دندان او را کشیدن حرام نیست.

[۴۵۱] م جایز نیست [۲۱۰] به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد و همین طور به مسواک نمودن، خون از بن دندان ها بیرون آورد.

[۴۵۲] م جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن و همینطور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جَرَب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون درآید.

[۴۵۳] م خون از بدن در آوردن کفاره ندارد. [۲۱۱]

بیست و یکم ناخن گرفتن:

[۴۵۴] م جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود؛ مثل آن که بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او

باشد.

[۴۵۵] م جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد؛ چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

[۴۵۶] م فرقی نیست بین آلات ناخن گیری، قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر و احتیاط واجب آن است که ازاله ناخن نکند به هیچ وجه، حتی به سوهان و دندان. [۲۱۲]

[۴۵۷] م اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد، اگر چه بعید نیست جواز، اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست زیادی است.

[۴۵۸] م اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخن های پا.

[۴۵۹] م اگر تمام ناخن دست ها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره آن است.

[۴۶۰] م اگر ناخن دست ها را تماماً بگیرد، در یک مجلس یا چند مجلس، و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره آن است.

[۴۶۱] م اگر تمام ناخن دست ها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن های پا یک مد طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاها را بگیرد تماماً و ناخن دست ها را کمتر از ده بگیرد.

[۴۶۲] م اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست، برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد و همچنین است اگر کمتر از ده، در هر یک

از دست و پا، بگیرد برای هر یک باید كفاره بدهد.

[۴۶۳] م اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد، پس اگر تمام را بگیرد باید يك گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا، كفاره بدهد برای هریك، يك مد.

□ [۴۶۴] م اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد، ده ناخن اصلی را بگیرد، احتیاط واجب آن است که يك گوسفند بدهد و اگر بعضی از ناخن های اصلی را و بعضی از ناخن های زیادی را بگیرد برای ناخن های اصلی يك مد بدهد و برای زیادی ها احتیاط مستحب آن است که كفاره بدهد.

[۴۶۵] م اگر تمام ناخن های دست را گرفت و كفاره آن را داد و بعد در همان مجلس ناخن های پا را تماماً گرفت باید يك گوسفند دیگر كفاره بدهد.

□ [۴۶۶] م اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت برای هریك، يك مد طعام باید بدهد و احتیاط مستحب آن است که يك گوسفند ذبح کند.

[۴۶۷] م اگر محتاج شد به گرفتن ناخن، احتیاط واجب آن است که كفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

[۴۶۸] م بیست و دوم کندن دندان است؛ هرچند خون نیاید بنا بر احتیاط [۲۱۳] و احتیاط آن است که يك گوسفند كفاره بدهد. [۲۱۴]

بیست و سوم کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد: [۲۱۵]

[۴۶۹] م اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده باشد، بعد از آن که منزل او شده، پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آن را بکند.

[۴۷۰] م اگر درختی در منزل او

روییده، بعد از آن که منزل او شده لیکن خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.

□ [۴۷۱] م اگر گیاهی که در منزل او روییده، بعد از آن که منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند.

□ [۴۷۲] م اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند.

□ [۴۷۳] م درخت های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند آنها را قطع کند و در گیاه ها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

[۴۷۴] م اگر درختی را که جایز نیست کندنش، بکند، احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند. [۲۱۶]

[۴۷۵] م اگر بعض درخت را قطع کند، اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد.

[۴۷۶] م در قطع گیاه ها کفاره نیست به جز استغفار.

[۴۷۷] م جایز است شتر خود را بگذارد که علف بخورد، ولی خودش برای او قطع نکند. [۲۱۷]

[۴۷۸] م آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به مُحرم نیست، بلکه برای همه کس ثابت است.

[۴۷۹] م اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.

[۴۸۰] م بیست و چهارم سلاح در برداشتن، بنا بر احوط [۲۱۸] مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که

به تن او نباشد اگر ظاهر باشد و احوط ترک آن است.

مسائل متفرقه محرمات احرام

[۴۸۱] م اگر حاجی در حال احرام برای سر درد دستمالی به دور سر ببندد، اگر چه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد.

[۴۸۲] م آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنا بر این اگر ماشین از زیر پل هایی که در مسیر واقع شده برود و به ناچار مُحرمین از زیر پل ها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شوند و مُحرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی شود و کفاره ندارد.

[۴۸۳] م شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن، کفاره تکرار نمی شود و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

[۴۸۴] م پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد، در حال احرام مانعی ندارد.

[۴۸۵] م در شب، استظلال نیست. بنا بر این، جایز است محرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود، [۲۱۹] ولی در هوای ابری در روز جایز نیست، مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.

[۴۸۶] م جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود، ولی اگر زیر سقف سفر می کند باید کفاره بدهد.

[۴۸۷] م تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می شود تزریق [۲۲۰] نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

[۴۸۸] م در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن، فرقی بین سایه ای که با شخص حرکت کند،

مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت [۲۲۱] مثل پل و غیره نیست و فرقی بین اجبار و اختیار نیست ولی بر عبور از زیر پل هایی که در جاده ها هست صادق نیست.

[۴۸۹] م کسی که حجش را باطل کند، اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده و گرنه در احرام باقی است.

[۴۹۰] م بعد از آن که محرم به منزل رسید ولو در محله های جدید مکه، که از مسجدالحرام دور هستند، می تواند برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود. [۲۲۲]

استفتائات محرمات احرام

□ [۴۹۱] س آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج از محرمات احرام محسوب نیست.

[۴۹۲] س اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه، با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، و قبل از وقوف مشعرالحرام هم بنا بر اقوی باطل است و کفاره دارد و بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند، آیا در صورت جهل چه وظیفه ای دارد؟

ج در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.

[۴۹۳] س آیا شوهر پس از محل شدن می تواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج بر مرد مزبور منعی نیست ولی اگر زن نیز لذت می برد، در فرض سؤال نباید حاضر شود، علی الأحوط.

□ [۴۹۴] س فردی که از احرام درآمده، زنش را که محرم است می بوسد، اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج اگر زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست و بر

مرد هم کفاره واجب نشده است.

[۴۹۵] س صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد، آیا می شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج اگر صدق بوی خوش می کند، از آن اجتناب کنند [۲۲۳] و در غیر این صورت مانع ندارد.

[۴۹۶] س حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود، برای محرم چه صورت دارد؟

ج احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد و دست گرفتن آن مانع ندارد. [۲۲۴]

[۴۹۷] س در مورد نظر کردن در آئینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند و گاهی برای دیدن ماشین وغیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج احوط، اجتناب است [۲۲۵] در همه موارد ذکر شده در سؤال.

[۴۹۸] س در حال احرام عده ای از همدیگر عکس می گیرند و در دوربین عکاسی که آئینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندی دارد نظر می کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج اگر معلوم نیست [۲۲۶] که در آینه نظر می شود، اشکال ندارد.

[۴۹۹] س آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

[۵۰۰] س بعضی به علت عرق سوز شدن بدن، احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد، آیا مُحْرِم می تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج نمی تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت مگر آن که بوی خوش داشته باشد، که کفاره آن یک گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد. [۲۲۷]

[۵۰۱] س در

موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج فرق نمی کند به شرط آن که دست کشیدن عمدی باشد.

[۵۰۲] س اگر غیر مُحرم از محرم ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج اگر مُحرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً مُحَلّی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر مُحَلّ مزبور.

[۵۰۳] س محرم سرش تر است، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می کند و نمازش قضا می شود، آیا وظیفه اش تیمم است؟

ج اگر نمی تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این [۲۲۸] حال و تیمم است.

[۵۰۴] س کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج ضرر به عمره و حج ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید کفاره بدهد. [۲۲۹]

[۵۰۵] س با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزو صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا این که اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لب ها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج زیر چانه جزو صورت محسوب نمی شود ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد. [۲۳۰]

[۵۰۶] س آیا زن محرم می تواند صورت خود را با

حوله پاک کند یا حکم سر مرد را دارد که نمی تواند روی آن را بپوشاند؟

ج احتیاط، مراعات شود. [۲۳۱]

[۵۰۷] س زن ها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می شود، چه صورت دارد؟

ج باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

[۵۰۸] س فرموده اید که محرم از منزل تا مسجدالحرام می تواند زیر سقف برود، آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می شوند می توانند در مکه زیر سقف باشند؟

ج تا عرفاً در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می توانند استظلال نمایند. [۲۳۲]

[۵۰۹] س کسی که از تنعیم محرم می شود، استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد. [۲۳۳]

[۵۱۰] س میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آن جا برای عمره مفرده احرام بست، می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر، با توجه به این که محل سکونت او مکه است؟

ج در فرض مذکور مانع ندارد. [۲۳۴]

[۵۱۱] س افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ایستاده اند و می خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج برای مدتی که خواب بوده اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر

بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره واجب است.

[۵۱۲] س در حال احرام وقتی ماشین های بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟
ج مانع ندارد.

[۵۱۳] س کسانی که از مسجدالحرام برای حج محرم می شوند و از مسجدالحرام در ماشین سقف دار سوار می شوند و مثلاً در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجدالحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟
ج در فرض اول مانع ندارد [۲۳۵] و در فرض دوم احتیاط کنند.

[۵۱۴] س این جانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، امسال (۱۳۶۵) بعد از درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و این جانب و بانوان کاروان در یک اتوبوسی سربسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری به مشعرالحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منی به راه بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سربسته بودم، ناگاه به یادم آمد که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه ای با علم به اینکه اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه بندان پیاده شدم، و مابقی راه را تا محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار تقاضا دارم بفرمایید:

۱ آیا کفاره تعلق می گیرد یا نه؟

۲ در صورتی که تعلق گرفته باشد باید حتماً در

منی ذبح گردد؟

۳ در حالی که اکنون در تهران هستم آیا می توانم قربانی را در محل اقامتم ذبح نمایم؟

۴ در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منی بودم و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید پردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه یا این جانب؟

۵ چنانچه ستاد حج تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن این جانب ساقط می گردد یا نه؟

ج باید قربانی کنید و اگر چه باید [۲۳۶] در منی ذبح نمایید، لیکن ذبح در محل خودتان هم برای کفاره کفایت می کند و می توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند و در این صورت ذبح آن ها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

[۵۱۵] س آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود؟

ج فرق نمی کند.

[۵۱۶] س آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می کند؟

ج صدق نمی کند.

[۵۱۷] س آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟

ج شامل نمی شود.

[۵۱۸] س آیا در عرفات هم مثل منی می شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منی است؟

ج زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد. [۲۳۷]

[۵۱۹] س در شهر مکه تونل هایی احداث کرده اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم می باشد آیا بعد از احرام حج می شود

داخل آن با اتومبیل

سفر کرد، با علم به اینکه مسقف است؟

ج مانع ندارد، بلی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال دارد. [۲۳۸]

[۵۲۰] س آیا محرم به محض وصول به مکه می تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج مکه منزل است و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد. [۲۳۹]

[۵۲۱] س اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات می رود جایز است یا نه؟
ج مانع ندارد.

[۵۲۲] س آیا گرفتن ناخن توسط مُحْرِم از غیر مُحْرِم جایز است؟

ج اشکال ندارد.

[۵۲۳] س آیا محرم می تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج اشکال ندارد.

[۵۲۴] س کندن دندان که بر محرم حرام است، مقصود دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم می شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج شامل دندان غیر نمی شود، هرچند خون از آن بیرون آید.

[۵۲۵] س آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی الأحوط. [۲۴۰]

□ [۵۲۶] س هرگاه مُحْرِم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج باید دو کفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسیان.

[۵۲۷] س در بین مردم معروف است که مُحْرِم نباید به کسی

دستور بدهد؛ مثلاً نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگر به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟
ج اشکال ندارد.

مستحبات دخول حرم

۱ همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم، غسل نماید.

۲ از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پابرهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳ وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: {وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَقِّهِ بَعِيدِهِ وَقَجِّ عَمِيقِ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ
وَكَمَلْ ذِمَّتَكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَاحْسَانَتِكَ إِلَيَّ فَلِمَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزَّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ
لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَأَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ
وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴ وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آن را بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

[۵۲۹] م برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود، از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجدالحرام

[۵۳۰] م مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل نماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنا بر این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
 وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ
 وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَا تَبِيَّ حَقَّ لِمَنْ أَتَاهُ
 وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تَبِيَّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ
 أَحَدٌ صِدْقٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا
 جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بَزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ
 النَّارِ».

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست ها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الْعَلِيِّ بَلَّغْنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الْعَلِيِّ جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنَا مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي
 عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ
 الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنَا مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب

است وقتی که محاذی حجرالأسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ
وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادِهِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالأسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَدْيِ هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ
خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَىٰ وَأَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَيِّئًا عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی، دست های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به
جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و
اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَىٰ سُنَنِ نَبِيِّكَ صِلْمَاؤُتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ
الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادِهِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ

مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَغْبَتِي فَأَقْبِلْ سُبُحْتِي وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

فصل چهارم: طواف واجب و بعضی از احکام آن

توضیح

کسی که مُحرَم شد به احرام عمره تمتع و وارد مکه معظمه شد، اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است، آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره تمتع. [۲۴۱]

[۵۳۱] م طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن؛ به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

[۵۳۲] م طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است؛ چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

[۵۳۳] م چنین کسی که عمره خود را باطل کرد، احوط آن است که حج افراد به جا آورد، و پس از آن عمره به جا آورد و حج را در سال بعد [۲۴۲] اعاده کند.

[۵۳۴] م وقت فوت طواف، وقتی است که اگر بخوهد آن را با بقیه اعمال عمره به جا آورد، نتواند وقوف به عرفات کند.

[۵۳۵] م اگر از روی سهو ترک کرده طواف را، لازم است آن را به جا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

[۵۳۶] م اگر سعی را به جا آورده، پیش از آن که طواف را به جا آورد، احتیاط واجب آن است

که سعی را هم به جا آورد و اگر نماز طواف را به جا آورده، باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند. [۲۴۳]

[۵۳۷] م اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند؛ اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

[۵۳۸] م شخص مریض را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را، به مقداری که برای او ممکن است، بکنند.

واجبات طواف

قسمت اول

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است: [۲۴۴]

اول نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد. [۲۴۵]

[۵۳۹] م نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذراند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد. پس همانطور که انسان با قصد آب می خورد و راه می رود عبادت را اگر همانطور به جا آورد با نیت به جا آورده.

[۵۴۰] م باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.

[۵۴۱] م اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل

خود را خوب جلوه دادن به جا آورد، طواف او و همینطور هر چه را اینطور به جا آورده باطل است و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

[۵۴۲] م ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی شود.

[۵۴۳] م کفایت می کند در صحیح بودن عمل، آن که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.

[۵۴۴] م اگر در عملی که برای خدا می آورد، رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم آن است که ظاهر باشد از حدث اکبر؛ مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر؛ یعنی باید با وضو باشد.

[۵۴۵] م طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتی در عمره و حج مستحب، که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

[۵۴۶] م طهارت از حدث اکبر و اصغر، در طواف مستحبی شرط نیست، [۲۴۶] لیکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است.

[۵۴۷] م طواف یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن مستحب است و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است. و در این طواف طهارت شرط نیست. [۲۴۷]

[۵۴۸] م اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف [۲۴۸] کند، باطل است؛ چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله

باشد.

[۵۴۹] م اگر در اثنای طواف، [۲۴۹] حدث عارض شود، پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است، باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند. [۲۵۰]

[۵۵۰] م اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند و این حکم در حدث اصغر است. [۲۵۱]

[۵۵۱] م اگر در اثنای طواف حدث اکبر؛ مثل جنابت یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم [۲۵۲] بود، پس از غسل طواف را اعاده کند.

[۵۵۲] م اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.

[۵۵۳] م اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب [۲۵۳] آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

[۵۵۴] م احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضو یا غسل مرتفع شود، صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود. [۲۵۴]

[۵۵۵] م اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

[۵۵۶] م

اگر مُحدِّث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شك کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

[۵۵۷] م اگر بعد از تمام شدن طواف شك کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه یا شك کند با غسل آن را به جا آورده یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

[۵۵۸] م اگر در اثنای طواف شك کند که وضو داشته یا نه، [۲۵۵] پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا تتمه طواف را به جا آورد و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.

[۵۵۹] م در تمام صورت هایی که در شك گفته شد که «بنابر طهارت بگذارد» یا «طوافش صحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجائاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می شود.

[۵۶۰] م اگر در اثنای طواف شك کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود، [۲۵۶] پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شك کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را به جا آورد و الاً بعد از غسل اعاده کند طواف را و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

[۵۶۱] م اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم

کند، موجود نباشد، حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او لازم است می تواند وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنا بر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نساء گفته شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم طهارت بدن و لباس است از نجاست [۲۵۷]

[۵۶۲] م احتیاط واجب [۲۵۸] آن است که از نجاستی که در نماز عفو شده مثل خون کمتر از درهم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب حتی انگشتر نجس اجتناب کند.

[۵۶۳] م در خون قروح و جروح [۲۵۹] اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

[۵۶۴] م در خون قروح و جروح، تا آن اندازه ای که می شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

[۵۶۵] م احتیاط آن است [۲۶۰] که اگر می تواند تأخیر بیندازد طواف را تا بشود بی مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

[۵۶۶] م اگر طواف کند و بعد از آن که از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

[۵۶۷] م اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است، می تواند با آن حال طواف کند و صحیح

است؛ چه بدانند که پیش از این پاک بوده یا ندانند، لیکن اگر بدانند که پیشتر نجس بوده و ندانند که تطهیر شده است، نمی تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

[۵۶۸] م اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است. [۲۶۱]

[۵۶۹] م اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده، ظاهراً حکم مسأله قبل را دارد.

[۵۷۰] م اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده [۲۶۲] کند؛ خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند و در این احتیاط فرقی نیست بین آن که بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.

[۵۷۱] م اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط [۲۶۳] واجب اعاده است، و همین طور است اگر در بین طواف یادش بیاید. [۲۶۴]

چهارم ختنه کردن است در حق مردان و این شرط در زن ها نیست، و احتیاط [۲۶۵] واجب آن است که درباره بچه های نابالغ

مراعات شود.

□ [۵۷۲] م اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را مُحرم کنند، احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست. پس اگر مُحرم به احرام حج شود، چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می شود مگر آن که او را ختنه کنند و طواف دهند، یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند، یا آن که نایب برای او بگیرند تا طواف کند.

[۵۷۳] م اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

پنجم ستر عورت [۲۶۶] است، پس اگر بدون سترِ عورت طواف کند باطل است و معتبر است در آن اباحه، [۲۶۷] پس با ستر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ستر نیز بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

[۵۷۴] م احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند؛ [۲۶۸] یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم، [از واجبات طواف چیزهایی است که گفته اند داخل در حقیقت طواف است، اگرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لیکن در عمل فرقی نمی کند و آن هفت چیز است:

اول آن که ابتدا کند به حجرالأسود

[۵۷۵] م در ابتدا کردن به حجرالأسود، لازم نیست که تمام اجزای بدن طواف کننده به تمام اجزای حجرالأسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجرالأسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند. [۲۶۹]

[۵۷۶] م آنچه واجب است آن است که

در عرف گفته شود: از حجرالأسود شروع به طواف کرد، و ختم کرد به حجرالأسود؛ چه از ابتدای آن شروع کند، چه از وسطش، چه از آخرش.

[۵۷۷] م از هر جای حجرالأسود که شروع کرد، باید در دور هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود و همچنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود. [۲۷۰]

[۵۷۸] م در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می کنند، از محاذات «حجرالأسود»، بدون دقت های صاحبان و سوسه شروع کنند، و در دورهای دیگر، بدون توقف دور بزنند [۲۷۱] تا هفت دور تمام شود.

[۵۷۹] م گاهی دیده می شود که اشخاص نادان در هر دوری که می زنند، می ایستند و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

دوم ختم نمودن هر دوری است به حجرالأسود و این حاصل می شود به این که بدون توقف هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم [۲۷۲] شود و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم آن که در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

[۵۸۰] م لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل (ع) خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود، لیکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

قسمت دوم

[۵۸۱] م

اگر در موقع رسیدن به گوشه های خانه، شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد، اگر به طور متعارف دور زدن، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود.

[۵۸۲] م گاهی دیده می شود که بعضی از نادانان، برای احتیاط، دیگری را وادار می کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می کند و به دست دیگری می دهد و تکیه به دست او می دهد و او را، آن شخص دیگر با فشار دور می دهد، این طواف باطل است [۲۷۳] و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد، زن ها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

[۵۸۳] م احتیاط به این که خانه در تمام حالاتِ طواف، حقیقتاً به طرف چپ باشد، گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند، در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف و موجب انگشت نمایی نشود مانع ندارد.

[۵۸۴] م اگر به واسطه مزاحمتِ طواف کنندگان، مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد؛ مثل آن که روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

[۵۸۵] م اگر به واسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی کند [۲۷۴] و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده.

[۵۸۶] م در طواف کردن

هر طور برود مانع ندارد، می تواند آهسته برود و می تواند تند برود و می تواند بدود و می تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند. لیکن بهتر آن است که به طور میانه روی برود.

چهارم داخل کردن حجر اسماعیل (ع) است در طواف؛ و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

[۵۸۷] م اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

[۵۸۸] م اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

[۵۸۹] م اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

[۵۹۰] م اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط [۲۷۵] واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد و اعاده کند طواف را، اگر چه ظاهر آن است که اعاده طواف لازم نیست.

[۵۹۱] م اگر کسی در بعضی از دورها، از روی دیوار حجر اسماعیل (ع) برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت [۲۷۶] نمی کند تمام کردن دور را از آن جایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم (ع) از همه اطراف.

[۵۹۲] م مراد از این که: طواف بین کعبه و مقام باشد، آن است که ملا-حظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم (ع) است و در همه اطراف خانه کعبه، طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و مابین مقام

و خانه چنانچه گفته اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همین قدر بیشتر دور نباشد. [۲۷۷]

[۵۹۳] م اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.

[۵۹۴] م اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

[۵۹۵] م چون در طرف حجر اسماعیل (ع) محل طواف تنگ می شود، زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می شود و چنانچه گفته اند تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می ماند باید در طواف از آن جانب بیشتر از شش ذراع و نیم دور نشود.

[۵۹۶] م اگر از جانب حجر اسماعیل (ع) بیشتر از شش ذراع و نیم در دور زدن دور شد، اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مَطاف دور بزند.

ششم خروج طواف کننده است از خانه و آن چه از آن محسوب است.

[۵۹۷] م در اطراف دیوار خانه، یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند و آن جزو خانه کعبه است و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

[۵۹۸] م اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید اعاده کند.

[۵۹۹] م دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آن جایی که شاذروان

است جایز است و به طواف ضرر نمی رساند گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

[۶۰۰] م در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل (ع) جایز است و به طواف ضرر نمی رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

هفتم آن که هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

□ [۶۰۱] م اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد، طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.

[۶۰۲] م اگر در اثنای طواف، از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آن جا که این قصد را کرده و هرچه به این عمل کرده باطل است و باید اعاده کند و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل می شود.

[۶۰۳] م اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

[۶۰۴] م اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

[۶۰۵] م اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آن که یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت

دور به جا آورد طوافش صحیح است.

[۶۰۶] م اگر کم کند از طواف واجب، چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی عمد، واجب است آن را اتمام کند و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده که در مسائل فصل چهارم گذشت به احتیاط واجب و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

[۶۰۷] م اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند. که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

□ [۶۰۸] م اگر سهواً از طواف کم کند، پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن است که از همان جا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الاً احتیاط واجب اتمام و اعاده است.

□ [۶۰۹] م اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه موارد سهو، به تمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.

[۶۱۰] م اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود، احتیاط [۲۷۸] آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد.

[۶۱۱] م در طواف واجب، قران جایز نیست؛ یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد، بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود و در طواف مستحب مکروه است.

□ [۶۱۲] م اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف، و قصدش آن باشد که زیاده را

جزو طوافِ دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است.

□ [۶۱۳] م در فرض سابق، اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد، احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد، اقوی صحت طواف اول است و احوط اعاده است.

□ [۶۱۴] م اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور، پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است، احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آن که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

[۶۱۵] م جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر واقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط [۲۷۹] قطع نکردن آن است؛ به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد.

□ [۶۱۶] م اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، احوط آن است که اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه به هم بخورد.

[۶۱۷] م

اگر طواف را قطع کند و منافی به جا نیاورده باشد، اگر برگردد و تمام کند طواف صحیح است.

[۶۱۸] م اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد؛ مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار [۲۸۰] پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا تمام کند و اگر قبل از آن بوده، طواف را اعاده کند و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

[۶۱۹] م اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست به جا آورد تا آن که وقت تنگ شد، اگر ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند.

[۶۲۰] م اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور [۲۸۱] رها کرد از همان جا طواف را تمام کند، و الاً اعاده کند.

[۶۲۱] م جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

[۶۲۲] م اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در

صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترک نشود. [۲۸۲]

[۶۲۳] م اگر بعد از طواف شك کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل (ع) طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش صحیح است اگرچه باز در محل طواف باشد و از آن جا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

[۶۲۴] م اگر در آخر دور که به حجرالأسود ختم شد شك کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً، اعتنا به شك نکند و طوافش صحیح است.

[۶۲۵] م اگر قبل از رسیدن به حجرالأسود و تمام شدن دور، شك کند که آنچه را دور می زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.

[۶۲۶] م اگر در آخر دور یا اثنای آن شك کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

[۶۲۷] م اگر در طواف مستحب شك کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد و طوافش صحیح است.

[۶۲۸] م شخص کثیرالشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

[۶۲۹] م گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شك را دارد.

[۶۳۰] م اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده، باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

□ [۶۳۱] م اگر در حال

سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد. تتمه سعی را به جا آورد و طواف و سعی صحیح است. لیکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

[۶۳۲] م اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو به جا آورد طوافش باطل است و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

[۶۳۳] م اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

قسمت سوم

[۶۳۴] م در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد. [۲۸۳]

[۶۳۵] م واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمن و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همان جا اتمام کند.

[۶۳۶] م جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همان جا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد و اگر آن قدر نشست احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید. [۲۸۴]

مسائل متفرقه طواف

[۶۳۷] م در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

[۶۳۸] م در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی کند [۲۸۵] و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب.

[۶۳۹] م هر گاه در طواف خانه خدا، مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد؛ مثل این که او را بی اختیار بردند، [۲۸۶] همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الأسود به قصد طواف

شروع کند، اشکال دارد. [۲۸۷]

[۶۴۰] م اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است [۲۸۸] و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

[۶۴۱] م اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، [۲۸۹] اعاده شود و اگر نمی تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آن جا طواف را اعاده کند برسد و از آن جا تدارک نماید.

[۶۴۲] م اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی کند.

[۶۴۳] م اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است و باید طواف [۲۹۰] را اعاده کند.

[۶۴۴] م زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرایط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و

طواف و نمازش صحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است و در صورت اول حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر در عمره بوده در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، یک عمره مفرده نیز به جا آورد. [۲۹۱]

استفتائات طواف

قسمت اول

□ [۶۴۵] س جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاً در مدینه است، آیا تکلیف او نسبت به حج چیست؟

ج باید محرم شود و خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف و بعد از طواف، خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف باهم انجام شود خودش یک نماز بخواند کفایت می کند.

[۶۴۶] س اگر در اثنای طواف نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، [۲۹۲] از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل شده، طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

□ [۶۴۷] س اگر کسی بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل

بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج طواف و نماز را اعاده کند و عمره او صحیح است.

[۶۴۸] س شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج طواف او صحیح است.

[۶۴۹] س اگر در اثنای طواف، شک در صحت شَوط سابق یا جزئی از شَوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند، چه حکمی دارد؛ مثلاً نمی داند که از مقابل حِجْر که عبور کرده از حدّ مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج اگر مسأله را می دانسته و می خواسته است عمل صحیح را انجام دهد؛ یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است. [۲۹۳]

□ [۶۵۰] س اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره، به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

ج باید عمل باطل شده را جبران کند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.

[۶۵۱] س کسی در شَوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شَوطهای قبل، این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا

عمل او صحیح است یا خیر؟

ج باید [۲۹۴] مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور، عمل صحیح است.

[۶۵۲] س کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است، آیا طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب [۲۹۵] آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتبه صحیح و از احرام خارج شده است.

[۶۵۳] س کسی در شُوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شُوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج باید [۲۹۶] قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده، با وضو به جا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.

[۶۵۴] س کسی توهم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست و چون نمی توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شُوط تا محلّ تدارک را به قصد احتیاط و رجا انجام می دهد که اگر شُوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شُوط او

صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را به جا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

ج صحیح نیست.

[۶۵۵] س کسی در وقت طواف، شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟

ج صحیح است.

[۶۵۶] س کسی در شوط چهارم از حجرالأسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند، لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته و از حجرالأسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می شود؟

ج اشکال دارد. [۲۹۷]

[۶۵۷] س کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آن ها چه صورت دارد و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج اشکال دارد [۲۹۸] و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده، باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

[۶۵۸] س درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند، آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن این که متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

ج احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگر چه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می کند. [۲۹۹]

[۶۵۹] س شخصی

در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل (علیه السلام) می شود و بعد که متوجه شد برمی گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شُوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج اشکال دارد. [۳۰۰] بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجر الأَسود به قصد احتیاط شُوط را اعاده می کرد، و از محلی که وارد حجر شده، قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت.

[۶۶۰] س اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شُوط چندم و یا رکعت چندم است و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

[۶۶۱] س زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد و با او ادامه داد و بعد از شُوط آخر مرد که شُوط ششم زن است، او به جای این که یک شُوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟

ج احتیاط آن است [۳۰۱] که یک شُوط دیگر به قصد احتیاط به جا آورد که مجموعاً چهارده شُوط می شود و بعد از انجام نماز طواف، طواف و نماز را اعاده نماید.

[۶۶۲] س

در مطاف چیزهایی از افراد می افتد؛ از قبیل ساعت، احرامی و غیره و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج موجب بطلان طواف نمی شود.

[۶۶۳] س اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج به طواف ضرر نمی زند.

[۶۶۴] س اگر کسی قبل از شَوط چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند، گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد احتیاط این است که طواف قطع شده را تمام کند و اعاده هم بنماید، مراد از تمام کردن چیست، آیا فقط شَوطی را که قطع کرده تمام کند یا مابعدش را هم به جا آورد؟

ج طواف مزبور اشکال دارد [۳۰۲] و اتمام موضوع ندارد و باید طواف را بعد از نماز طواف اول، اعاده کند احتیاطاً.

[۶۶۵] س شخصی طواف را از حجرالأسود شروع کرد و در هر شَوط به رکن یمانی که می رسید نیت ختم می کرد و از حجرالأسود نیت شَوط بعد را می نمود و هفت شَوط طواف را این گونه تمام کرد به گمان اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، آیا وظیفه اش چیست؟

ج این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود.

[۶۶۶] س گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می دهند و همان طور توسعه می دهند تا انسان از مَطاف خارج می شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مَطاف صحیح باشد

یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست. [۳۰۳]

[۶۶۷] س کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به حج مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و قربانی و مصارف در حج بکند، آیا برای حج او ضرر ندارد؟

ج اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که طواف و قربانی صحیح نیست. [۳۰۴]

□ [۶۶۸] س شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده، و طواف و نماز به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

ج اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

[۶۶۹] س اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج با فرض شك لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

[۶۷۰] س شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام می داده، تنها نماز طواف را، به گمان اینکه کفایت می کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را

انجام داده، آیا چه وظیفه ای دارد؟

ج با فرض اینکه طواف حج را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلش برگشته است، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی نماید.

[۶۷۱] س تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده ها از مَطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده است، طواف را از سر گرفته اند، بفرمایید در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج اشکال دارد. [۳۰۵]

[۶۷۲] س زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر دایر است بین این که با تخت در خارج مَطاف طوافش دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مَطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ج باید او را در مَطاف طواف دهند، هرچند نامحرم او را پشت کند. [۳۰۶]

[۶۷۳] س کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوط های طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج فرقی نیست.

قسمت دوم

[۶۷۴] س شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند. [۳۰۷]

□ [۶۷۵] س آیا بعض شوط های طواف و سعی،

برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج بلی، قابل است.

[۶۷۶] س با وضعیت فعلی که جمعیت حجاج خیلی زیادند و عده ای از ضعفا نمی توانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مطاف هست و نیز خلف مقام که یا نمی شود نماز خوانند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز؛ مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می تواند فوراً به اعمال طواف و نماز، هر جور که ممکن باشد، مشغول شود یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود؛ مثلاً تا شب نهم و آن وقت چنین کند و معلوم است برای همه کس میسر نیست؟

ج اگر می توانند ولو در وقت خلوت در مطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند [۳۰۸] و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد و صبر لازم نیست.

[۶۷۷] س دختری در کودکی و یا اوایل سنین بلوغ، جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه در سنین بالاتر نمی دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به حج نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسل هایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است، با توجه به موارد یاد شده فوق، این سؤال ها مطرح است:

۱ وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟

۲ آیا

در زمان حال، محرم است و به صورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و در صورت محرم بودن، آیا تا زمانی که اعاده حج نکند، جمیع محرمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می باشد یا خیر؟

۳ در صورتی که فقط حجش باطل باشد ولی مُحرم نباشد، چگونه می تواند با وضع اعزامِ حجاج به بیت الله الحرام، که چند سال یک بار این توفیق حاصل می شود، اعاده حج کند؟

ج اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف او صحیح نیست و غسل های دیگر کفایت از غسل جنابت نمی کند و در فرض مسأله، نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند و اگر نمی دانسته جنب است و روزه گرفته روزه های او صحیح است و قضا ندارد و حج در مفروض سؤال صحیح است ولی طواف های عمره و حج و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه به جا آورد و اگر خودش نمی تواند برود، برای آنها نایب بگیرد و تا طواف حج و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او به جا نیاورده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرمانی که با طواف نساء حلال می شود، اجتناب نماید.

□ [۶۷۸] س شخصی در اثنای طواف مُحدِّث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران بازگشته، مستدعی است بفرمایید:

۱ حجش چه صورت دارد؟

۲ اگر اعاده لازم است، آیا می تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج اگر با اعتقاد صحت، اعمال را تمام کرده حجش صحیح است و باید طواف

و نماز آن را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند برود باید نایب بگیرد و اگر در فرض مزبور، حدث بعد از شوط چهارم باشد به تفصیل مذکور در مناسک، طواف را تدارک کند و چنانچه کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام داده، شقوق و صوری دارد که در بعض آن ها صحت حج مشکل است.

□ [۶۷۹] س ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند، سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد، چند بار من خوابم برد، چون آب در دسترس خود نمی دیدم و جایی را نمی شناختم، روی ریگ های اطراف باغچه تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم. آیا عمل حج من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج با اینکه برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از احرام خارج شده اید و فقط باید طواف و نماز را اعاده کنید و اگر خودتان نمی توانید بروید، باید نایب بگیرید.

[۶۸۰] س اگر کسی قبل از حجرالأسود طواف را شروع نمود و به همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج بلی، طواف باطل است.

[۶۸۱] س اگر در هنگام

خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط، مقداری مسافت را به قصد جزئیت به جا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟

ج اگر عمدی باشد مبطل است و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.

[۶۸۲] س شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

□ [۶۸۳] س کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج با فرض عذر حتی در آینده، عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.

[۶۸۴] س آیا می شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر به هم زد و آن را کأن لم یکن دانست و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج قطع مانع ندارد [۳۰۹] ولی قبل از فوات موالات نمی توان آن را از سر گرفت. [۳۱۰]

[۶۸۵] س کسی که از طواف، حتی در خارج مطاف، عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی کند؟

ج اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.

□ [۶۸۶] س اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام

داده است تکلیف او چیست؟

ج باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند و اگر با اعتقاد صحّت بوده بقیه اعمال صحیح است.

[۶۸۷] س در مواردی که شخصی شک در اشواط کند، حکم به بطلان طواف می فرماید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش شوط داشته و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج اشکال دارد و باید احتیاط کند. [۳۱۱]

[۶۸۸] س بعضی به تصوّر اینکه طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده اند، آیا مخّل به طواف است؟

ج اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است.

[۶۸۹] س اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد؟

ج می تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند و فوریت ندارد.

□ [۶۹۰] س اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

ج اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست و باید آنها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست، ولی اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن زیاد کرده، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط تتمیم کند و یک نماز دیگر هم به جا آورد و طواف و نماز را اعاده

کند، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و موالات عرفیه به هم خورده است، احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه به هم نخورده، حکم صورت قبل را دارد.

□ [۶۹۱] س شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چندین بار حج نیابی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حج ها چیست؟

ج مانع ندارد و باید طواف حج خود را تدارک کند و حج های نیابی که انجام داده صحیح هستند.

[۶۹۲] س شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجائاً برای جبران نقص احتمالی به جا می آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

ج ضرر ندارد ولی جبران نقص نمی کند.

[۶۹۳] س شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج باید همین طواف را تکمیل کند. [۳۱۲]

[۶۹۴] س شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند و اگر بدون تطهیر بینی، طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند و همچنین اگر دستمال نجس همراه او بوده است. [۳۱۳]

[۶۹۵] س شخصی در شوط دوم طواف شک می کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده یا به نیت

خودش وظیفه او چیست؟

ج احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند. [۳۱۴]

[۶۹۶] س شخصی در اثنای طواف، به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده و نمی داند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج اگر ملتفت [۳۱۵] بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند و بعداً شک عارض شده، حکم به صحت نماید و در غیر این صورت، اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است.

[۶۹۷] س شخصی در اثنای طواف، بر اثر فشار جمعیت، چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن، به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می شود، آیا این طواف صحیح است؟

ج طواف او اشکال دارد [۳۱۶] و باید آن را اعاده کند.

[۶۹۸] س شخصی بعد از اتمام طواف، سهواً یک شوط زیاد کرده است و بعد مردد است که سه یا چهار شوط دیگر به جا آورده است و سپس همه اعمال عمره را نیز انجام داده است، آیا طواف او باطل است و آیا تردید در عدد اشواط اضافی مضر نیست؟

ج مضر است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

[۶۹۹] س شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مطاف انجام داده و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج اگر ممکن نبوده،

ولو در وقت دیگر، که در حد، طواف کند اشکال ندارد و گرنه باید طواف و نماز اعاده شود.[۳۱۷]

[۷۰۰] س کسی که وظیفه او وضوی جبیره ای و تیمم است، اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج طواف و نماز آن، باید اعاده شود.

[۷۰۱] س شخصی شوط اول طواف را خارج از مطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مطاف آغاز نموده و بعد از طواف، اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج مانع ندارد.

[۷۰۲] س کسی که اشتباهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرالأسود ختم کرد، مقدار زیادی، مضر به طوافش می باشد یا خیر؟

ج طواف و نماز را باید اعاده کند و فرقی بین دو صورت نیست.

[۷۰۳] س کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد؛ یعنی جمعیت او را می برند، آیا می تواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج باید طواف را شروع کند و اگر در اثناء، بدون اختیار او را بردند، همان مقدار را جبران کند[۳۱۸] و طواف را ادامه دهد.

قسمت سوم

□ [۷۰۴] س مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف

بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند، آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند کافی است یا خیر؟

ج این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

□ [۷۰۵] س شخصی در عمره تمتع، بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده، مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج طواف و سعی او صحیح است و اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

[۷۰۶] س شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالأسود شروع و به آن جا ختم می کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

[۷۰۷] س کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می کند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج اگر از اول در مطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است و اگر از اول

شک دارد، با جهل مذکور در سؤال، نمی تواند به طواف مزبور اکتفا کند. [۳۱۹]

[۷۰۸] س شخصی در شَوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می کند و مشغول نماز می شود و پس از نماز، طواف را از سر می گیرد و هفت شَوط کامل به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج اشکال دارد [۳۲۰] و باید طواف را اعاده نماید.

[۷۰۹] س شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف، از روی شهوت با بدن زنی تماس می نماید و از این تماس متلذذ می گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج مضر به طواف نیست و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده، باید کفاره بدهد.

[۷۱۰] س اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می تواند در ماه های غیر حج انجام دهد؟

ج مانع ندارد. [۳۲۱]

[۷۱۱] س شخصی شَوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می کند و پس از آن شش شَوط دیگر به جا می آورد و بعد از آن نقیصه شَوط اول را به جا می آورد، آیا طواف او صحیح است؟

ج صحیح نیست.

[۷۱۲] س اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگ های رمی، به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

[۷۱۳] س شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت، از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است، طوافش

چه حکمی دارد؟

ج اگر موالات به هم نخورده صحیح است.

[۷۱۴] س آیا واجب است برای درک خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد خصوصاً اگر پس از ایام تشریق مطاف خلوت نشود؟

ج در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر. [۳۲۲]

[۷۱۵] س آیا مُحرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طواف ها را برای معذور نیابت کند؟

ج مانع ندارد.

□ [۷۱۶] س شخصی در طواف عمره تمتع، در اثر فشار، احساس می کند که لنگ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمی کند و با همان حال طواف را تمام می کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد و به منزل می رود، بعد از بررسی می بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او می گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به اینکه نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده، درباره این شخص بفرمایید و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج اگر در حال طواف شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند هرچند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد.

[۷۱۷] س

آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز بغیر این محدوده می شود یا خیر؟

ج شامل نیست. [۳۲۳]

[۷۱۸] س در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج آنچه ذکر شده [۳۲۴] عذر نیست.

[۷۱۹] س اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود. [۳۲۵]

[۷۲۰] س بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان به هم می خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

ج اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد و گرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

[۷۲۱] س اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نمی شود، وظیفه او چیست؟

ج مورد [۳۲۶] عدول به افراد است.

[۷۲۲] س اگر زنی بعد از شوط چهارم در طواف عمره تمتع حائض شد و تا وقت

وقوف به عرفه پاک نشد وظیفه اش چیست؟

ج باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را هم به جا آورد. [۳۲۷]

[۷۲۳] س زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شد که طواف او باطل بوده است، پس از اینکه متوجه شد، دید عذر زنانه دارد، تکلیف او چیست؟

ج هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند و اگر قبل از وقوف پاک نمی شود، برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آنها را انجام دهد.

[۷۲۴] س زنی مسأله را نمی دانست، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می کرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

□ [۷۲۵] س آیا مستحاضه کثیره، باید برای طواف یک غسل و برای نماز طواف غسلی دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج برای هر یک، غسل لازم است مگر آن که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

[۷۲۶] س زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است ولی در عرفات خون می بیند، بنا بر این آیا در یائسگی او می توان تردید داشت یا نه و وظیفه او چیست؟

ج

اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست، حکم مستحاضه را دارد. [۳۲۸]

[۷۲۷] س آیا نماز و طواف برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز جدا و مستقل هستند؟

ج مستقل هستند.

[۷۲۸] س زنی بعد از وقوفین حیض می شود، با مصرف قرص، خون قطع می گردد و اعمال را انجام می دهد ولی بعد از آن لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج اگر خون سه روز مستمر نبوده و حتی در باطن فرج هم قطع شده، حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است.

[۷۲۹] س زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

ج اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و اگر قبلاً بوده، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید. [۳۲۹]

[۷۳۰] س زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود، در اثنای طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون، چیزی بر او نیست و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

□ [۷۳۱] س زنی به تصور اینکه پاک شده است، طواف انجام می دهد و در اثنای سعی متوجه می شود که هنوز پاک نشده است، آیا سعی او نیز باطل است و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن

از حیض، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.

□ [۷۳۲] س زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد؛ مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج اگر خون قطع نمی شود برای هریک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنا بر این اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد.

□ [۷۳۳] س زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج اگر از هنگام غسل تا آخر طواف، خون قطع بوده، طواف صحیح است و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.

قسمت چهارم

[۷۳۴] س زنی که حیض نمی شود ولی هر دو ماه یکبار، دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، وظیفه اش چیست؟

ج اگر خون استمرار تا سه روز ندارد، ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا

این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

[۷۳۵] س هر گاه زن قُرشیه پس از شصت سال و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج حکم مستحاضه را دارد و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات. [۳۳۰]

[۷۳۶] س زن هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می زند یا خیر؟

ج حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند و اگر در اثنای طواف لکه دیده، تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن دور چهارم و مابعد آن هست که در مناسک ذکر شده است. [۳۳۱]

[۷۳۷] س شخصی غسل مس میت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال حج متذکر می شود، وظیفه او چیست؟

ج اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده غسل جنابت کفایت می کند و عملش صحیح است و الا باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

□ [۷۳۸] س محرمی است که مبتلا به خروج ریح است؛ یعنی مرتب ریح از او جدا می شود و در عرض سال شاید یکی دو ماه، فی الجمله تخفیف پیدا می کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود، تکلیف چنین شخصی در طواف

و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج حکم مبطلون را دارد که از تحریرالوسیله (جلد اول، صفحه ۳۰، مسأله ۳) استفاده می شود و علی ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند و همچنین است حکم در نماز طواف.

□ [۷۳۹] س مدتی است که به علت ابتلای به بیماری و در اثر عمل جراحی، خروج مدفوع را احساس نمی کنم و از کیسه مخصوص استفاده می کنم، البته برای وضو و نماز فتوای حضرت امام مشخص و معین است که بدان عمل می کنم، ولی چون سال آینده به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حج، تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

ج اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید، عمل حج شما صحیح است.

[۷۴۰] س شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می ریزد، لیکن نه از مجرای بول، بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

ج حکم مسلوس را دارد.

[۷۴۱] س کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می کند، مقداری که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج

[۷۴۲] س به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده می شود و به خصوص در طواف ها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجا، چندین بار به جا می آورند ولو اینکه عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد و سواس هم نمی رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج و سواس همین است و نباید به وسوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

[۷۴۳] س کسی به جهتی، طواف یا سعیش قطع می شود و به جلو می رود، می خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمی تواند خود را به آن جا برساند و در محاذی آن جا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است و باید طواف تکمیل شود.

□ [۷۴۴] س قرآن، که در طواف حرام است، آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟

ج اگر از اول یا در اثنای طواف اول، قصد قرآن داشته، احتیاط در اعاده طواف است و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده، طواف باطل نمی شود.

[۷۴۵] س آیا یک شَوط و دو شَوط طواف هم استحباب دارد یا باید طواف هفت شَوط باشد و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شَوط طواف واجب، یکی دو شَوط طواف مستحبی به جا آورد و بعد نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکال دارد؟

ج استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور

صحیح است.

[۷۴۶] س معیار در کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

ج عرفی است.

[۷۴۷] س طواف کردن در محدوده ۵/۲۶ ذراع و نماز خواندن پشت مقام، هرچه نزدیک تر به مقام، آن طور که در مناسک بیان شده، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف می کنند و دور از مقام نماز می خوانند انجام شود؟

ج چنین چیزی نیست و باید به وظیفه عمل شود. [۳۳۳]

[۷۴۸] س اینکه فرموده اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند و سپس اعاده نماید.

[۷۴۹] س کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که محرم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام، آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مخیط هم جایز است؟

ج هیچیک از احرام یا لباس احرام در نایب لزوم ندارد.

[۷۵۰] س شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه اش چیست؟

ج اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که مشقت نداشته باشد، برای هر بار که حدث از او صادر شود یک

وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد.

[۷۵۱] س آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است با لباس احرام باشد؟

ج لازم نیست.

[۷۵۲] س هر گاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته، اعمال عمره را؛ از طواف و سعی، انجام دهد؛ جهلاً یا

عمداً، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

ج طواف و سعی مزبور صحیح و عمره مذکور مجزی است.

[۷۵۳] س هر گاه محرم به احرام عمره تمتع جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد و یا وقت عمره می گذرد، آیا

طواف و نماز، با تیمم کافی و مجزی است؟ یا باید نایب هم بگیرد؟

ج نایب گرفتن لازم نیست.

[۷۵۴] س آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟

ج فرق می کند و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الأحوط.

[۷۵۵] س اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او، که باید در حال طواف بپوشاند، ظاهر باشد آیا به طواف او

ضرر می رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر، طواف را انجام داده، طواف او باطل است یا نه؟

ج اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی الأحوط [۳۳۴] و در غیر مورد عمد، صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی

الأحوط.

□ [۷۵۶] س شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است، ولی می گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون

خواندن نماز طواف اول، به جا می آورد

و نماز و سعی به جا می آورد و تقصیر می کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج عمل او صحیح است، هرچند داخل در قرآن حرام است.

[۷۵۷] س اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ج مانع ندارد.

[۷۵۸] س کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می کند و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی داند که آیا مقصدی از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

[۷۵۹] س کودک نابالغی با اذن پدر محرم شد و طواف را نیمه کاره به تصوّر اینکه همین مقدار کافی است رها کرد و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده، تکلیف چیست؟

ج اگر از اول قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

[۷۶۰] س کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست ادامه دهد و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خواند و بعداً متوجه شد که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی رساند و او با استراحت می توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید. [۳۳۵]

[۷۶۱] س شخصی طواف خود را به هم می زند و طواف دوم را شروع می کند، آن را نیز به هم می زند و طواف سوم را

آغاز کرده به اتمام می رساند، وظیفه او چیست؟

ج اشکال دارد [۳۳۶] و موارد احتیاط مختلف می شود.

[۷۶۲] س اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجرالأسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالأسود شروع کرد و هفت شَوط کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج طواف مزبور باطل است و باید تدارک شود.

[۷۶۳] س گاهی انسان شک می کند که این شَوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا می شود بعد از طواف یک شَوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شَوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج به وسوسه نباید اعتنا کرد و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می شود و با آوردن یک شَوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود.

[۷۶۴] س شخص در حالی که مشغول طواف است، در شَوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شَوط اول و ۵ متر در شَوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج این طواف قابل تصحیح نیست [۳۳۷] و باید اعاده شود.

[۷۶۵] س شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است، آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثنا نکرده معتبر است.

[۷۶۶] س در طواف مستحبی، زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج اگر

اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هر صورت طواف صحیح است.

[۷۶۷] س آیا در طواف های مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج بلی شرط است.

[۷۶۸] س محرم وارد مکه شد، آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده و همچنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد، به عمره و حجش ضرر می زند یا نه؟

ج احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره و حج ضرر نمی زند.

[۷۶۹] س آیا می شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر به جا آورد؟

ج نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

[۷۷۰] س آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب به جا آورد یا نه؟

ج جایز نیست مگر در مورد ضرورت. [۳۳۸]

[۷۷۱] س اگر حاجی از منی برگشته و هنوز طواف واجب را به جا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی به جا آورد یا نه؟

ج احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده، طواف مستحبی نکند.

آداب و مستحبات طواف

[۷۷۲] م در حال طواف، [۳۳۹] مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَدِيِّ يُمَشَى بِهِ عَلَى ظَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جِدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَدِيِّ يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ

جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبَتْ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) مَا تَقَدَّمَ مِنْ دُنْيِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا». و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَتِيْرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ، فَفِيْرُكَ، مَسِيْرُكَ بِبَابِكَ، فَتَصِدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبِيدُ عَبِيدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيْمٌ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ السَّقَمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقِهِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقِهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُوْدِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيْفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيْعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيْمَهُمَا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ

خَلْقِكَ وَجَنَّبَهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفُ لِي يَا أُمَّاطَلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدِيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ».

فصل پنجم: نماز طواف

اشاره

[۷۷۳] م واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره، دو رکعت نماز بخواند؛ مثل نماز صبح.

[۷۷۴] م می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند، مگر سوره های سجده، و مستحب است در رکعت اول، بعد از «حمد»، سوره «قل هو الله احد» را بخواند و در رکعت دوم، سوره «قل يا ايها الكافرون» را بخواند.

[۷۷۵] م جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

□ [۷۷۶] م شك در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است و

باید اعاده کند و بعید نیست اعتبار ظنّ در رکعات و در ظن در افعال احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

[۷۷۷] م احوط آن است [۳۴۰] که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود به جا آورد.

[۷۷۸] م واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود و احتیاط [۳۴۱] واجب آن است که پشت مقام به جا آورد [به طوری که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود و بهتر آن است که هرچه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لیکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

[۷۷۹] م اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد؛ به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می کند به واسطه دوری زیاد، [۳۴۲] در یکی از دو جانب به جا آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می خواند.

[۷۸۰] م اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را به جا آورد باید ملاحظه نزدیک تر را بکنند از میان دو جانب و پشت [۳۴۳] مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند و در دو طرف کافی نیست و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام ولیکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جایز بودن اکتفا به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در یک طرف با ملاحظه نزدیک تری و احوط اعاده نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.

[۷۸۱] م جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد به جا

آورد، اگر چه در حال اختیار، بلکه گفته اند که آن را می تواند عمداً ترک کند.

[۷۸۲] م اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۷۷۸ بعد ذکر شده عمل نماید.

[۷۸۳] م اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید، از همان جا سعی را رها کند و برگردد، دو رکعت نماز را بخواند، بعد از آن، سعی را از همان جا تمام کند.

[۷۸۴] م شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند، عمل کرده، اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد، اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده است.

[۷۸۵] م اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده، باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد، اگر چه در شهر دیگر باشد [۳۴۴] و برگشتن به حرم لازم نیست، اگر چه آسان باشد.

[۷۸۶] م اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسر بزرگ او، که آن را قضا کند؛ به نحوی که در کتاب «صلاه» تفصیل داده شده است.

[۷۸۷] م جاهل [۳۴۵] به مسأله، در احکامی که برای ناسی ذکر شد، شریک است با او.

[۷۸۸] م واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند،

چون بعضی گفته اند اگر نماز او درست نباشد عمره او باطل است و همچنین حج نیز باطل است. پس علاوه بر آن که به این قول، از حَجَّه‌الاسلام برائت ذمه پیدا نمی کند، ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود؛ مثل زن و چیزهایی که گذشت، بر او حلال نشود.

[۷۸۹] م اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش به جا آورد و کافی است و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اقتدا کند، لیکن اکتفا به نماز جماعت نکند؛ چنانکه نایب گرفتن نیز کافی نیست. [۳۴۶]

[۷۹۰] م نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر آن که مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

[۷۹۱] م اگر کسی از روی بی مبالایتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد، نماز را به هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است، لیکن معصیت کار است و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۷۸۹ عمل کند و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

[۷۹۲] م نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است، به خصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

استفتائات نماز طواف

[۷۹۳] س کسی نماز طوافِ عمره را در داخل حجر اسماعیل (ع) به جا آورده و

بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟

ج باید نماز را اعاده کند.

□ [۷۹۴] س شخصی بعد از طواف، وضویش باطل شد و خجالت کشید که بگوید، نمازش را بی وضو خواند و بعد از آن، سعی و تقصیر را انجام داد و مُحل شد، وظیفه او چیست؟

ج باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

[۷۹۵] س زنی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خواند و چون به منزل آمد، ملتفت شد که حائض شده است و تا وقوف به عرفات پاک نمی شود، وظیفه او نسبت به نماز چیست و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج عمره او صحیح است و باید برای حج تمتع محرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد، قبل یا بعد از آن، نماز طواف عمره تمتع را به جا آورد.

[۷۹۶] س کسی که هرچه سعی نمود موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟

ج به هر نحو قدرت دارد بخواند و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست. [۳۴۷]

[۷۹۷] س در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره ای بغیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

[۷۹۸] س آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا احد الجانین

آن نماز طواف خواند تا حدود منبر و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام، در صورت امکان، همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

ج در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز آن عذر باقی بوده اعاده واجب نیست.

[۷۹۹] س در مسأله شش نماز طواف، در تحریر الوسیله فرموده اید: «والأحوط الإقتداء بشخصٍ عادلٍ» و در مسأله اول نماز جماعت همان کتاب فرموده اید: «بَلْ مَشْرُوعِيهِ الْجَمَاعَةِ فِي صَلَاةِ الطَّوَافِ وَكَذَا صَلَاةِ الْإِحْتِيَاظِ مَحَلِّ اشْكَالٍ» بفرمایید منظور چیست؟

ج منظور از مشروعیت، صحت است و احتیاط مزبور استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.

[۸۰۰] س برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه؟

ج اکتفا به جماعت نباید بکنند و احتیاط [۳۴۸] در همه موارد سؤال حاصل می شود.

[۸۰۱] س کسی که قرائتش درست نیست، آیا می تواند تبرعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد؟

ج نیابت چنین شخصی صحیح نیست هر چند تبرعی باشد، مگر آن که بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی الأعدار محسوب نباشد، که در این صورت می تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

□ [۸۰۲] س افرادی با اینکه قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی توانند درست بگویند، در حج نایب

می شوند و عمره را به نیت منوب عنه انجام می دهند، بعد متوجه می شوند که نمی توانند نایب شوند، آیا چگونه از احرام خارج می شوند و برای حج چه وظیفه ای دارند؟

ج در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، بلی اگر ممکن نیست و معذور هستند احرام آنها صحیح واقع نشده و از احرام خارج هستند.

[۸۰۳] س کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکری که در نماز می گوید درست است و نماز طواف را؛ اعم از طواف زیارت و نساء، همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، آیا باید چه کند؟

ج اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح است.

[۸۰۴] س چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم (ع) می آید و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر اینکه چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرماید آیا حتماً نماز باید خلف مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دورتر تا هر جا که می تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند [۳۴۹] و در مورد ضرورت، تأخیر مانع ندارد با مراعات الأقرب فالأقرب.

[۸۰۵] س در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود، او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته، مانع ندارد و در غیر این

صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آن که وسوسه نباشد.

[۸۰۶] س آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، [۳۵۰] در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

[۸۰۷] س بین طواف و نماز آن، اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است. [۳۵۱]

[۸۰۸] س گاهی در پشت مقام ابراهیم (ع) جمعیت زیاد است و چون زن و مرد کنار هم قرار می گیرند، احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می شوند، بدون اینکه ریبه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی رساند؟

ج برای نماز ضرر ندارد. [۳۵۲]

[۸۰۹] س احیاناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند و جابجا می کنند، در عین حال نماز را شروع می کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج اگر صحیحاً تمام کند مانع ندارد.

[۸۱۰] س در مناسک فرموده اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه اش را یاد بگیرد، خصوصاً برای حج، حال اگر حاجی کوتاهی کرد و برای تعلم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می کند و یا اینکه باید نایب بگیرد و در صورتی که نیابت را لازم نمی دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج اگر وقت ضیق شود؛ به طوری که اگر بعد از طواف بخواهد نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت می شود، خودش هر طور می تواند بخواند.

[۸۱۱] س زنی مُحرم به

احرام عمره تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف، قبل از اینکه نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه دارد؟

ج اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و مُحرم شود به حج تمتع و بعد از طواف حج یا قبل از آن، نماز را بخواند و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

[۸۱۲] س کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی به جا بیاورد؟

ج اشکال ندارد.

□ [۸۱۳] س شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج باید نماز و سعی را به جا آورد و با فرض جهل یا نسیان، اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

[۸۱۴] س آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می شود؟

ج باید خلف مقام باشد.

[۸۱۵] س اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج فقط نماز را باید اعاده کند.

[۸۱۶] س اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

[۸۱۷] س شخصی نماز طواف را،

به اعتقاد اینکه حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج باید نماز را اعاده کند.

[۸۱۸] س آیا نماز طواف واجب را می توان با نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

ج صحت آن محل اشکال است. [۳۵۳]

[۸۱۹] س پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است و آیا حد معینی نمی توان برای آن فرض کرد؟

ج عرفی است.

[۸۲۰] س آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد و اصولاً چه مقدار فاصله مُخَلّ است؟

ج مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

[۸۲۱] س گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می رسد، آیا در این صورت می شود نماز طواف را پشت سر طواف

کنندگان به جا آورد و آیا صدق پشت مقام می نماید؟

ج صدق خَلْف، به نظر عرف است. [۳۵۴]

□ [۸۲۲] س شخصی مُحَرَّم به احرام عمره تمتّع، وارد مکه شده است و هفت روز مثلاً در مکه توقف دارد و نماز او غلطهای

زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه

دیگری دارد؟

ج لازم نیست تا آن وقت صبر کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه بین طواف و نماز نتواند غلطهای خود را

درست کند، به هر نحو می تواند نماز بخواند.

[۸۲۳] س این جانب چند سال قبل به مکه معظّمه مشرف شدم و در آن جا اولاً نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو

طواف واجب را که یکی عمره

مفرد و دیگری حج می باشد نخوانده ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شک می باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد اشواط کرده اید به شک اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده اید، اگر نمی توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید [۳۵۵] و تا نخوانده اید حرمت نساء باقی است.

مستحبات نماز طواف

[۸۲۴] م در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ Q اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق p بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبِيداً وَرِقاً لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَذَا إِذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَةِ بَيْتِي بِيَدِكَ فَأَعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَعْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَأَعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقَرَّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

فصل ششم: سعی و بعضی احکام آن

توضیح

[۸۲۵] م واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف، سعی کند بین صفا و مروه، که دو کوه معروف اند.

[۸۲۶] م مراد از «سعی» آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

[۸۲۷] م واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن

یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

[۸۲۸] م واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

[۸۲۹] م احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آن جا شروع به سعی کند [۳۵۶] و در صورتی که روی کوه برود و همان طور به نحو متعارف سعی کند کفایت می کند.

[۸۳۰] م در سعی مابین صفا و مروه جایز است سواره و بر روی محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر لیکن راه رفتن افضل است.

[۸۳۱] م طهارت از حدث و خَبْث و ستر عورت در سعی معتبر نیست، گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

[۸۳۲] م واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز، آن را اعاده کند.

[۸۳۳] م اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی آن است که آن را اعاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

[۸۳۴] م واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه، سعیش باطل است.

[۸۳۵] م اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، از هر طبقه جایز

است سعی کند گرچه احوط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

[۸۳۶] م اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه دار بود و سعی بین آن دو واقع شد صحیح است علی الظاهر و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

[۸۳۷] م واجب است در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه به آن جا و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد. پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لیکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد. [۳۵۷]

[۸۳۸] م جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی.

[۸۳۹] م جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

[۸۴۰] م جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر؛ از قبیل مرض.

[۸۴۱] م سعی از عبادات است و باید آن را بانیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد.

[۸۴۲] م سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

[۸۴۳] م زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

[۸۴۴] م اگر از روی فراموشی زیاد کند

بر سعی؛ چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را رها کند، [۳۵۸] گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

[۸۴۵] م اگر سعی را کم کند سهواً، واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید مراجعت کند و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد.

[۸۴۶] م اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بی‌اورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جایز است از همان جا سعی را تمام کند، لیکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، تمام کند و از سر بگیرد.

[۸۴۷] م با تمام کردن سعی، حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام.

[۸۴۸] م اگر فراموش کرد بعضی سعی را در عمره تمتع، پس به گمان اینکه اعمال عمره تمام شده، از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، واجب است برگردد و سعی را تمام کند و احتیاط واجب آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند.

[۸۴۹] م اگر فراموش کرد بعضی سعی را در عمره تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد، احتیاط واجب آن است که به دستور مسأله سابق عمل کند، بلکه احتیاط واجب آن است [۳۵۹] که در این دو حکم سعی در غیر عمره

تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در كفاره و اتمام.

□ [۸۵۰] م اگر شك کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر، اعتنا نکند و اگر شك کند بعد از آن که از عمل فارغ شد و منصرف شد، چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شك خالی از اشکال نیست، احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می دهد اتمام کند خصوصاً اگر شك در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترك کرده است سعی را، که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست و اگر شك در زیاده دارد و می داند ناقص نشده اعتنا نکند.

[۸۵۱] م اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری، شك در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همین طور اگر در بین رفت و آمد، شك در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند، اعتنا نکند.

[۸۵۲] م اگر در مروه شك کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده تر؛ مثل اینکه شك کند بین هفت و نه اعتنا نکند و اگر قبل از رسیدن به مروه شك کند که این دور هفت است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد؛ مثل شك بین یک و سه یا دو و چهار و هكذا.

□ [۸۵۳] م اگر طواف را در روزی به جا آورد و روز بعد شك کرد که سعی کرده است یا نه، بعید نیست بناگذاری بر آوردن، گرچه احتیاط در آوردن است، مگر آن که بعد از

تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقه سعی

[۸۵۴] م کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط آن است که سعی [۳۶۰] را اعاده کند، اگر چه اقوی کفایت همان سعی است.

[۸۵۵] م کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می آورد و سعی را شب انجام می دهد، اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد، [۳۶۱] اگر چه اقوی کفایت است.

[۸۵۶] م سعی در طبقه فوقانی، اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست [۳۶۲]

استثنائات سعی

[۸۵۷] س کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

ج می تواند [۳۶۳] به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

[۸۵۸] س اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست، به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند. [۳۶۴]

□ [۸۵۹] س کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا، گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفتند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل

او صحیح است یا خیر و کفاره دارد یا نه؟

ج عمل صحیح است و کفاره ندارد.

[۸۶۰] س کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده یا اگر قطع کرده، از جایی که سعی را قطع کرده یا مُحاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

□ [۸۶۱] س کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج لازم نیست ولی اختیاً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

[۸۶۲] س آیا زن هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می گیرند در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟

ج محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

□ [۸۶۳] س اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می شود که پنج شوط بوده، اولاً- آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟

ج باید سعی را اتمام کند و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

[۸۶۴] س شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده

و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته است که سعی صفا و مروه را به جا آورده ام و تقصیر نمود و محرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منی و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حج اظهار کرد؛ مثل اینکه من در اعمال عمره به صفا نیامده ام، همین طور گفته اند ان شاءالله آمده ای، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده و قبل از فوتش وصیت نموده است که برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالی چیست؟

ج ورثه می توانند شما را نایب کنند برای عمل حج تمتع، ولی باید نایب سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد. گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست. [۳۶۵]

[۸۶۵] س بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می روند و از طرف دیگر آن برمی گردند یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟
ج اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

[۸۶۶] س شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت گذاری کرده اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج اشکال دارد. [۳۶۶]

[۸۶۷] س شخصی در

سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شَوَط بعدی شروع نمی کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می آید و شروع می کند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می کنی جواب می دهد سعی می کنم، آیا مضرّ نیست؟

ج راه رفتن مزبور روی کوه مضرّ به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی صحیح است.

[۸۶۸] س آیا سعی کردن از همان جا که مریضها را با چرخ می برند و برمی گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگ های سیاه بعد از سنگ های صاف که بقایای کوه است Sjö

ج سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود و لازم نیست بالا برود.

[۸۶۹] س در مناسک فرموده اید کسی که بین صفا و مروه سعی می کند، واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد و بالعکس، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟
ج وضعی است.

[۸۷۰] س گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجدالحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

ج اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می رسد و بر فرض مخالفت چنانچه از

آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.

[۸۷۱] س زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی را؟

ج محل اشکال است. [۳۶۷]

[۸۷۲] س کسی که نمی تواند بدون سوار شدن در چرخهای معمولی در مَسِعی سعی کند لیکن تمکن مالی ندارد، چون آرز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه اش چیست؟

ج اگر می تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنباه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

[۸۷۳] س شخصی شَوط سوم سعی را بهم زد و با فاصله اندکی هفت شَوط دیگر به جا آورد و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج اشکال دارد [۳۶۸] و باید سعی را اعاده کند.

[۸۷۴] س شخصی به اعتقاد این که هر شَوط سعی، رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع می کند و در شَوط سوم متوجه مسأله می شود و سعی خود را به هفت شَوط خاتمه می دهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟
ج سعی او صحیح است.

[۸۷۵] س شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج باید آن مقدار را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است. [۳۶۹]

[۸۷۶] س سعی از طبقه دوم فعلی، که بالاتر از کوه صفا و مروه می باشد، جایز است یا نه؟

ج اشکال دارد. [۳۷۰]

□ [۸۷۷] س شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی، گاهی به عقب برمی گشته

و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

[۸۷۸] س شخصی سعی بین صفا و مروه را، پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود، انجام داده است و آنگاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج در فرض سؤال احوط اعاده سعی است. [۳۷۱]

[۸۷۹] س شخصی به تصور اینکه رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا برای اعاده آن مقداری وارد سعی شده و بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوبار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

[۸۸۰] س شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می کند و وضو می گیرد و هفت شوط دیگر سعی می نماید، تکلیف او چیست؟

ج اشکال دارد [۳۷۲] و باید سعی را اعاده کند.

[۸۸۱] س کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه؛ مثلاً می داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج فرض مزبور شک در اشواط است و مبطل است.

□ [۸۸۲] س اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج از احرام خارج شده و هر وقت یادش

آمد سعی را به جا آورد.

[۸۸۳] س اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شك کرد، تکلیف او چیست؟

ج مبطل است و باید سعی را اعاده کند.

[۸۸۴] س آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است و یا اختصاص به بعض دارد؟

ج در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد، که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد.

[۸۸۵] س اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می زند یا نه؟

ج ضرر نمی زند.

[۸۸۶] س شخصی در حال سعی در عدد اشواط شك می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و در فکر است که

عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آن که صد متر سعی کرد یا وارد شوط بعدی شد، یقین به عدد حاصل می شود و با

یقین، باقی سعی را هم انجام می دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج صحیح است.

مستحبات سعی

[۸۸۷] م مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را

بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

پس از آن، به نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی

دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی

که حجرالأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آنگاه این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعِيدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«أَسْأَلُكَ اللَّهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضَيِّعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْأَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا

را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَضْيَبِحْتُ أَتَّقِي عَذَابَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْزَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

و در حدیث شریف وارد شده است: هر کس که بخوهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرْزِدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه راه رود و از آن جا تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر

تند

رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آن جا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زن ها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِلَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و به جا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعاهای آن جا را به ترتیبی که ذکر شد.

و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطَى عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَغْفِرُ عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقِ التَّيِّبِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

فصل هفتم: تقصیر و بعض احکام آن

اشاره

[۸۸۸] م واجب است بعد از آن که سعی کرد [۳۷۳] تقصیر کند یعنی قدری از ناخن ها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط

است و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی کند بلکه حرام است. [۳۷۴]

[۸۸۹] م این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره اش می شود مگر آن که جبران کند.

[۸۹۰] م اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره اش صحیح است و مستحب است فدیة یک گوسفند و احتیاط آن است که فدیة بدهد.

[۸۹۱] م اگر عمداً [۳۷۵] تقصیر را ترک کند تا احرام بستن به حج، عمره او باطل می شود بنا بر اقوی و ظاهراً حج او حج افراد شود، و احتیاط واجب آن است که پس از تمام کردن حج افراد، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند. [۳۷۶]

[۸۹۲] م در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست و اگر بخواهد احتیاط کند طواف و نماز آن را رجائاً به جا آورد.

[۸۹۳] م بعد از آن که شخص مُحرم تقصیر کرد، حلال می شود بر او به غیر از تراشیدن سر هرچه حرام شده بود بر او به واسطه احرام، حتی نزدیکی با زن.

مسائل و استفتائات متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع

[۸۹۴] م در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

[۸۹۵] س آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات احرام را به جا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج با جهل کفاره

ندارد مگر در صید؛ به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

[۸۹۶] س کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، بعد به شك افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج اگر در حال عمل عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد. [۳۷۷]

[۸۹۷] س یکی از خدمه کاروان ها به احرام عمره مفرده از میقات محرم می شود و به مکه می آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به همان عنوان به جا می آورد، ولی برای تقصیر، گمان می کرد نتف؛ یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر کُند و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس برای عمره تمتع که وظیفه اش بود به میقات رفت و محرم شد و به مکه آمد و کلیه اعمال؛ از طواف تا تقصیر، را انجام داد، آیا اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه اش چیست؟

ج کندن مو در تقصیر کافی نیست و عمره تمتع او صحیح نیست مگر آن که قبل از احرام برای آن، از احرام عمره مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.

[۸۹۸] س اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج تقصیر را در هر جا می تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد.

[۸۹۹] س هر گاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج اشکال ندارد.

[۹۰۰] س شخصی

در حج به عوض تقصیر در عمره تمتع یک مو از بدن کنده است و الآن که متوجه شده است، آیا حج او اشکال دارد یا نه؟ و در صورتی که مرتکب خلاف شده باشد تکلیف چیست؟

ج اگر حج را انجام داده، با عمل مزبور از احرام فعلاً خارج شده است و چنانچه حج واجب بوده احتیاط آن است که یک عمره مفرده به جا آورد و بعداً عمره و حج تمتع را انجام دهد. [۳۷۸]

[۹۰۱] س شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را به جا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه اش چیست؟

ج اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.

[۹۰۲] س کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می دارند، اگر بعد از سعی تقصیر نمودند، آیا موجب مُجَلِّ شدن و یا کفاره می گردد؟

ج مُجَلِّ نمی شوند و اگر جاهل یا ساهی بوده اند کفاره ندارد.

[۹۰۳] س اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود، آیا کفایت می کند؟

ج در عمره تمتع کفایت نمی کند. [۳۷۹]

[۹۰۴] س کسی که بعد از انجام اعمال عمره، در منزل تقصیر کرده است، وظیفه اش چیست؟

ج مانع ندارد.

[۹۰۵] س حضرت عالی در مسأله دوم تقصیر می فرمایید: اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد عمره اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چیست؟ دیگر اینکه وظیفه او چه می شود؟

ج مقصود این است که در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر، برای حج محرم شود و حج انجام دهد، که در این صورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده است و در هر صورت لازم است حج تمتع را

سال بعد به جا آورد.

□ [۹۰۶] س اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده، اعاده تقصیر لازم نیست و اگر از اول سعی قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد.

[۹۰۷] س اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترک نمود چه حکمی دارد؟

ج در این مسأله جهل حکم عمد را دارد.

[۹۰۸] س در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟

ج باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الأحوط.

[۹۰۹] م بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره مفرده به جا آورده شود [۳۸۰] و اگر به جا آوردند صحت عمره مفرده محل اشکال است ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی شود.

[۹۱۰] م خدمه کاروانهای حج اگر عمره مفرده به جا آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می شوند و به جده می روند و برمی گردند لازم نیست محرم شوند [۳۸۱] ولی اگر عمره تمتع به جا آورده اند، بنا بر احتیاط نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که مُحرمند به احرام حج [۳۸۲].

[۹۱۱] س خدمه کاروان ها که پس از انجام عمره تمتع باید به عرفات و منی بروند، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر و برگردند به مکه، وظیفه آنان چیست؟

ج بنا بر احتیاط واجب نمی توانند از مکه خارج بشوند

مگر در مورد ضرورت و در این صورت باید برای حج محرم شوند و بیرون بروند. بلی اگر احرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن به عرفات و منی بر آنان ضرورت دارد می توانند بدون احرام به آن جا بروند. [۳۸۳]

[۹۱۲] س آیا بین عمره تمّتع و حج تمّتع ماشین کردن سر جایز است؟

ج ماشین کردن مانع ندارد ولی نباید سر را بتراشد و از ماشین کردنی که مثل تراشیدن است باید اجتناب شود علی الأحوط.

□ [۹۱۳] س بین عمره تمّتع و حج تمّتع که جایز نیست سر بتراشد، آیا سر تراشیدن کفاره دارد یا خیر؟

ج کفاره ثابت نیست.

[۹۱۴] س زنی که حیض بود و نمی دانست و اعمال عمره را کلاً به جا آورد، بفرمایید باید دوباره به جا آورد یا کافی است؟

ج اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد، در اینکه وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید. [۳۸۴]

[۹۱۵] س همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمّتع و قبل از احرام حج حرام است، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را داراست؟

ج غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

[۹۱۶] س آیا غارِ حِرا جزو محدوده مکه است؟ و بنا بر این، آیا می توان قبل از وقوف به آن جا رفت [۳۸۵] و صدق خروج از مکه نمی کند؟

ج باید از اهل محل تحقیق شود.

[۹۱۷] س کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمره تمّتع و قبل از حج از مکه خارج و به عرفات برود، با توجه به

اینکه حج او نیابتی است، آیا لطمه به حج او نمی زند؟

ج ضرر به حج و نیابت نمی زند، ولی در صورت امکان باید محرم شود به احرام حج و از مکه خارج شود علی الأحوط. [۳۸۶]

[۹۱۸] س بعضی از حجّاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمره تمتّع و قبل از احرام به حج تمتّع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج خروج از مکه بعد از عمره تمتّع جایز نیست علی الأحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید محرم شوند به احرام حج و خارج شوند. [۳۸۷]

[۹۱۹] س اخیراً خط کمربندی در اطراف مکه از پای جبل النور و جبل ثور می گذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس، چه صورت دارد؟

ج حکم کلی مسأله معلوم است و در مسأله قبل نیز بیان شد [۳۸۸] و تشخیص موضوع با خود مکلف است.

[۹۲۰] س خروج از مکه برای کسی که عمره تمتّع انجام داده، برای کار غیر ضروری جایز است یا نه و ملاک ضرورت چیست؟

ج بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و ضرورت عرفی است. [۳۸۹]

تبدل حج تمتّع به افراد

[۹۲۱] م اگر شخصی که احرام عمره بسته است، به واسطه عذری، دیر وقت وارد مکه شد؛ به طوری که اگر می خواست عمره به جا بیاورد وقت وقوف به عرفات می گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد و پس از به جا آوردن آن عمره مفرده به جا آورد و حج او صحیح و کافی از حجّه‌الاسلام است. [۳۹۰]

[۹۲۲] م اگر زنی احرام بست و

وقتی به مکه وارد شد، به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد و اگر می خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد، به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند. [۳۹۱]

[۹۲۳] م اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد، باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

[۹۲۴] م اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمره تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده و در سال دیگر حج را اعاده کند. [۳۹۲]

[۹۲۵] م مراد از تنگی وقت در مسأله های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی حجه است تا غروب.

[۹۲۶] م کسی که حج مستحب به جا می آورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج افراد به جا آورد و عمره مفرده بر او واجب نیست.

[۹۲۷] م کسی که محرم شد به احرام عمره تمتع از حج واجب و عمداً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، باید به دستوری که در مسأله ۹۲۴ ذکر شد عمل نماید.

[۹۲۸] م کسی که وظیفه اش حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد، به وقوف عرفات نمی رسد، می تواند [۳۹۳] از اول مُحَرَّم شود به حج افراد و آن را به جا آورد و پس از آن، عمره

مفرده به جا آورد و عملش صحیح است.

استفتائات تبدل

□ [۹۲۹] س کسی قصد بیرون رفتن از مکه را داشت، به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده مُحرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را به جا آورد، بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، آیا این عمره، از عمره تمتع کفایت می کند، یا باید برگردد به میقات و برای عمره تمتع مُحرم شود؟

ج اگر حج او استحبابی است می تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند ولی چنانچه حج واجب یا نیایی باشد، جواز تبدیل محل اشکال است.

[۹۳۰] س اگر بعد از نیت عمره و احرام، مجدداً برای عمره دیگر مُحرم شود، مثلاً به نیت عمره مفرده مُحرم شده بعداً نیت عمره تمتع کند و تلبیه بگوید، آیا کدام عمره صحیح است؟

ج اگر نیت کرده و تلبیه گفته، مُحرم شده است و تجدید احرام موضوع ندارد و نمی تواند برای نوع دیگر عمره نیت کند و احرام دوم باطل است.

[۹۳۱] س زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و مثلاً روز هفتم ماه پاک می شد، همان روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره اش را به جا آورد، روز بعد لک دید، باز غسل کرد و اعمال را انجام داد تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرد، روز یازدهم هم لک دید، آیا حجش افراد است یا تمتع؟

ج در فرض مزبور وظیفه او تمتع است.

[۹۳۲] س زنی روز هشتم خون دید، خیال کرد حیض است، احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، بعد که به عرفات رفت متوجه شد که استحاضه است،

وظیفه او چیست؟

ج اگر وقت عمره ضیق شده و طواف را عمداً تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است سپس عمره مفرده به جا آورد.

[۹۳۳] س این جانب مدیر گروه حج می باشم، اعمال حجی که انجام می دهم مستحبی است، آیا می شود به جای حج تمتع، نیت حج افراد نمود و به جای عمره تمتع، عمره مفرده انجام داد؟ و همچنین سایر خدمه، واجب الحج نیستند آیا می توانند چنین کنند؟

ج می توانند عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند و می توانند حج افراد به جا آورند، ولی میقات حج افراد مواقیت معروفه است.

[۹۳۴] س کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقاتها محرم شده است، آیا می تواند نیت حج افراد خود را به عمره تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع به جا آورد و همچنین آیا می تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره تمتع محرم شود؟

ج نمی تواند عدول کند و تبدیل نمی شود.

[۹۳۵] س شخصی با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و بعد از اعمال عمره، برای حج افراد محرم شده است، آیا حج او صحیح است؟

ج اگر از مکه خارج شده و از میقات برای حج افراد محرم شده بعید نیست صحت حج، ولی تمتع واقع نمی شود و اگر از مکه محرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت حج او صحیح نیست.

[۹۳۶] س شخصی در حرم برای حج افراد محرم

شده و بعضی از اعمال را انجام داده، وظیفه او چیست؟

ج اگر از روی جهل بوده، چنانچه ممکن نیست که به میقات برود و از آن جا محرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست محرم شود و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست تدارک کند و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

باب دوم: اعمال حج تمتع

فصل اول: احرام حج

اشاره

[۹۳۷] م واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

[۹۳۸] م اگر نیت کند حج تمتع را و لئیک های واجب را بطوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید، محرم می شود و لازم نیست قصد کند احرام بستن را و همچنین لازم نیست قصد کند ترک محرمات را، چنان که در احرام عمره گذشت. [۳۹۴]

[۹۳۹] م نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد و ریا موجب بطلان عمل است.

[۹۴۰] م کیفیت احرام بستن و لئیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

[۹۴۱] م تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد، در این احرام هم حرام است و آنچه کفاره داشت کفاره دارد، به همان ترتیب.

[۹۴۲] م وقت احرام موسع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد، می تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمی تواند عقب بیندازد.

[۹۴۳] م احتیاط واجب آن است که کسی که از عمره تمتع فارغ شد و محلّ گردید، از مکه خارج نشود بدون حاجت و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد احتیاط واجب آن است

که محرم شود به احرام حج و بیرون رود [۳۹۵] و به همان احرام برای اعمال حج برگردد.

[۹۴۴] م اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه، لیکن برگشت و احرام بست و حج به جا آورد، عملش صحیح است. [۳۹۶]

[۹۴۵] م مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط [۳۹۷] است.

[۹۴۶] م محل احرام حج، شهر مکه است هر موضع که باشد، گرچه در محله های تازه ساز، ولی مستحب است در مقام ابراهیم (ع) یا حجر اسماعیل (ع) واقع شود. [۳۹۸]

[۹۴۷] م اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر، از همان جا که هست مُحرم شود.

[۹۴۸] م اگر یادش نیاید که احرام نبسته، مگر بعد از تمامی اعمال، حجتش صحیح است ظاهراً [۳۹۹] و احتیاط مستحب آن است که اگر یادش آمد، بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال، تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

[۹۴۹] م جاهل به مسأله اگر احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته.

[۹۵۰] م اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.

استفتائات احرام حج

[۹۵۱] س فاصله بعضی از محلات جدید الاحداث مکه تا مسجدالحرام بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عرفاً از «توابع» مکه حساب شوند نه اینکه «جزو» مکه باشند؛ چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش، جهت مکه را مشخص نموده اند، با این

کیفیت آیا می توان برای حج در محلات فوق الذکر محرم شد؟

ج اگر از محلات مکه است مانع ندارد و اگر از محلات آن نیست یا مورد شک است کفایت نمی کند.

[۹۵۲] س اشخاص معذوری که می توانند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدانند، اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام دادند، چه صورتی دارد؟

ج کفایت نمی کند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال آنها را به جا آورند.

[۹۵۳] س حاجی در عرفات یا منی فهمید که در احرام حج، تلبیه نگفته است، آیا در لحظه التفات، تلبیه کافی است و تکلیف او چیست؟

ج اگر می تواند به مکه برود و محرم شود و بقیه اعمال را که باید با احرام انجام دهد به جا آورد، باید چنین کند و اگر ممکن نیست همان جا لبیک بگوید و اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده، عملش صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید.

[۹۵۴] س شهر مکه را چند رشته کوههای طولانی و مرتفع فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است، گاهی چند کیلومتر باید از این جانب کوه رفت تا به جانب دیگر رسید و ساکنین احد الجانبین، جدای از جانب دیگرند؛ مثل شعب بنی عامر که نزدیک مسجدالحرام است و عزیزیه که ۹ کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است و به حسب مسامحه عرفی، به همه این قطعات مکه گفته می شود، آیا احرام حج تمتع از تمام این نقاط و نقاط مشابه صحیح است یا نه؟

ج اگر در مکه است، احرام

حج از آن جا صحیح است هر چند از ساختمان های جدید الإحداث باشد.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

[۹۵۵] م اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيهِ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانِ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ مِنِّي وَهِيَ مِنِّي مَنِّيَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود و روانه شدن پیش از صبح مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَيَّمْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَيْتُ وَوَجَّهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

فصل دوم: وقوف به عرفات

توضیح

[۹۵۶] م واجب است وقوف به عرفات که محلی است معروف و محدود است به حدود معروفه به قصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

[۹۵۷] م مراد از وقوف، بودن در

آن مکان است؛ چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

□ [۹۵۸] م اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب و قوف او باطل است.

[۹۵۹] م به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

[۹۶۰] م تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین [۴۰۰] آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

[۹۶۱] م بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگر چه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

[۹۶۲] م آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

[۹۶۳] م اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حجش باطل است، و کفایت نمی کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

[۹۶۴] م اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از

عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابراین اقوی، لکن احتیاط در كفاره است به يك شتر، و همچنین [۴۰۱] اگر بدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست.

[۹۶۵] م اگر در فرض سابق مراجعت نکرد كفاره آن يك شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هر جا [۴۰۲] بخوهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب [۴۰۳] آن است که پشت سرهم روزه بگیرد.

[۹۶۶] م اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، لکن كفاره ندارد بنابراین اقوی، گرچه احوط است [۴۰۴] و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

[۹۶۷] م اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند، حکم او حکم کسی است که سهواً کرده است.

[۹۶۸] م اگر کسی به واسطه عذری، مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکنند، کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد و این زمان را وقت اضطراری عرفه می گویند.

[۹۶۹] م اگر کسی که به واسطه عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی عذر در عرفات وقوف نکند، ظاهراً حج او باطل می شود، اگر چه درک

کند و قوف به مشعر را.

[۹۷۰] م اگر کسی به واسطه فراموشی یا غفلت یا عذر دیگر ترک کند و قوف به عرفات را در روز نهم، که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است، کفایت می کند در صحیح بودن حج او که و قوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد.

استفتائات و قوف به عرفات

[۹۷۱] س حدودی که برای عرفات و مُزْدَلِفَه و منی مشخص شده است جهت انجام مناسک، اعتبار دارد یا نه؟

ج چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

[۹۷۲] س کراهت صُعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت و قوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج در وقت و قوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.

[۹۷۳] س شخصی و قوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مَشْعَر، مُغْمَى علیه شده است، بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد وظیفه اش چیست و اگر بعد از اغما او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذی حجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج با فرض اینکه عذر او فقط اغما است، پس از به هوش آمدن، اگر ممکن است اعمال حج را اتمام کند و در هر صورت سال بعد حج را اعاده کند و برای احراز خروج از احرام بعد از اتمام حج، عمره مفرده ای اتیان نماید.

[۹۷۴] س زنی که عادت ماهانه اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتع مُحْرَم می شود و در روز هشتم ذی حجه که

روز ششم عادت او است پاک می گردد و غسل می کند و اعمال عمره تمتع را انجام می دهد و برای حج تمتع مُحرم می شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لک می بیند و نمی داند که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صحیح باشد یا قبل از تمام شدن ده روز از اول عادت قطع می شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین فرض اگر در مشعر لک دید چه کند؟

ج عمل به احتیاط کند و راه احتیاط، انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد بلکه به قصد مافی الذمه، با قربانی در منی و اتیان عمره مفرده بعد از آن است، و چنانچه قصد تمتع کرده و بعد از انجام بعض اعمال حج کشف خلاف شده، اکتفا به این حج نکند. [۴۰۵]

[۹۷۵] س در فرض مسأله فوق، اگر در عرفات یا مشعر لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده، باید چه کند با توجه به اینکه وقت وقوف اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج مورد عدول به افراد است.

[۹۷۶] س وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج وقوف اضطراری عرفه در شب عید است و شب تا طلوع فجر است.

مستحبات وقوف به عرفات

[۹۷۷] م در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱ با طهارت بودن در حال وقوف.

۲ غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.

آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.

۴ نسبت به قافله ای که از مکه می آید، وقوفِ شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.

۵ وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است.

۶ در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.

۷ قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَادِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَلَا تَخَدِّعْنِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتَ بِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكَ الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ»

وَأَطَلَّتْ عُمرَهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ المَوْتِ».

۸ این دعا را بخواند:

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ القَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاثِي (براءتی خ ل) وَبِعِصْمَتِكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الفَقْرِ وَمِنَ الصَّيْدُورِ وَمِنَ شَتَاتِ الأَمْرِ وَمِنَ عَذَابِ القَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصِيرَتِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِقِي وَمَفْعَيْدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹ آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ المُلْكُ وَلَهُ الحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

پس، از اولِ سوره بقره ده آیه بخواند، پس سوره توحید سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى العَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَنِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنَّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ العَالَمِينَ * اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ المُعْتَدِينَ

* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.

پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید و همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن، که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد (علیهم الصلاه والسلام) زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ».

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمِيعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رِسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِأَسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ

دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس بخوان این دعا را:

«اللَّهُمَّ فَكِنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰ آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشَدَّتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْبَسَنِي عَافِيَتِكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و بدان که ادعیه و آمده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و دعای حضرت زین العابدین (سلام الله علیه) را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيِّدَا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحَاجِجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتْ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ

قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگویند: «اللَّهُمَّ اعْتِقِنِي مِنَ النَّارِ».

فصل سوم: وقوف به مشعرالحرام

اشاره

[۹۷۸] م بعد از آن که از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعرالحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

[۹۷۹] م احتیاط واجب که شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام به سر ببرد و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب.

[۹۸۰] م چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعرالحرام کند تا طلوع آفتاب و چون این وقوف عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریا و خودنمایی وقوف کند و الا حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم، باطل خواهد شد.

[۹۸۱] م اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

[۹۸۲] م واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب (به طوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است اگر چه به قدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می آید حج او باطل خواهد شد.

[۹۸۳] م جایز است برای کسانی که عذری دارند، قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منی مثل زن ها و

بچه ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند و احتیاط واجب [۴۰۶] آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنا بر این برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.

□ [۹۸۴] م کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع صبح عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است، بنابر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند کفاره بدهد، لکن احتیاط برخلاف آن است؛ یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر حجش را اعاده کند و این احتیاط ترک نشود.

[۹۸۵] م کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را، در صورتی که صاحب عذر باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگر چه کم باشد حج او صحیح است.

[۹۸۶] م از آن چه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم، که اضطراری مشعر است؛ چنانکه قسم اول نیز اضطراری است.

[۹۸۷] م چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها

در وقت اختیاری یا اضطراری، مفرداً و مرکباً، و به ملاحظه ترک عمدی یا جهلی یا نسیانی، اقسام زیادی دارد که در این جا آنچه مورد ابتلا ممکن است بشود، ذکر می شود:

اول آن که مکلف درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری؛ یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند. پس اشکالی در صحت حج او نیست.

دوم آن که هیچیک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او و باید به همان احرام حج عمره مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن، به جا آورد و از احرام محلّ شود و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند و باید سال دیگر حج به جا آورد، اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه عذر باشد.

□ [۹۸۸] م اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد، از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.

[۹۸۹] م احتیاط مستحب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد نیت عدول به عمره مفرده بکند.

سوم آن که درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز؛ یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حج او باطل است و الاً صحیح است.

چهارم آن که درک کرده باشد اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه، پس

اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک کرده، حج او باطل است و الاً صحیح است.

□ پنجم آن که درک کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر؛ یعنی قبل از طلوع صبح، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده است، چنانچه گفته شد، حج او صحیح است و الاً باطل است بنا بر احتیاط واجب.

□ ششم آن که درک کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفه را، پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمداً ترک کرده باشد حجبش باطل است بنا بر اقوی در یکی، و بنا بر احتیاط در دیگری که اختیاری مشعر باشد، و اگر به غیر عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم آن که درک کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترک یکی از دو اختیاری را عمداً کرده باشد حج او باطل و الاً صحت بعید نیست، گرچه احتیاط اعاده است در سال بعد، با حاصل بودن شرایط وجوب.

□ هشتم آن که درک کند اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد و الاً حج او باطل است.

نهم آن که درک کند اضطراری عرفه را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دهم آن که درک کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمداً ترک نکرده باشد و الاً حج او باطل است.

□ یازدهم آن که درک کند اضطراری روز مشعر

را فقط، در این صورت حج او باطل است.

□ دوازدهم آن که درک کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد، ظاهراً حج او صحیح است و الا باطل است.

استفتائات وقوف به مشعر الحرام

□ [۹۹۰] س عده ای در شب دهم ذی حجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آن جا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند این جا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود، معلوم شد مشعر نبوده، آیا نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج احتیاطاً این حج را اتمام کنند و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهند و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد حج را اعاده کنند.

[۹۹۱] س اگر به گفته مدیر گروه که می گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی تواند آن را درک نماید، اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک نماید آیا اشکالی ندارد؟

ج اگر برای خود شخص عذر حاصل شده، کفایت می کند.

[۹۹۲] س خدمه ای که با زن ها، قبل از طلوع فجر، به منی می روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می رسانند و وقوف رکنی مشعر را درک می کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج اگر از ذوی الأعدا نبوده اند که نیابت آنها صحیح است در فرض مرقوم حجشان نیابتاً صحیح است؛ هر چند مرتکب حرام شده اند.

[۹۹۳] س کسی که نمی دانسته وقوف اختیاری مشعر، بین طلوعین است، پس از آن وقوف اضطراری را درک کرده،

وظیفه او چیست؟

ج اگر جهل او قصوری و عذری باشد، نه تقصیری و ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانع ندارد.

□ [۹۹۴] س شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به منی برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصد داشته است که مجدداً به مشعر برگردد ولی در منی خوابش برده، وظیفه چنین حاجی ای چیست؟

ج با فرض اینکه ترک اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است، ولی اگر شب نیت وقوف نداشته، باید اضطراری روز را درک کند، ولی اگر نایب است کافی نیست.

مستحبات وقوف به مشعر الحرام

[۹۹۵] م بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْقِئِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَناسِكِي».

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز شام و خفتن را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه نزول نماید و اگر حاجی ضروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و

مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعِيدَتِي وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

و مستحب است سنگ ریزه هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي».

فصل چهارم: واجبات منی

اول رمی جمره عقبه

یعنی ریگ انداختن به جمره، که نام محلی است در منی

[۹۹۶] م شرط است در سنگی که می خواهد بیندازد به آن، «حصی» یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آن قدر ریز باشد

که ریگ به آن گفته نشود مثل «شن» کافی نیست و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست و اما اقسام سنگ ها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

[۹۹۷] م شرط است که سنگ ها از حرم باشد و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که مباح باشد می تواند بردارد مگر مسجدالحرام و مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنا بر احوط و مستحب است از مشعر بردارد.

[۹۹۸] م شرط است که سنگ ها بکر باشند؛ یعنی آنها را خودش یا کس دیگری به وجه صحیح نینداخته باشد، اگر چه در سال های قبل.

[۹۹۹] م شرط است که مباح باشد، پس با سنگ غضبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

[۱۰۰۰] م وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد، تا روز سیزدهم می تواند به جا آورد و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً [۴۰۷] در سال دیگر خودش یا نایبش بیندازد.

[۱۰۰۱] م واجب است در انداختن سنگ ها چند امر:

اول نیت، با قصد خالص، بدون ریا و نمایش دادن عمل به غیر، که موجب بطلان می شود.

دوم آن که آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم آن که به انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جایی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است

چهارم عدد سنگ ریزه ها باید هفت باشد.

پنجم باید به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت، اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

[۱۰۰۲] م اگر شك کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جایز است به آن بیندازد.

[۱۰۰۳] م اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده اند، اعتنا نکند.

[۱۰۰۴] م اگر شك کند به سنگی که می خواهد بیندازد «حصی»؛ یعنی ریگ گفته می شود، باید به آن اکتفا نکند.

[۱۰۰۵] م اگر شك کند در عدد انداختن، در وقتی که مشغول عمل است، باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند و همچنین اگر شك کند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه، باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

[۱۰۰۶] م اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید، باید دو مرتبه بیندازد، اگر چه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است. پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتهاً به آنها رمی کرده، کافی نیست و باید اعاده کند، اگر چه در سال دیگر به وسیله نایش.

[۱۰۰۷] م اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی حساب می شود؛ چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

[۱۰۰۸] م جایز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

□ [۱۰۰۹] م باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان بیندازد کافی نیست،

ولی بعید نیست با «فلاخن» کافی باشد.

[۱۰۱۰] م اگر بعد از آن که سنگ را انداخت و از محل منصرف شد، شک کند در عدد سنگ ها، اگر شک در نقیصه کند، احتیاط آن است که برگردد و نقیصه را تمام کند و در شک در زیاده اعتنا نکند.

[۱۰۱۱] م اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شک کند در انداختن سنگ یا در عدد آن، اعتنانکند.

□ [۱۰۱۲] م اگر بعد از فارغ شدن شک کند در اینکه درست انداخته یا نه، بنابر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخری به محل شک کند باید اعاده کند، ولی اگر رسیدن را دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل انداخته باشد، اعتنا نکند.

[۱۰۱۳] م ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

[۱۰۱۴] م در انداختن سنگ ها شرط نیست طهارت از حدث یا خبث و در خود سنگ ها نیز طهارت شرط نیست.

[۱۰۱۵] م از بچه ها و مریضها و کسانی که نمی توانند به واسطه عذری مثل اغما خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.

[۱۰۱۶] م مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.

[۱۰۱۷] م اگر مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد، بعد از آن که نایب سنگ ها را انداخت، لازم نیست خودش اعاده کند و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد، باید خودش از سر، سنگ بیندازد و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است. [۴۰۹]

[۱۰۱۸] م کسانی که عذر

دارند از اینکه روز رَمی کنند، می توانند شب عمل کنند هر وقت شب که باشد. [۴۱۰]

مستحبات رَمی جمرات

[۱۰۱۹] م در رَمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱ با طهارت بودن در حال رمی.

۲ هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته و آماده رَمی است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأُحْصِيَنَّ لِي وَأُزْفَعُنَّ فِي عَمَلِي».

۳ با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

۴ هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا».

۵ میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی کنار جمره بایستد.

۶ جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رَمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رَمی نماید.

۷ سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.

۸ پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

دوم ذبح (قربانی)

اشاره

[۱۰۲۰] م واجب است بر کسی که حج تمتع به جا می آورد، ذبح یک هدی؛ یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند و

شتر افضل است و پس از آن گاو بهتر است. [۴۱۱]

[۱۰۲۱] م کفایت نمی کند برای چند نفر به شرکت، یک هدی در حال اختیار، بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است و

احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می شود.

سایر حیوانات، غیر از سه حیوان مذکور، کافی نیست.

[۱۰۲۳] م در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول آن که [۴۱۲] اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو است بنا بر احتیاط واجب، کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد و همچنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد و در میش به احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد. [۴۱۳]

دوم باید صحیح باشد، پس حیوان مریض کافی نیست، حتی مثل کچلی بنا بر احتیاط .

سوم باید خیلی پیر نباشد.

چهارم باید تام الأجزاء باشد و ناقص کافی نیست. پس اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنا بر اقوی کافی نیست و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و دم بریده و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد. [۴۱۴]

پنجم باید لاغر نباشد و اگر در گرده او پیه باشد کافی است، و احتیاط آن است که آن را در عرف لاغر نگویند.

ششم باید «خصی» نباشد؛ یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

هفتم باید بیضه آن را نکوبیده باشند به احتیاط [۴۱۵] واجب.

هشتم باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد، بعید نیست کفایت، اگر چه خلاف احتیاط است. [۴۱۶]

نهم در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

[۱۰۲۴] م اگر غیر از خصی یافت نشود، بعید نیست

کفایت ذبح خصی، گرچه احتیاط در جمع بین آن و سالم است در ماه ذی حجه همان سال و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه.

[۱۰۲۵] م گاومیش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته اند کراهت دارد.

[۱۰۲۶] م اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد اشکال ندارد و شاخ خارج؛ شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

[۱۰۲۷] م شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد و احتیاط آن است که چنین نباشد.

[۱۰۲۸] م باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب.

[۱۰۲۹] م یک گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هرچه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صد شتر همراه آوردند، سی و چهار تای آنها را برای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.

[۱۰۳۰] م اگر هدی یافت نشود، قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی حجه بگیرد و در منی ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشود، سال بعد این کار را بکند.

□ [۱۰۳۱] م اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن که گذشت) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و یک هدی تام هم در بقیه ذی حجه و اگر نشد در سال آینده ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هدی ناقص و هدی تام؛ به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

[۱۰۳۲]

م احتیاط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.

[۱۰۳۳] م اگر به واسطه عذری مثل فراموشی یا غیر آن، ذبح را در روز عید نکرد، احتیاط واجب آن است که در ایام «تشریق» ذبح کند و اگر نشد در بقیه ماه ذی حجه و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.

[۱۰۳۴] م اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده، کافی نیست و باید دوباره ذبح کند. [۴۱۷]

[۱۰۳۵] م اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است، کافی است.

[۱۰۳۶] م اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق درآید، برای اطاعت خدا رجائاً ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است، کافی است.

[۱۰۳۷] م اگر احتمال نمی داد که حیوان چاق است یا احتمال می داد لکن از روی بی مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند، کافی نیست.

□ [۱۰۳۸] م اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد، بعد معلوم شد چاق است، احتیاط واجب در اعاده است.

[۱۰۳۹] م اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطه جهل به مسأله، برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است ظاهراً کافی باشد.

□ [۱۰۴۰] م احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند و یک قسمت را صدقه بدهند و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند و لکن هیچ یک از این احتیاطها واجب

نیست و اگر صدقه را به فقرای کفار بدهد یا آن که تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه فقراء نیست لیکن احتیاط؛ خصوصاً در خوردنِ قدری از ذبیحه، خیلی مطلوب است.

[۱۰۴۱] م جایز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نایب کند و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

[۱۰۴۲] م احتیاط واجب [۴۱۸] آن است که ذابح مؤمن باشد، بلکه خالی از قوت نیست و همین طور در ذبح کفارات.

[۱۰۴۳] م در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد، کفایت نمی کند [۴۱۹] و باید دو مرتبه قربانی کند، هرچند در وقت قربانی متوجه نشود که ذابح مؤمن نیست یا جاهل به مسأله باشد.

[۱۰۴۴] م ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

[۱۰۴۵] م احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند، آن را معاینه کنند، اگر چه اقوی در احتمال آن که عیبی حادث شده باشد، مثل آن که احتمال بدهد گوش یا دمش را بریده اند یا آن را خصی کرده اند، عدم لزوم معاینه است و احتیاط در عیب هایی که محتمل است از حال تولد داشته و مادر زاد بوده، ترک نشود.

[۱۰۴۶] م اگر بعد از ذبح کردن، احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را، اعتنا نکند.

[۱۰۴۷] م اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح، و نایب انجام داد، و بعد از آن شخص محرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد، به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

[۱۰۴۸] م

اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان به اینکه عمل کرده است و گمان کفایت نمی کند.

[۱۰۴۹] م اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع، در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن، عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و باید دو مرتبه ذبح کنند.

□ [۱۰۵۰] م اگر نایب از روی اشتباه یا جهل، برخلاف دستور عمل کند، اگر برای عمل اجرت گرفته است ضامن است و الا معلوم نیست ضامن باشد و در هر صورت باید اعاده شود.

چند مسأله راجع به بدل ذبیحه

[۱۰۵۱] م اگر قادر نباشد بر ذبح، باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

[۱۰۵۲] م مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد، آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را.

[۱۰۵۳] م اگر می تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح کند.

□ [۱۰۵۴] م اگر می تواند بدون مشقت چیزی که زاید از مؤونه سفر است بفروشد، باید بفروشد، و هدی بخرد، لکن لباس را هرچه باشد لازم نیست بفروشد.

[۱۰۵۵] م لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند، لیکن اگر کسب کرد و تهیه کرد، باید ذبح کند.

□ [۱۰۵۶] م اگر چه لباس را لازم نیست بفروشد لکن اگر لباس زاید داشت و فروخت، ظاهراً باید ذبح کند و احتیاط آن است که روزه هم بگیرد.

□ [۱۰۵۷] م این سه روز روزه را باید در ماه ذی حجه بگیرد و

احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد و جلوتر نگیرد.

[۱۰۵۸] م باید این سه روز دنبال هم باشد.

[۱۰۵۹] م اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشتم و نهم بگیرد و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق، که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است، بگیرد.

[۱۰۶۰] م این سه روز روزه را در ایام تشریق، در منی جایز نیست بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است، چه حج به جا بیاورد یا نه.

[۱۰۶۱] م احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته، آن است که بعد از مراجعت از منی سه روز روزه بگیرد که اول آن، روز کوچ کردن است؛ یعنی سیزدهم و متوالی بگیرد و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

[۱۰۶۲] م اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

□ [۱۰۶۳] م جایز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاد، تا آخر ذی حجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگر چه احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق فوراً بگیرد.

[۱۰۶۴] م این سه روز را در سفر می تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جایز است بگیرد.

□ [۱۰۶۵] م اگر سه روز

روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی، لازم نیست ذبح کند، لیکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

[۱۰۶۶] م اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی حجه تمام شد باید هدی را خودش یا نایبش در منی ذبح کند و روزه فایده ندارد.

[۱۰۶۷] م باید این سه روز روزه را، بعد از احرام به عمره به جا آورد و قبل از آن نمی تواند.

[۱۰۶۸] م هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج، روزه بگیرد.

□ [۱۰۶۹] م احتیاط واجب آن است که پی در پی به جا آورد.

[۱۰۷۰] م جایز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانست به وطن خود مراجعت کند، جایز است به جا آورد و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

[۱۰۷۱] م در این ایام که با هواپیما مراجعت می کنند، بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جایز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می رساند صبر کند و روزه بگیرد لیکن احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز را نکند.

[۱۰۷۲] م اگر در غیر مکه؛ چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش، اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آن جا بگیرد، اگر چه به مقداری صبر کند که اگر راه می پیمود به وطن می رسید.

[۱۰۷۳] م ابتداء ماهی را که اگر بماند در

مکه جایز است روزه را بگیرد و همینطور ابتداء حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.

[۱۰۷۴] م اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آن که روزه بگیرد مرد، واجب است ولی او سه روز را قضا کند بنا بر اقوی، و هفت روز دیگر را بنا بر احتیاط واجب.

[۱۰۷۵] م لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود، در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد می تواند بگیرد.

[۱۰۷۶] م اگر متمکن از سه روز روزه نشد، در مکه و برگشت به محل خود، در صورتی که ماه ذی حجه باقی است می تواند در محل بگیرد، لیکن با هفت روز روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هدی ذبح کند، اگر چه به وسیله شخص امینی باشد.

مسائل متفرقه هدی

□ [۱۰۷۷] م تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست، و فروش یا هبه سهم فقیر، قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است. بنا بر این، عمل بعضی، که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر، ثلث فقیر را از قربانی بخود حاجی می فروشند یا هبه می کنند صحیح نیست.

[۱۰۷۸] م گفته می شود که در منی مسلخ فعلی، کمی در وادی مُحَسَّر ساخته شده و در این صورت، هر چند در صورت امکان ولو تا آخر ذی حجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است. [۴۲۰]

[۱۰۷۹] م کسی که اجیر در حج است، می تواند برای قربانی شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور، نیت قربانی حجی که موکلش

از طرف موکل خود انجام می دهد را می نماید.

[۱۰۸۰] م تأخیر ذبح از روز عید عمداً، جایز نیست علی الأحوط، لکن اگر تأخیر شد عمداً یا جهلاً یا نسیاناً، ذبح در شب کفایت می کند.

[۱۰۸۱] م کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند، می توانند قبل از اینکه حلق یا تقصیر کنند، قربانی دیگری را ذبح نمایند.

استفتائات قربانی

[۱۰۸۲] س جمعی از حجاج پول روی هم می گذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند می خرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر قصد می کند و قربانی می کند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت با اینکه همه به یک اندازه پول داده اند چه وضعی پیدا می شود؟

ج اگر صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

[۱۰۸۳] س کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده اند و او ذبح نموده است و بعد، حلق و اعمال مترتبه را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند، وظیفه آنان چیست؟

ج ذبح را اعاده کنند و حلق و اعمال مترتبه صحیح است. [۴۲۱]

[۱۰۸۴] س کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجه شده و در عین توجه، عمداً بدون تجدید قربانی حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا مُحَلَّ شده است یا نه و آیا فقط قربانی باید بکند یا همه اعمال را اعاده نماید؟

ج با فرض اینکه احتمال صحّت اعمالی را که بعد از قربانی اتیان کرده می داده، مُحَلَّ شده است و فقط قربانی بر عهده او است و اعمالش

صحیح است. [۴۲۲]

[۱۰۸۵] س در مسأله قربانی در مسلخ جدید، عبارت نقل شده از حضرت عالی صراحت در حکم ندارد، لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

ج ذبح در مسلخ جدید مُجزی است.

[۱۰۸۶] س آیا در شرایط قربانی، تحقیق لازم است که یقین به بودن شرایط حاصل شود یا لازم نیست؟

ج در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان، فحص لازم نیست و در صورت شک می تواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان یا مؤمن بودن ذابح، [۴۲۳] لازم است یقین حاصل شود.

[۱۰۸۷] س در مگه جیب کسی را زدند و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد [از] طی مراحل قانونی، حاکم آن جا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج اگر می داند که پول خود او است، مانع ندارد.

[۱۰۸۸] س شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی می نماید، به این خیال که اذن فحوی از او دارد و مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده ام او راضی است و خوشحال هم می شود، این نحو قربانی کافیست یا نه؟

ج کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد. [۴۲۴]

[۱۰۸۹] س روز عید، بعض اشخاص به قربانگاه می روند و بدون این که در قربانی نیابت داشته باشند، خودشان برای رفقاییشان قربانی می کنند، آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی

نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج کفایت نمی کند [۴۲۵] و پول از مال کسی خارج می شود که خرج کرده است مگر آن که غروری در بین باشد.

[۱۰۹۰] س در قربانگاه، حجاج و صاحب گوسفند یک قرار می دهند که هر چند رأس گوسفندی که می خواهند، هر یکی به فلان مبلغ و نام می برد، حاجی هم قبول می کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می کشد، بعد می رود با صاحب گوسفند حساب می کند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

ج اشکال ندارد.

[۱۰۹۱] س در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار می گذارند که ده گوسفند را جدا می کنیم و قربانی می کنیم از قرار یکی دویست ریال سعودی مثلاً، در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان می آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی می کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانیهای آنان درست است یا خیر؟

ج اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانع ندارد.

[۱۰۹۲] س غیر مؤمن مشغول سر بردن قربانی بود، شخصی که برای او قربانی می شد دست گذاشت روی دست ذابح و فشار می داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می شد، آیا این قربانی صحیح است؟

ج اگر خودش ذبح نکرده، صحیح نیست. [۴۲۶]

[۱۰۹۳] س در روز عید قربان معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می شوند و می آیند قربانگاه، اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفه

نایب چیست؟

ج باید قربانی کند.

[۱۰۹۴] س آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج صحیح نیست. [۴۲۷]

[۱۰۹۵] س اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه اش چیست؟

ج بر حج او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید در سال آینده در منی انجام دهد و اگر در ماه ذی حجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

[۱۰۹۶] س شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد، بعد از رسیدن به منزل، یقین پیدا کرد پول ۹ رأس گوسفند را داده است، وظیفه اش نسبت به پول یک رأس که نداده چیست؟ ضمناً با مراجعه به قربانگاه صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تصرف کند و بعد از مراجعت به ایران پول ایرانی به حاکم شرع بدهد و یا صدقه بدهد یا نه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج با یأس از شناسایی صاحبش، از طرف او به فقیر صدقه دهد و باید یا ریال بدهد و یا قیمت بالا را بدهد.

[۱۰۹۷] س شخصی قربانی نمی کند به اعتقاد اینکه گوشت گوسفند تلف می شود و از آنان استفاده ای نمی شود و با همین کیفیت تقصیر کرده، اعمال حج را انجام

می دهد، وظیفه او چیست؟

ج اگر جاهل بوده و فکر می کرده که عملش صحیح است، از احرام خارج شده ولی قربانی بر ذمه او است.

[۱۰۹۸] س آیا مُحْرَم می تواند قبل از ذبح گوسفندِ خود، برای دیگری ذبح نماید؟

ج مانع ندارد.

[۱۰۹۹] س اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح احراز کرد و بعداً معلوم شد خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می کند؟

ج کفایت نمی کند. [۴۲۸]

[۱۱۰۰] س اگر قربانی از وجه غیر مُخَمَّس باشد چه صورت دارد؟

ج کفایت نمی کند. [۴۲۹]

[۱۱۰۱] س در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می توان گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده اند) را ذبح نمود؟

ج اگر غیر خصی و مرضوض یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است. [۴۳۰]

[۱۱۰۲] س شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رمی نموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟

ج کفایت می کند.

[۱۱۰۳] س شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرد و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟

ج اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.

[۱۱۰۴] س شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید، بعد از ذبح متوجه مسأله شده است، وظیفه او چیست؟

ج اگر مؤمن بودن ذابح معلوم نیست، باید دو مرتبه قربانی کند. [۴۳۱]

[۱۱۰۵] س کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا

وکیل می تواند به دیگری وکالت دهد؟

ج اگر وکالت داده که وکیل خودش قربانی کند، نمی تواند به دیگری بدهد.

[۱۱۰۶] س اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد، [۴۳۲] آیا تکرار آن باید در ایام تشریق باشد؟

ج اگر در بقیه ذی حجه، تا آخر آن هم قربانی شود کافی است، اگر چه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست. [۴۳۳]

[۱۱۰۷] س مُحرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح نجس شده، می تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می کند، در لباس احرام نجس باشد؟

ج در صورت امکان باید لباس خود را تطهیر کند و اگر نکرد ضرری به احرام یا ذبح ندارد.

[۱۱۰۸] س در مناسک نوشته شده: واجب است احتیاطاً، که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند، حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد؟

ج قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود. [۴۳۴]

□ [۱۱۰۹] س بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود، چه صورتی دارد؟

ج کار حرامی است، لکن ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می کند.

[۱۱۱۰] س می فرمایید اگر ذبح در منی تا آخر ذی حجه ممکن شود باید ذبح را تأخیر بیندازد، آیا اجازه می دهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هرچند ده روز طول بکشد؟

ج باید مراعات ترتیب شود علی الأحوط. [۴۳۵]

[۱۱۱۱] س آیا حکم گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده اند، با گوسفندی که تخمهایش

را تاییده اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت، اگر تخمهای گوسفندی را تاییده باشند، آیا برای هَدی مُجزی است یا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بیان فرمایید.

ج بنا بر احتیاط واجب باید تاییده هم نشده باشد. [۴۳۶]

[۱۱۱۲] س حیوانی را که برای هدی ذبح می کنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود و یا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.

[۱۱۱۳] س اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن متوجه شد که سن هَدی کمتر از حد نصاب است وظیفه چیست؟

ج اعاده لازم است.

[۱۱۱۴] س اگر روحانی کاروان می داند که احرامی او در روز عید در مسلخ به خون آلوده می شود و به جهت اینکه روحانی است و باید بر اعمال حجاج نظارت داشته باشد مدت چند ساعت لباس احرامی او خون آلود است، آیا با علم به نجس شدن و طولانی بودن آن تکلیف او چیست؟

ج اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است اشکال ندارد.

[۱۱۱۵] س روحانی کاروانی نایب است و می داند که برای نظارت بر اعمال حج حجاج در قربان گاه لباس او به خون آلوده می شود و به جهت مسؤولیتی که دارد در قربان گاه معطل می گردد، آیا با علم به این جهت، نیابتش در حج

اشکالی دارد؟

ج نیابت اشکال ندارد.

[۱۱۱۶] س بعضی از محله های جدید مکه، در منی ساخته شده است، آیا در آن جا می شود قربانی نمود یا خیر؟

ج اگر در منی است مانع ندارد، ولی بدون احراز این که در منی است، صحیح نیست.

[۱۱۱۷] س انسان شک می کند که در سال یا سالهای گذشته ذبح قربانی اش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه اش چیست؟

ج اگر در حال عمل، مسأله را می دانسته و ملتفت بوده و شک بعد از عمل است، اعتنا نکند و در غیر این صورت باید قربانی را اعاده نماید. [۴۳۷]

[۱۱۱۸] س بعضی از مدیران کاروانها یا اشخاص خیر دیگر، که برای قربانی از اشخاص پول می گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند لذا قربانی ها را غیر مؤمن ذبح می کند، اولاً آیا از منوب عنه مجزی است یا نه و ثانیاً آیا نایب ضامن است یا خیر؟

ج قربانی مزبور کفایت نمی کند [۴۳۸] و کسی که پول را از منوب عنه گرفته ضامن است.

مستحبات هدی

[۱۱۱۹] م مستحبات هدی چند چیز است:

۱ در صورت تمکن، قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد.

۲ قربانی بسیار فربه باشد.

۳ در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن آن، از جنس نر باشد.

۴ شتری که می خواهند او را نحر کنند، ایستاده و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند و شخص در جانب راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد و در وقت ذبح یا نحر این

دعا را بخواند:

«وَجْهْتُ وَجْهِي لِلْمَدِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صِيَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۵ اینکه خود قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

سوم تقصیر یا حلق

توضیح

[۱۱۲۰] م هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند، مگر چند طایفه:

اول زن ها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند و کافی نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن. [۴۳۹]

دوم کسی که سال اول حج او باشد، که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

سوم کسی که موی سر خود را به عسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

چهارم کسی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است، باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

□ پنجم خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد، باید تقصیر کند و سر نتراشد.

[۱۱۲۱] م اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً.

[۱۱۲۲] م احتیاط آن است که کسی که سر را می تراشد تمامش را بتراشد.

[۱۱۲۳] م در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن، به هر نحو و با هر آلت که باشد و یا ناخن گرفتن. و بهتر است [۴۴۰] که هم مقداری از

مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

[۱۱۲۴] م سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است، باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی شود.

[۱۱۲۵] م جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد و همچنین در تقصیر و باید خودش نیت کند و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

□ [۱۱۲۶] م کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است، مثل اشخاصی که در مسأله اول ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را بکشند بسر آنها و آن کافی است از تراشیدن سر.

[۱۱۲۷] م کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشته باشد تقصیر کنند و اگر هیچ مو نداشته حتی موی ابرو باید ناخن بگیرند و اگر آن را هم نداشته تیغ را بسر بکشند کافی است.

[۱۱۲۸] م تراشیدن ریش کفایت نمی کند از تقصیر.

[۱۱۲۹] م اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است.

[۱۱۳۰] م محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است و جایز نیست اختیاراً در غیر آن جا.

[۱۱۳۱] م احتیاط آن است که در روز عید باشد، اگر چه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق. [۴۴۱]

[۱۱۳۲] م اگر کسی سر نتراشید و تقصیر نکرد در منی و از آن جا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمداً ترک کرده

یا نسیاناً و سهواً یا به واسطه مسأله ندانستن.

[۱۱۳۳] م اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جا که هست سر تراشد یا تقصیر کند و موی خود را بفرستد [۴۴۲] به منی در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود.

[۱۱۳۴] م جایز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی و همچنین سعی را جایز نیست جلو بیندازد.

[۱۱۳۵] م اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر طواف و سعی کند از روی سهو یا جهل به حکم، باید برگردد و سر تراشد یا تقصیر کند و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد و اگر نمی تواند به منی برگردد هر جا هست سر تراشد و تقصیر کند و اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

□ [۱۱۳۶] م اگر از روی علم و عمد اینکار را کرده، باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی یک گوسفند ذبح کند.

[۱۱۳۷] م اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است، و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لیکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

[۱۱۳۸] م اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که اعاده کند تا ترتیب حاصل شود و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را بسر بکشد احتیاطاً. [۴۴۳]

[۱۱۳۹] م به احتیاط واجب [۴۴۴] باید

در منی اول رَمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق.

[۱۱۴۰] م اگر برخلاف این ترتیب عمل کند، پس اگر از روی غفلت و سهو بوده، اعاده لازم نیست و اگر از روی جهل به مسأله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است و اگر از روی علم و عمد بوده [۴۴۵] در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.

[۱۱۴۱] م بعد از آن که مُحرمی که وظیفه اش سر تراشیدن بود سر تراشید یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد، حلال می شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده، به واسطه احرام حج، مگر زن و بوی خوش و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آن که در حرم صید جایز نیست نه برای محرم و نه برای غیر محرم و این حرمت باقی است. دوم آن که بر خصوص محرم نیز صید جایز نیست، چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جایز است از برای او صید در خارج حرم.

مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج

[۱۱۴۲] م اگر قربانی، بدلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنا بر احتیاط نمی تواند [۴۴۶] حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی الأحوط.

[۱۱۴۳] م تأخیر حلق، تا آخر ایام تشریق مانع ندارد، هرچند عمدی باشد و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می کند. [۴۴۷]

[۱۱۴۴] م اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمی تواند حلق

کند ولی اگر با اعتقاد به اینکه وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق اعمال مکّه را هم انجام داده باشد کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

[۱۱۴۵] م کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه آنها سر تراشیدن می باشد، بنا بر احتیاط، جایز نیست به واسطه زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هرچند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

[۱۱۴۶] م کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد و ازاله موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای تقصیر.

استفتائات حلق و تقصیر

[۱۱۴۷] س کسی که سفر اول حج او است، در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می تراشیده، مشغول گرفتن ناخن های خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند. آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج چیزی بر او نیست.

[۱۱۴۸] س کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتبه را انجام داده و پس از این عمره مفرده انجام داده، آیا مُحِلّ شده است یا خیر و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج مُحِلّ نشده است و عمره او صحیح نیست.

[۱۱۴۹] س گفته می شود که مسلخ جدید، در منی نیست و اشخاص پس از قربانی در آنجا، و بیرون آمدن، پشت همان جا حلق و تقصیر کرده اند،

وظیفه آنان چیست؟

ج اگر حلق و تقصیر در منی نبوده باید اعاده شود.

[۱۱۵۰] س در مسأله سابق، کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکه آمده اند و اعمال مکه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده اند و بعد متوجه شده اند که حلق و تقصیر در منی نبوده، آیا اعمال مکه آنان صحیح است؟

ج در فرض مزبور صحیح نیست و باید آن اعمال هم اعاده شود.

[۱۱۵۱] س کسی که سال قبل هم به حج مشرف شده و حلق را در خارج منی انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج منی نموده چه وظیفه ای دارد و اگر اعمال مکه را انجام داده صحیح است یا خیر؟

ج حلق را در منی اعاده کند و یک حلق کافی است و بعد طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز به جا آورد و بعد یک طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت می کند، گر چه ظاهر این است که احرام برای عمره و حج امسال صحیح نبوده است.

[۱۱۵۲] س اگر در موردی که حاجی باید حلق کند، به جای حلق تقصیر کرده است وظیفه اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج اگر جاهل به مسأله بوده کفاره ندارد و در فرض علم احوط است و در فرض مسأله بنا بر احتیاط باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.

[۱۱۵۳] س کسی که سال دوم حج او است و سال قبل برای خودش حج نموده و حلق

کرده است و امسال به نیابت دیگری حج به جا می آورد، آیا در سفر دوم حکم سروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر کافی است؟

ج تقصیر کفایت می کند.

[۱۱۵۴] س شخصی در سال ۶۰ نایب شخص دیگری شد و برای اولین بار آمد مکه و در مرز بین وادی مُحَسِّر و منی حلق نمود، به اعتقاد این که این جا جزو منی است و یک سال بعد باز به مکه مشرف شد، برای خودش به عنوان حَجَّهالاسلام و در منی تقصیر نمود به خیال اینکه حلق قبلی و اعمال حج گذشته او صحیح بوده است، و سال ۶۵ باز به مکه مشرف شد و به عنوان مافی الذمه مُحرم شد، در این بین متوجه شد که حلق سال اول در خارج منی بوده است و در نظر حضرت امام کافی نیست، امسال حلق را در منی بقصد مافی الذمه انجام می دهد و بقیه اعمال را نیز بقصد مافی الذمه به جا آورده است، آیا این کار کافی است یا نه؟

ج کفایت می کند و از منوب عنه واقع می شود و باید حَجَّهالاسلام را اعاده کند.

[۱۱۵۵] س اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند، آیا جایز است و حلق صدق می کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز می تراشد.

ج تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است.

[۱۱۵۶] س کسی که غیر از وقفین اضطراری را نمی تواند درک کند و برای بقیه اعمال خود نایب می گیرد، آیا می تواند حلق را در غیر از منی انجام دهد؟

ج

باید در منی حلق کند و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آن که نتواند به منی برود.

[۱۱۵۷] س شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد اگر تقصیر نماید، مُجْزِی است یا وظیفه دیگری دارد؟

ج اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حلق تمام نماید، تا آخر ایام تشریق، دارد تأخیر بیندازد و همچنین اعمال مترتبه را، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می تواند تراشد و تقصیر هم بکند.

[۱۱۵۸] س شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در غیر منی (خارج از منی انجام داده و پس از خاتمه اعمال، به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حج دارد، بفرمایید وظیفه او چیست؟ و آیا می تواند برای خود یا دیگری حج به جا آورد یا نه؟

ج تا وظیفه سال قبل را از؛ قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن، انجام نداده و از احرام آن خارج نشده، نمی تواند مُحْرَم شود.

[۱۱۵۹] س صبی مُمِیزِی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از صَرُورِه بودن، خارج می شود یا نه؟

ج بلی، خارج می شود.

[۱۱۶۰] س در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کندن مو بر مُحْرَم حرام است، آیا حَجَّاج باید بعد از تقصیر افرادی که مخیر بین حلق و تقصیر هستند، از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص جایز است که سر خود

را بتراشد و آیا فرق است بین تراشیدن سرخود و تراشیدن سر دیگری و در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج خودش می تواند خود را حلق کند و می تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده واگذار کند که او را حلق نماید، [۴۴۸] و در هر صورت اگر دیگری او را حلق کند کفایت می کند اگر چه از احرام خارج نشده باشد.

[۱۱۶۱] س کسی که در حج وظیفه اش سر تراشیدن است و از اول می داند که با تیغ کشیدن سرش خون می آید، بفرماید آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟

ج باید سر بتراشد علی الأحوط.

[۱۱۶۲] س در مناسک آمده است: کسی که سال اول حج او باشد، بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد، آیا می توان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟

ج حکم سایر احتیاطات را دارد، لیکن چون امر مهمی است، مراعات کنید این احتیاط را.

[۱۱۶۳] س کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟

ج باید حلق و اعمال مکه مترتبه بر حلق را انجام دهد و اگر نمی تواند خودش به مکه برود، در محل خودش حلق کند و موی خود را به منی بفرستد علی الأحوط [۴۴۹] و برای اعاده اعمال مکه نایب بگیرد.

[۱۱۶۴] س کسی که وظیفه او حلق است ولیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟

ج بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کنند.

[۱۱۶۵] س اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، آیا می تواند حلق

و یا تقصیر نماید و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد؟

ج باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد، علی الأحوط. [۴۵۰]

[۱۱۶۶] س شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد و چون پول برای هدیه نداشت آن را مبدل به روزه کرد و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج می تواند روز عید حلق یا تقصیر نماید. [۴۵۱]

[۱۱۶۷] س شخصی که ضروره نیست و می تواند تقصیر کند آیا اگر ریش بترشد، صرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر می کند یا نه؟

ج کفایت نمی کند.

[۱۱۶۸] س عصر عید قربان، بعد از هدی، که دوستان سر می تراشیدند و من هم به این فکر که باید سر را تراشید رفتم سر خود را تراشیدم و نگفتم که سر می تراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج اگر سر را به عنوان اینکه وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال حج است تراشیده اید صحیح است هرچند نیت را نگفته باشید.

[۱۱۶۹] س چون من از سر تراشیدن بدم می آید، آیا می توانم به جای سر تراشیدن تقصیر کنم و آیا آن کار گناهی هم دارد یا نه؟

ج در سفر اول در منی باید سر بتراشید علی الأحوط و اگر نتراشید گذشته از معصیت از احرام هم خارج نمی شوید علی الأحوط.

[۱۱۷۰] س حاجی در مذبح، بعد از قربانی فوراً تقصیر کرده که دچار

تطهیر نجاست بدن و لباس احرام نگردد و بعد از رسیدن به چادر حلق کند، از یک طرف ضروره است و از طرفی در حلق قصد احلال نکرده، تکلیفش چیست؟

حج تقصیر در صورت جهل کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده، کافی است و گرنه باقی بر احرام است و باید در منی حلق کند علی الأحوط.

مستحبات حلق

[۱۱۷۱] م در حلق چند چیز مستحب است:

۱ آن که از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲ آن که موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته و همچنین ناخن ها را بگیرد.

فصل پنجم: واجبات بعد از اعمال منی

اشاره

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود، مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آن جا واجب است.

[۱۱۷۲] م جایز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه اعمال حج و جایز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم و بعید نیست که جایز باشد تأخیر تا آخر ذی حجه؛ به این معنی که روز آخر ذی حجه هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

[۱۱۷۳] م اعمالی که در مکه واجب است به جا بیاورد:

اول طواف حج است که آن را «طواف زیارت» می گویند.

دوم نماز طواف است.

سوم سعی بین صفا و مروه است.

چهارم طواف نساء است.

پنجم نماز طواف نساء است.

[۱۱۷۴] م کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت، بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که این جا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء به جا آورد.

[۱۱۷۵] م جایز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن

به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی به جا آورد در حال اختیار.

[۱۱۷۶] م چند طایفه اند که برای آنها جایز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را، بعد از آن که محرم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات، به جا آورند و عمل آنها مجزی است:

اول زن هایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

دوم پیرمردها یا پیرزن هایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت، برای زیادی جمعیت، یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.

سوم اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.

چهارم کسانی که می دانند تا آخر ماه ذی حجه، به جهتی برای آنها ممکن نمی شود طواف و سعی. [۴۵۲]

[۱۱۷۷] م سه طایفه اول، اعمالی را که جلو انداختند، کافی است اگر چه بعد خلاف آن ظاهر شود، مثلاً زن حائض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال گرچه احوط است.

□ [۱۱۷۸] م طایفه چهارم که عقیده داشت نمی تواند اعمال را به جا آورد، اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود باز مجزی است، و اما اگر از جهت دیگر بود؛ مثل آن که اعتقاد داشت سیل مانع می شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را، بعد از رجوع.

[۱۱۷۹] م شخص محرم که به واسطه احرام حج، چیزهایی بر او حرام شد، که در سابق به تفصیل ذکر شد، در

سه موقع و بعد از سه عمل به تدریج آنها بر او حلال می شود:

اول بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی که به آن همه چیز حلال می شود مگر بوی خوش و زن چنانکه پیش تر ذکر شد و گفته شد که صید از جهت احرام نیز حلال می شود نه از جهت حرم.

دوم بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، به تفصیلی که گذشت، حلال می شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام است.

سوم بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می شود بر او زن نیز، پس بعد از این سه عمل، همه چیز که به احرام حرام شده بود حلال می شود و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه کس؛ چه مُحْرَم و چه مُحِلّ.

[۱۱۸۰] م کسانی که به واسطه عذر؛ مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدّم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

[۱۱۸۱] م طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بیچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی شود و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی شود، بلکه طفل غیر ممیز، اگر ولی او را محرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا

بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

[۱۱۸۲] م طواف نساء و نماز آن، اگر چه واجب است و بدون آن زن حلال نمی شود، لیکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را به جا آورد و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی شود، بلکه [۴۵۳] آنچه از زن بر او حرام شده بود؛ مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی شود، بنا بر احتیاط واجب.

[۱۱۸۳] م جایز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیاراً و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

[۱۱۸۴] م جایز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد در حال ضرورت، مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لیکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن به جا آورد.

□ [۱۱۸۵] م اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد یا به واسطه ندانستن حکم مقدم بدارد، طواف و سعیش صحیح است و احتیاط در اعاده طواف است.

[۱۱۸۶] م اگر طواف نساء را سهواً [۴۵۴] به جا نیاورد تا برگشت از حج، پس اگر می تواند باید خودش برگردد و به جا نیاورد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از به جا آوردن، زن به او حلال می شود.

□ [۱۱۸۷] م اگر کسی طواف واجب را چه طواف عمره و چه طواف حج و چه

طواف نساء فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد، باید یک هدی در مکه قربانی کند و احتیاط آن است که شتر باشد و اگر می تواند، خودش برود و طواف و نماز آن را به جا آورد. و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم به جا آورد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

[۱۱۸۸] م اگر کسی طواف را چه طواف عمره یا طواف زیارت از روی جهل به مسأله به جا نیاورد و برگشت به محلّ خود، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.

استفتائات اعمال بعد از منی و طواف نساء

[۱۱۸۹] س اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منی در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، آیا می تواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟

ج مورد جواز تقدیم نیست و نمی تواند مقدم بدارد.

[۱۱۹۰] س اعمال حج را به جهت خوف حیض، بر اعمال منی مقدم داشت، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده بود، به طوری که می باید اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از اعمال منی بر او چیزی نیست؟

ج اگر وظیفه را انجام داده چیزی بر او نیست.

[۱۱۹۱] س آیا نایب هم، اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد، می تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد یا نه؟

ج مانع ندارد.

[۱۱۹۲] س کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام می دهند، آیا می توانند سعی را بعد از برگشتن از منی انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج محل اشکال است.

[۱۱۹۳] س

تقدیم اعمال مکّه برای ذوی الأعذار جایز است یا لازم؟

ج جایز است و لازم نیست.

[۱۱۹۴] س کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین می نمایند، آیا باید اقرب زمان به موقوفین را رعایت کنند؟

ج لازم نیست.

[۱۱۹۵] س تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می دارند، بر عهده خود آنان است یا بر عهده گردانندگان

گروه و مسؤولین؟

ج تشخیص با خود مکلف است.

[۱۱۹۶] س کسی که او را به وسیله تخت طواف می دهند، آیا می تواند اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟

ج اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی تواند مقدم بدارد.

[۱۱۹۷] س کسی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم می دارد، آیا می تواند طواف نساء را بعد از وقوفین و اعمال دیگر انجام

دهد؟

ج بنا بر احتیاط در موردی تقدیم بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند.

[۱۱۹۸] س شخصی که می تواند اعمال مکّه را بر وقوفین مقدم بدارد، اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکّه را انجام داد چه

صورتی دارد؟

ج کفایت نمی کند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کند و یا بعد از وقوفین و اعمال منی آنها را به جا آورد.

[۱۱۹۹] س آیا می تواند اعمال مکّه را به نایب واگذارد، در صورتی که می تواند تأخیر بیندازد تا خود به جا آورد؟

ج با فرض اینکه می تواند خودش به جا آورد، ولو با تأخیر، تا آخر وقت نمی تواند نایب بگیرد.

[۱۲۰۰] س در مناسک فرموده اید وقت انجام اعمال حج تا روز یازدهم است و بعید نیست که تا آخر

ماه ذی حجه نیت کند، در صورتی که وقت انجام مناسک حج تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت چون محتمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد آیا معصیت نموده است؟

ج معصیت نیست.

[۱۲۰۱] س کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا می تواند طواف مستحبی انجام دهد و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا می تواند قبل از انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟

ج احتیاطاً ترک نماید.

[۱۲۰۲] س آیا بعد از انجام اعمال منی قبل از انجام اعمال مکه، می توان از مکه خارج شد یا خیر؟

ج مانع ندارد. [۴۵۵]

[۱۲۰۳] م اگر شخص، چندین عمره مفرده به جای آورده باشد و در هیچکدام طواف نساء نکرده باشد، یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند. [۴۵۶]

□ [۱۲۰۴] م احتیاط آن است که نایب در طواف نساء، نیت مافی الذمه کند، گرچه می تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

[۱۲۰۵] س آیا پیش از به جا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟

ج از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

[۱۲۰۶] س آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز، جایز است یا خیر؟

ج مانع ندارد.

□ [۱۲۰۷] س شخصی بعد از حج، ازدواج کرد و دارای فرزند شد، بعداً متوجه می شود که در حج، طواف نساء را به جا نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده

را دارد ولی عقد ازدواج باطل است و باید طواف نساء را انجام دهد و اگر بخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

[۱۲۰۸] س مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است ولی تو باید طواف رجال به جا آوری! زن به جای نیت «طواف نساء» «طواف رجال» ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج اگر منظورش ادای وظیفه است، مانع ندارد.

[۱۲۰۹] س کسی که عمره مفرده انجام می داد، بدون اینکه تقصیر کند، طواف نساء را به جا آورد، آیا وظیفه او چیست و عمره او باطل است یا نه؟

ج عمره باطل نمی شود، لیکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده نماید و بدون آن حرمت نساء باقی است.

□ [۱۲۱۰] س شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد و همچنین است در صورت التفات علی الأحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

□ [۱۲۱۱] س اگر کسی بعد از شَوَط چهارم طواف نساء عمره مفرده، با زوجه خود مواجهه نماید، آیا مانند طواف نساء حج است که به حج لطمه ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج بلی، عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگر چه حرام مرتکب شده است.

[۱۲۱۲] س به جا نیاوردن طواف نساء از روی جهل، همانند طواف حج و عمره است که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید؟ چنانکه در مسأله ۱۷ فصل پنجم حج در مناسک می فرمایید؟

ج ترك طواف نساء، حج را باطل نمی کند

و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

[۱۲۱۳] س شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج کفاره دارد مگر در صورت جهل.

[۱۲۱۴] س زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض می شود، شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام می دهد، آیا این نیابت صحیح است؟

ج صحیح نیست و تقدیم برای کسی است که خودش طواف می کند و احتیاط آن است که اکتفا به آنچه مقدم داشته هم نکند.

[۱۲۱۵] س اگر نایب طواف نساء را به جا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه اش هم مشغول است، هرچند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کند؟

ج ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

[۱۲۱۶] س شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع محرم شده است، آیا طواف نساء فراموش شده را، بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد یا قبل از آن؟

ج می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع به جا آورد و اگر تأخیر بیندازد، طواف نساء حج، کفایت از آن می کند. [۴۵۷]

[۱۲۱۷] س کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده و بعد از آن حج افراد به جا می آورد، آیا طواف نساء حج افراد کفایت می کند؟

ج کفایت می کند. [۴۵۸]

[۱۲۱۸] س پیرمردان و پیر زنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و

ازدواج هم نمی کنند و نیز کسی که عَنین است، آیا اگر طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟

ج گرچه طواف نساء جزو اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

[۱۲۱۹] م آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد این جا نیز جاری است و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسْيِكَ وَسَيِّئَاتِي لَهُ وَسَيِّئَاتِي لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُّ طَاعَتِكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

پس به نزد حجرالأسود بیاید و استلام و بوسه نماید و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست به حجر مالیده و دست خود را ببوسد و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

فصل ششم: بیتوته به منی

توضیح

[۱۲۲۰] م واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی حجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند؛ یعنی در آن جا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب. [۴۵۹]

[۱۲۲۱] م چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

اول کسی که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند،

لیکن غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر محرم حرام است، مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم.

دوم کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام؛ چه در قُبَیل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه، ولی غیر از جماع، کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده، واجب نمی شود بیتوته شب سیزدهم.

سوم کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب سیزدهم را درک کرد.

[۱۲۲۲] م چند طایفه اند که واجب نیست در شب های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند:

اول بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد ماندن، به هر عذری که باشد.

دوم کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین می رود، به شرطی که مال مُعْتَدَّ به باشد.

سوم [۴۶۰] شبان هایی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن در شب.

چهارم کسانی که متکفل آب دادن به حجاج هستند در مکه.

پنجم کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند، مگر کارهای ضروری؛ از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

[۱۲۲۳] م کسی که در احرام عمره تمتع از صید و زن اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بماند و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد.

[۱۲۲۴] م مقدار شب که واجب است در این سه شب

بیتوته کرد، از اول شب است تا نصف آن، [۴۶۱] پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

[۱۲۲۵] م کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود، احتیاط واجب آن است [۴۶۲] که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.

[۱۲۲۶] م نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب [۴۶۳] حساب کنند، بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب کنند.

[۱۲۲۷] م بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به جا آورد.

[۱۲۲۸] م جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود، حتی در بین راه منی و مکه به احتیاط واجب.

[۱۲۲۹] م کسی که ترک کند بیتوته به منی را، در شبی که واجب است بماند، برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی کند.

[۱۲۳۰] م فرقی نیست [۴۶۴] در واجب بودن قربانی بین آن که از روی علم و عمد باشد یا از روی نسیان باشد یا از روی ندانستن مسأله. [۴۶۵]

[۱۲۳۱] م کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده اند به منی قربانی بر آنها واجب نیست.

[۱۲۳۲] م چهار طایفه ای که در مسأله ۱۲۲۲ گفته شد واجب نیست در منی بمانند، در صورتی که نماندند باید برای هر شب یک گوسفند کفاره قربانی کنند حتی دسته سوم و چهارم به احتیاط واجب. [۴۶۶]

[۱۲۳۳] م گوسفندی که باید قربانی شود، هیچیک از شرایط هدی

را، که در منی برای حیح باید ذبح کنند، لازم نیست داشته باشد.

[۱۲۳۴] م گوسفندی را که باید قربانی کند، محل معینی ندارد حتی می تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند، اگر چه احتیاط آن است که در منی قربانی کند. [۴۶۷]

[۱۲۳۵] م اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی [۴۶۸] کنند و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

[۱۲۳۶] م کسانی که جایز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم، باید بعد از ظهر کوچ کنند و جایز نیست قبل از ظهر، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسائل متفرقه بیتوته به منی

[۱۲۳۷] م اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نَفَر، بعد از ظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

[۱۲۳۸] م در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم، زن ها هم حکم مردان را دارند. بنا بر این، اگر با عذر از رَمی در روز، شب دوازدهم رَمی کردند نمی توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

[۱۲۳۹] م کسانی که در زمین های متصل به منی که از منی نیست، در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند باید كفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند هر چند اعتقاد پیدا کرده باشند که آن جا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند. [۴۶۹]

[۱۲۴۰] م اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم

از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رَمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود.

استفتائات بیتوته در منی

[۱۲۴۱] س بیتوته در منی اگر در غیر منی انجام شود چه صورت دارد و آیا اشخاص جاهل به موضوع معذورند یا خیر؟

ج باید قربانی کنند و فرقی بین عالم و جاهل نیست. [۴۷۰]

[۱۲۴۲] س کسانی که مقداری از اول شب، با عذر یا بدون عذر، در خارج منی بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسک احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره و در تحریر احتیاط وجوبی، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج این احتیاط وجوبی است و ترک نشود. [۴۷۱]

[۱۲۴۳] س فرموده اید کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود، واجب است نصف دوم را در منی بماند، آیا کفاره ترک مَبِیت را نیز باید بدهد؟

ج باید کفاره هم بدهد. [۴۷۲]

[۱۲۴۴] س کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد یا در مسجدالحرام مشغول عبادت گردد، در مسجدالحرام مشغول عبادت می شود، ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می زند و بیدار می شود، وظیفه او چیست؟ و سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجدالحرام (زاده الله شرفاً) درست کرده اند، آیا شب هایی که باید یا در منی بماند و یا در مسجدالحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آن جا و عبادت کردن کافی است یا نه؟

ج اگر به قدری خواب می رود که صدق نمی کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و باید کفاره بدهد و عبادت در هر جای مگه کافی است.

[۱۲۴۵]

س این جانب شغلم حمله داری است، چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزو منی است با حاجی ها بیتوته نموده ام و سالهای بعد فهمیدم و برآیم یقین حاصل شد جایی که سالهای قبل بیتوته نموده ایم خارج از منی است آیا کفاره بر این جانب و همه حجّاج واجب است یا نه؟ و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجّاج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجّاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج کفاره ترک بیتوته خود شما بر شما واجب [۴۷۳] است و کفاره دیگران بر شما واجب نیست و لازم نیست به آنان اعلام نمایید و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است، ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوتی دارد، نسبت به تفاوت باید رضایت حجّاج تحصیل شود.

[۱۲۴۶] س علامت گذاری حدود منی در سالهای قبل، با علامت گذاری الآن، که به وسیله حکومت انجام گرفته فرق می کند، و این جانب که شغلم حمله داری است، در سالهای قبل با حجّاج در قطعه زمینی بیتوته کرده ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته ما در خارج از منی بوده، و اگر تعیین قبلی صحیح باشد که ما یقین به آن داریم طبق علمیت قبلی و نظر پیروان اهل مکه بیتوته ما صحیح است، حال بنا بر این که تعیین حکومت صحیح باشد، آیا تکلیف ما نسبت به بیتوته سال های قبل چیست؟ و در صورت وجوب کفاره آیا ابلاغ به همه حجّاج لازم است یا نه؟ و آیا با توجه به اینکه

در فرض مسأله بیتوته ترک نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجّاج ضامن می باشم یا نه؟

ج اگر در محلی بیتوته کرده اید که یقین به منی بودن آن داشته اید تا یقین پیدا نکنید که خارج منی بوده، قربانی لازم نیست، و در این صورت ابلاغ و اعلام لازم نیست.

[۱۲۴۷] س آیا کسانی که عذر دارند از رمی در روز، می توانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی کنند و از منی به مکه بیایند و دیگر برنگردند به منی یا باید صبر کنند و بعدازظهر با مردم کوچ کنند؟

ج می توانند بعد از مَبیت واجب خارج شوند و لازم نیست صبر کنند.

[۱۲۴۸] س قبلاً سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند می توانند شب دوازدهم رمی جمره نموده به مکه رفته و دیگر به منی برنگردند؛ و حضرت عالی جواب فرموده اید در صورت عذر اشکال ندارد، ولی قبل از نصف شب نباید بیرون بروند. با توجه به مسأله فوق این سؤال مطرح می شود که آیا خدمه کاروانها نیز برای پذیرایی از این قبیل زائرین می توانند به همراه آنان در شب رمی نموده و به مکه بروند و برای وقوف تا وقت شرعی روز دوازدهم دیگر به منی برنگردند؟

ج وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است و اشخاص ذکر شده می توانند بعد از نصف شب از منی بروند و روز دوازدهم برای رمی به منی برگردند ولو بعدازظهر و اگر قبل از ظهر آمدند بعد از ظهر بیرون بروند. و رمی شب برای آنها کافی نیست.

[۱۲۴۹] س حاجی شب دوازدهم،

بعد از نصف شب، از منی خارج و به مکه می رود، روز بعد برای رمی به منی می آید، آیا لازم است که قبل از ظهر به منی بیاید یا چون وظیفه ای غیر از رمی ندارد بعد از ظهر هم می تواند بیاید؟

ج لازم نیست قبل از ظهر به منی بیاید، هرچند اگر قبل از ظهر بیاید نمی تواند قبل از ظهر کوچ کند.

[۱۲۵۰] س مدیر کاروانی زن ها را قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چیست؟

ج با فرض این که عذر داشته اند مانع ندارد.

[۱۲۵۱] س مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود، چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟

ج تا طلوع فجر حساب می شود.

[۱۲۵۲] س بعد از اعمال ثلاثه روز عید، می خواهد برای طواف ها به مکه برود، ولی می داند که اگر به مکه برود سه ساعت از مبیت اول شب را درک نمی کند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت كفاره دارد یا خیر؟

ج رفتن از منی به مکه در فرض مرقوم مانع ندارد، ولی برای تأخیر باید كفاره بدهد. [۴۷۴]

فصل هفتم: رمی جمرات سه گانه

اشاره

[۱۲۵۳] م شب هایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند؛ یعنی سنگ ریزه بزند به سه محل، که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترک کند، به حج او ضرر

نمی‌رساند و صحیح است، گرچه در صورت عمد معصیت کار است.

[۱۲۵۴] م اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

[۱۲۵۵] م عدد سنگ ریزه که باید به جمره بزند، برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

[۱۲۵۶] م وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است و در شب جایز نیست به جا آورد.

[۱۲۵۷] م اگر کسی عذری داشته باشد از این که روز به جا آورد؛ مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

[۱۲۵۸] م واجب است ترتیب در سنگ انداختن به اینک: اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

[۱۲۵۹] م اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیآورد، باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده به جا آورد، به طوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می‌کند که جمره وسطی را دوباره به جا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

[۱۲۶۰] م در حکمی که در مسأله قبل ذکر شد، فرق نیست میان آن که از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسأله، در هر صورت

باید اعاده کند.

[۱۲۶۱] م اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره بعدی بشود کافی است و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس می تواند چهار سنگ به جمره اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود و به هر ترتیب می خواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را بیندازد، لیکن احتیاط واجب از برای کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده، اعاده است.

[۱۲۶۲] م اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند و همچنین است اگر از روی عمد ترک کرده باشد.

[۱۲۶۳] م واجب است قضا را مقدم بدارد بر ادا، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را به جا بیاورد، اول قضای عید را به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که ادا است و همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

[۱۲۶۴] م چنانچه قضای رمی جمرات سه گانه واجب است، قضای رمی بعضی از آنها هم، اگر ترک شده باشد، واجب است. پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دوتای دیگر

را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این روز را به جا آورد.

[۱۲۶۵] م اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به خلاف ترتیب انداخته، باید قضا کند؛ به طوری که ترتیب حاصل شود و بعد وظیفه این روز را به جا آورد.

[۱۲۶۶] م اگر به هریک از جمرات یا بعض آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید احتیاط واجب آن است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه روز را به جا آورد.

[۱۲۶۷] م اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سه گانه را و خارج شود از منی و به مکه بیاید، پس اگر در ایام تشریق یادش آمد، باید برگردد و به جا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

[۱۲۶۸] م اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه، احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را، خودش یا نایبش.

[۱۲۶۹] م کسی که بعض از جمرات را فراموش کند، حکمش همان است که در دو مسأله قبل ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعض آن انداخت همین حکم را دارد بنا بر احتیاط واجب.

[۱۲۷۰] م کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ؛

مثل آن که مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رَمی کند یا علیل باشد مثل آن که دست یا پایش شکسته باشد یا از شدت بی حالی نتواند یا بیهوش باشد، باید نایب به جا آورد و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بیهوش و طفل کوچک، ولی او یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد و احتیاط واجب آن است که تا مایوس نشده از اینکه خودش عمل کند، نایب عمل نکند [۴۷۵] و بهتر آن است که اگر می شود شخص معذور را ببرند و در حضور او رَمی کنند و اگر می شود سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

[۱۲۷۱] م اگر بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد، عذر برطرف شد، [۴۷۶] آوردن خودش لازم نیست اگر چه احوط است.

[۱۲۷۲] م اگر شخص مریض مایوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور مایوس باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد و اگر مایوس نیست [۴۷۷] می تواند نایب بگیرد، لیکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.

□ [۱۲۷۳] م اگر دیگران مایوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند اگر چه احوط است و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.

[۱۲۷۴] م اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رَمی کند شک کند که به جا آورده یا نه اعتنا نکند.

[۱۲۷۵] م اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه، اعتنا نکند.

[۱۲۷۶] م اگر در وقتی که مشغول رَمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا

هر دو را رَمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه اعتنا نکند.

[۱۲۷۷] م اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، قبل از آن که داخل شود در رَمی جمره بعدی، باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده، هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب.

□ [۱۲۷۸] م اگر بعد از گذشتن روزی که باید رَمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رَمی نکرده ظاهراً جایز است اکتفا به قضای رَمی جمره عقبه کند و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند.

□ [۱۲۷۹] م اگر بعد از آن که داخل در جمره بعدی شد شک کند در عدد قبلی، پس اگر بدانند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعض از آنها را انداخته یا نه به احتیاط واجب بقیه را اتیان کند اگر چه بعد از اتیان جمره بعدی، و اگر در کمتر از چهار، شک داشته باشد تا مقدار چهار اعتناء نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

[۱۲۸۰] م اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده باید هر چه را احتمال کسری داده به هریک از سه جمره بزند.

□ [۱۲۸۱] م اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه، یقین کند که یکی از آنها را از چهار کمتر انداخته بعید نیست جواز اکتفا به کسری جمره آخری و احتیاط آن

است که جمره اخری را از سر بگیرد و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد.

□ [۱۲۸۲] م اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب، گرچه به احتمالی اکتفا به قضای روز آخر جایز است.

مسائل متفرقه رمی

[۱۲۸۳] م زن ها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعرالحرام به منی وارد شوند، اگر از رمی در روز معذورند می توانند شب رمی کنند بلکه زن ها مطلقاً مجازند [۴۷۸] همان شب رمی نمایند.

[۱۲۸۴] م در طبقه دوم [۴۷۹] جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه اول رمی نمایند.

[۱۲۸۵] م کسانی که عذر دارند از اینکه روز عید رمی کنند می توانند شب قبل از آن، یا شب بعد از آن رمی کنند و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می توانند بعد از رمی به جای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

استفتائات رمی جمرات ثلاث

[۱۲۸۶] س کسانی که با عذر از رمی در روز می توانند شب رمی کنند آیا لازم است شب رمی کنند یا می توانند همان روز نایب بگیرند؟

ج می توانند نایب بگیرند. [۴۸۰]

[۱۲۸۷] س چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، بفرمایید از صبح می توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رمی نمایند؟

ج اگر می توانند در روز [۴۸۱] رمی کنند، نمی توانند نایب بگیرند.

[۱۲۸۸] س آیا بدون عذر می توان در شب رمی کرد یا کافی نیست و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است و همچنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هر چند صحیح است ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج بدون عذر، رمی در شب واقع نمی شود و اگر بدون عذر رمی در روز را ترک نماید گناه کرده است، و همچنین معصیت

نموده است علی الأحوط اگر ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد، هرچند ذبح صحیح است.

[۱۲۸۹] س کسی که در رمی جمرات نایب شده، آیا می تواند شب رمی کند یا نه و همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می دانسته که نمی تواند رمی کند، یا نمی تواند روز رمی کند و یا در رمی روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد و اگر معذور باشد نمی تواند نایب شود و کسی که در رمی نایب شده باید روز رمی کند و مسامحه و اهمال موجب بطلان نیابت نیست، هرچند در فرض سؤال جایز نیست.

[۱۲۹۰] س شخصی که خود معذور است و نمی تواند رمی جمرات نماید، آیا می تواند شخص دیگری را که برای او هم رمی در روز مقدور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

[۱۲۹۱] س در رمی جمرات، اگر سنگ ریزه اول به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد آیا کافی است، یا باید سنگ ریزه دیگر بزند؟

ج ظاهراً کافی است.

[۱۲۹۲] س شخصی وقت رمی جمرات شک کرد که چند سنگ زده ام، پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اول شروع نمود، آیا

رَمَى او اشکال دارد یا نه؟

ج اشکال ندارد هرچند رها نمی شود.

[۱۲۹۳] س اینکه فرموده اید کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مشعر و رَمَى در شب دهم برای زنان جایز است و نفس زن بودن عذر است، آیا با این حال زنان می توانند نایب شوند؟

ج می توانند نایب باشند.

[۱۲۹۴] س در زمان قدیم که جَمَرَات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است، بنا بر این در جمره عقبه چرا رَمَى کردن مخصوص به آن سنگ چین وسط دیوار سیمانی است و رَمَى به دیوار سیمانی جایز نیست؟ و اگر جایز می دانید بفرمایید؛ زیرا که اکثر مردم در جمره عقبه اکتفا به دیوار سیمانی دو طرف سنگ چین می کنند و خلاصه ملاک رَمَى در جمرات چیست؟

ج دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست و رَمَى آن کافی نیست.

[۱۲۹۵] س اگر مردی که می تواند در روز رَمَى نماید، برای رَمَى زنی نایب شود آیا می تواند رَمَى زن را در شب انجام دهد؟

ج نمی تواند و باید رَمَى را در روز انجام دهد. [۴۸۲]

[۱۲۹۶] س افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمداً مضر به حج نیست؛ مثل رَمَى جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مَبِیت به منی در شبهای یازدهم و دوازدهم، آیا می توانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمی توانند؟

ج ذوی الأعدار نمی توانند نایب شوند، حتی اگر از مثل مذکورات عذر داشته باشند.

[۱۲۹۷] س کسی که به نیابت دیگری رَمَى جمره می کند، آیا کافی است که اوّل برای خودش هر جمره ای را رَمَى کند و

پس از آن به نیابت دیگران ولو ده

نفر باشند یک جا رَمی کند، بعد جمره وسطی را هم همین طور و در پایان برای جمره عقبه نیز چنین کند، یا این که باید اوّل هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی و همچنین نسبت به دیگران رَمی نماید؟

ج هر دو صورت صحیح است.

[۱۲۹۸] س کسی که نمی تواند در روز عید رَمی کند، آیا می تواند قبل از رَمی حلق نماید و روز دیگر رَمی کند؟

ج جایز نیست علی الأحوط. [۴۸۳]

[۱۲۹۹] س آیا جمره عقبه را از هر طرف می توان رَمی نمود؟

ج اگر به جمره بزند کافی است، ولی رَمی دیوار کفایت نمی کند.

[۱۳۰۰] س سنگ ریزه هایی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده اند، و معلوم نیست که از حرم است یا از خارج از حرم، آیا می توان از آنها برای رَمی استفاده نمود؟

ج اگر معلوم است که از خارج آورده اند، در مورد سؤال استفاده نکنند مگر آن که طوری باشد که جزو مشعر محسوب شود.

[۱۳۰۱] س شخصی رَمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه می شود، آیا بعد از قضای جمره عقبه، باید رَمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

ج لازم نیست.

[۱۳۰۲] س آیا زیاده از هفت رَمی، مُخِلّ به رَمی است؟

ج اگر از اول قصد زیاده از هفت داشته باشد صحیح نیست و باید رَمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ ریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

[۱۳۰۳] س کسی که نتوانسته ذبح کند و حلق یا تقصیر

نیز ننموده است، آیا می تواند رَمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج مانع ندارد.

□ [۱۳۰۴] س زنی که احتمال بدهد، رَمی باعث قاعدگی او می شود، آیا کافی است در رَمی نایب بگیرد؟

ج اگر در اثر آن به مشقت می افتد، عذر محسوب می شود و می تواند نایب بگیرد.

[۱۳۰۵] س آیا می شود که زن ها را شب دهم بعد از نصف شب از مَشْعَر به منی بیاورند و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رَمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند تا شب دوازدهم، هم رَمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رَمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج برای زن ها رَمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد، ولی رَمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رَمی روز معذور باشند.

[۱۳۰۶] س اگر کسی می داند یک روز رَمی را ترک کرده است ولی نمی داند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم، وظیفه اش چیست؟

ج احوط آن است که رَمی سه جمره را به ترتیب، به قصد مافی الذمه انجام دهد. اگر چه در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رَمی جمره عقبه واجب نیست.

[۱۳۰۷] س شخصی در رَمی جمرات چنین تصور می کرده است که باید سنگ ریزه به خود سنگ های نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگ ها که به وسیله آن ملات بندکشی شده است، لذا برای اطمینان که به

خود سنگ ها بخورد، یازده سنگ ریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رَمی صحیح محسوب داشته است، آیا این رَمی صحیح است یا نه؟

ج اگر مواردی را که شک داشته احتیاطاً زده، مانع ندارد و چنانچه شک نداشته و قصد زیاده هم نداشته است، صحیح است هرچند در این صورت احتیاط مطلوب است.

[۱۳۰۸] س شخصی روز عید قربان برای رَمی جمره عقبه رفته و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت و کالت داده و روز سیزدهم خودش برای قضای رَمی جمرات رفته، ولی اول رَمی جمره عقبه نموده، بعداً برگشته از جمره اولی شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره وسطی را همچنین دوازده سنگ زده و جمره عقبه را نیز دوازده سنگ زده است، و الآن به ایران برگشته است، آیا وظیفه او چیست؟

ج اگر کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم صحیح نیست.

مستحبات منی

[۱۳۰۹] م بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْبَأْنَا». ما أُنْبَأْنَا».

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف، با عبادت هفتاد سال برابر است و هر کس در آن جا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است و هر کس در آن جا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد و هر کس در آن جا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

مستحبات دیگر مکه معظمه

[۱۳۱۰] م آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱ زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲ ختم نمودن قرآن.

۳ خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ».

۴ نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵ در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف.

۶ هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند.

به خانه کعبه داخل شود؛ خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸ دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعِيدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَا رِفْدَهُ وَجَائِزَتَهُ وَنَوَافِلَهُ وَفَوَاضِلَهُ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَاعْتَدَدْتُ وَاسْتَعْدَدْتُ رَجَا رِفْدَكَ وَنَوَافِلَكَ وَجَائِزَتَكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي وَلَا تُرُدَّنِي مَجْبُوهَا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

بعداً پایین آمده و پله ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره مفرده

[۱۳۱۱] م بدان که بعد از فراغ از اعمال حج، در صورتی که میسور باشد،

مستحب است عمره مفرده به جا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره سابق، خلاف است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یکماه بقصد رجا به جا بیاورد [۴۸۴] و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره مفرده ذکر شد.

طواف وداع

[۱۳۱۲] م بدان که برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُودِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَدِدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناتین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

مسائل متفرقه

[۱۳۱۳] م در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آن جا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

[۱۳۱۴] م سجده نمودن بر تمام اقسام سنگ ها؛ چه مرمر باشد یا سنگ های سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک، قبل از آن که پخته شود جایز است [۴۸۵] و سنگ هایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها

اشکال ندارد و همینطور در «مسجد رسول الله (ص)».

[۱۳۱۵] م در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل نباید نماز را به جماعت بخوانند و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

[۱۳۱۶] م تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است، هرچند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می تواند شکسته بخواند. [۴۸۶]

[۱۳۱۷] م در تقصیرهایی که در عمره تمتع کرده است، احتیاط واجب [۴۸۷] آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد و اگر در حج تقصیر کرد در منی سر ببرد و اگر ترک کرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

[۱۳۱۸] م کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می کرد محرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و محل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند، احرامش به هم نمی خورد و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی شود و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد.

[۱۳۱۹] م اگر به واسطه عذری؛ مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا

محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لئیک بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بیوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید [۴۸۸] یک گوسفند قربانی کند.

[۱۳۲۰] م کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

[۱۳۲۱] م عمره تمتع و حج تمتع باید در یکسال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره تمتع به جا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی باشد.

[۱۳۲۲] م کسی که وظیفه اش حج تمتع است، باید در حالی که می خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمره تمتع کند و بعد از آن حج تمتع، اگر چه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می کند.

[۱۳۲۳] م اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع، شک کند که عمره تمتع را به جا آورده یا نه یا شک کند که صحیح به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و عملش صحیح است.

[۱۳۲۴] م در هر یک از اعمال عمره و حج، اگر شک کند بعد از آن که وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست، اعتنا نکند؛ چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد.

[۱۳۲۵] م باید

عمره تمتع و حج تمتع، هر دو در ماههای حج واقع شود و ماههای حج؛ شوال و ذی قعدة و ذی حجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی قعدة عمره تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواهد عمره تمتع به جا آورد صحیح نیست، اگر چه بعض اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماههای حج.

[۱۳۲۶] م کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه، شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره مفرده کند و به همان احرامی که بسته، عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

[۱۳۲۷] م شرایطی که برای هدیه است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچیک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

[۱۳۲۸] م غیر از هدیه تمتع، از هدیه هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می شود، نمی تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد و اما از قربانی استجابی جایز است بخورد. [۴۸۹]

[۱۳۲۹] م مصرف کفارات: فقرا و مساکین هستند.

□ [۱۳۳۰] م اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برداشتن است.

[۱۳۳۱] م اگر «لقطه» حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می تواند قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن صاحبش نیست

و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

[۱۳۳۲] م اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر: یکی آن که آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آن که برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد و جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود.

[۱۳۳۳] م کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه ای انجام دهد که مُحَلّ شود، اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست، در بعض موارد با انجام عمره مفرده می تواند مُحَلّ شود.

[۱۳۳۴] م در مسجدالنبی(ص) سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخواند [۴۹۰] و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین

است اشکال ندارد، لیکن تأکید می شود از عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن باشد اجتناب نمایند.

استفتائات مسائل متفرقه

قسمت اول

[۱۳۳۵] س در مسجدالنبی (ص) بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می توان روی فرش های مسجد سجده نمود و یا این که باید برود در جایی که سنگ فرش است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج لازم نیست به جای دیگر که سنگ مفروش است برود. [۴۹۱]

[۱۳۳۶] س کسی که نماز را در مسجدالحرام به نحو استداره خوانده است؛ به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد. [۴۹۲]

[۱۳۳۷] س در صورتی که شخص نماز گزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نماز گزاران در مسجد هستند، آیا می تواند نماز را فردی بر طبق شرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج می تواند در همان جا و بر طبق نماز آنان به جا آورد. [۴۹۳]

[۱۳۳۸] س حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود، سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج اگر عرفاً روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.

[۱۳۳۹] س اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نماز گزاران صف جلو و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج اعاده دارد.

[۱۳۴۰] س

آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) عبور کنند یا خیر؟

ج نمی توانند.

[۱۳۴۱] س کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج مانع ندارد و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

□ [۱۳۴۲] س کسی خیال می کرد که بر سنگ های فرش شده در مسجدالحرام زاده الله شرفاً سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرده است، آیا نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

[۱۳۴۳] س در لیالی مقمره در مکه، کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده اند کافی است؟

ج در فرض مرقوم، جماعت صحیح است و اعاده ندارد. [۴۹۴]

[۱۳۴۴] س کسی که قصد کرده است تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی حجه) در مکه اقامت نماید، به تصور این که از آغاز ورودش به مکه تا روز ترویبه ده روز است و بر این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز نبوده است، وظیفه او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

ج اگر [۴۹۵] واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل اینکه یقین داشت که ماه سی روز است و روز ترویبه مثلاً سه شنبه است، بعداً معلوم شد ماه ۲۹

روز است و روز ترویبه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و اگر واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می کند که ده روز می ماند، مثل اینکه می داند ماه ۲۹ روز و ترویبه دوشنبه است ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می کند تا آن روز ده روز است در حالی که واقعاً نیست، باید بعد از کشف خلاف نمازها را جمع بخواند علی الأحوط و آنچه تمام خوانده را نیز قصرأً قضا نماید.

[۱۳۴۵] س شخصی مقلد هیچ یک از فقها نبوده؛ مثلاً ده سال، حالا می خواهد تقلید کند، در این ده سال مگه هم رفته است، آیا عبادتهای او مثل نماز و روزه و حجش صحیح است یا نه؟

ج اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.

[۱۳۴۶] س قرآن هایی که در مسجد الحرام است بر بعضی نوشته شده که «وقف است» ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد، جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج برداشتن آن ها بدون این که از متصدی ذریبط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

[۱۳۴۷] س آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می شود با خود آورد یا نه؟

ج از صفا و مروه جایز نیست و از مشعر مانع ندارد.

[۱۳۴۸] س نیت تیمم از حدث اکبر در مسجدین چیست؟

ج اگر در مسجد جنب شده، باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند

و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.

[۱۳۴۹] س در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می کنند و بعد با ظرف آب می ریزند و می شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می کند، آیا جواز سجده بر آن سنگ ها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج علم پیدا نمی شود و با فرض شک نباید اعتنا شود.

[۱۳۵۰] س شخصی بدون اینکه خمس مال خود را پردازد به حج رفته است و الآن می خواهد پردازد، آیا حج او صحیح است یا خیر؟

ج اگر لباس احرام و قربانی با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد و در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که به رساله مراجعه شود.

[۱۳۵۱] س این جانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهم شد، لازم به یادآوری است که هزینه این سفر را از پولهایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس انداز به ما داده پرداخته ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس پرداخته است. خواهشمندم مرقوم بفرمایید که حج ما با این پول چه صورتی پیدا می کند؟

ج اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید حج اشکال ندارد و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام و قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.

[۱۳۵۲] س فرموده اید اگر از طرف قاضی مکه حکم شد

که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منی را بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟
ج باید تبعیت کنند ولو با علم به خلاف.

[۱۳۵۳] س آیا شخص فقیر می تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نان خور او هستند برساند؟
ج برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی شود صرف نمود.

[۱۳۵۴] س کفاراتی که در احرام عمره تمتع بر گردن انسان می آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟
ج تأخیر عمدی خلاف احتیاط است و در هر صورت ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می کند.

[۱۳۵۵] س اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الأحوط.

[۱۳۵۶] س زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات حرکت می کند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت، شوهر خود را گم می کند، حالت اضطراب و شوکه شدن به او دست می دهد و به زمین می افتد، مأمورین او را به بیمارستان منتقل می کنند، بعد از چهار روز تفحص و جستجوی زیاد در بیمارستان پیدا می شود که قادر به سخن گفتن نبوده و حتی قادر

به انجام بقیه اعمال حج نمی باشد و در فاصله این مدت همراهان او شوهرش را تکلیف می کنند که به نیابت از خانواده خودش بقیه اعمال او را انجام دهد، آنچه مسلم است این بوده که شوهر در حال ناراحتی و اضطراب و حواس پرتی بوده، ولی از او که سؤال می شود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه جواب می دهد بلی انجام دادم، پس از مراجعت از حج شوهرش قسم جلاله یاد می کند که من حالم به جا نبوده، و اعمال نیابتی را انجام ندادم و اظهار می کند که اجتماع ما با هم حرام است، آیا حج صحیح است یا نه؟ و در صورت عدم صحت آیا با نیابت کفایت می کند یا اینکه لازم است خودش بقیه اعمال حج را انجام دهد و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در منی می باشد، آیا در محل خودش ذبح کند کافی است و یا باید به منی فرستاده شود؟

ح اگر اعمال روز عید را انجام داده و اعمال مکه را انجام نداده در صورتی که می تواند خودش به مکه برود باید خودش آنها را انجام دهد، و اگر معذور است نایب بگیرد و قربانی مورد سؤال در محل خودش هم صحیح است و لازم نیست به منی فرستاده شود، و رمی ایامی که انجام نشده، سال بعد باید قضا شود و اگر خودش نمی تواند برود، نیابت کافی است.

□ [۱۳۵۷] س شخصی در سال ۱۳۶۱ به حج مشرف می شود و در مغرب روز نهم ذی حجه با وانت کارگری بدون توقف در مشعرالحرام به منی رفته و در خارج منی به دست غیر مؤمن قربانی کرده، و در خارج

منی سر تراشیده است، تکلیف این شخص چیست، آیا می تواند به نیت دیگری یا برای خودش به حج مشرف شود؟

ج بنا بر احتیاط واجب باید قربانی و سر تراشی و اعمال مکه را اعاده کند و عمره مفرده ای هم به جا آورد و دو مرتبه اصل حج را هم انجام دهد و تا سر تراشی و اعمال بعد از آن انجام نگرفته و عمره مفرده را انجام نداده، باقی بر احرام است.

[۱۳۵۸] س آیا در عرفات و منی و مشعر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود وظیفه حجاجی که قبلاً در مکه معظمه قصد اقامت کرده اند از حیث قصر و اتمام چیست؟

ج در فرض مذکور تمام است.

[۱۳۵۹] س بعضی از حجاج در مکه قصد اقامه کرده اند، چه بطن مکه یا محلات آن مثل شیشه و ریع المذاخر یا مسفله یا حجون، اگر یقین داشته باشند که تا عرفات چهار فرسخ است، نماز را قصر و اگر شک داشته باشند در مسافت شرعی نماز را تمام می خوانند، بفرمایید در مراجعت از عرفات و منی تکلیف آنان از نظر قصر و اتمام چیست؟ با توجه به اینکه توقف آنان در مکه یک روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

ج در صورت عدم مسافت شرعی یا شک در آن که در نماز باقی بر تمام هستند، اگر از عرفات که به مکه برمی گردند، از جهت اینکه محل اقامه است می روند و بعد از مکه قصد مسافرت می کنند، در بازگشت به مکه و در خود مکه هم نمازشان

تمام است.

[۱۳۶۰] س اگر موقف دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

[۱۳۶۱] س در مواردی که فرموده اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد... بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج باید خصوص مسأله ملاحظه شود و اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

[۱۳۶۲] س حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داد و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد چگونه از احرام خارج شود، وظیفه او چیست؟

ج بلی با تدارک طوافها و نماز، حج او صحیح است.

قسمت دوم

[۱۳۶۳] س اگر شخصی مبلغی آرزو به فردی بدهد که عوض آن را به قیمت دولتی یا آزاد پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد.

[۱۳۶۴] م پیشاهنگانی که می خواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند و نمی توانند در آن جا با احرام باشند، می توانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند و باید عمره و حج تمتع به جا آورد و در هر صورت اگر محرم شد و با لباس مخیط بود حج او صحیح است و باید کفاره بدهد.

[۱۳۶۵] س شخصی بعد از احرام عمره تمتع دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برای او نایب می گیرند و یا تبرعا

باقی اعمال او را انجام می دهند، آیا این اعمال برای شخص اول مُجزی است و از احرام خارج می شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می شود از ولی کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

حج نیابت مزبور کفایت نمی کند و شخص اول همچنان در احرام باقی است و پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی تواند به دیگری رجوع کند، مگر آن که مغرور شده باشد.

[۱۳۶۶] س آیا عمره و حج به واسطه جماع، یا ترک طواف، یا ترک احد الموقفین، فاسد می شود یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه باید از احرام خارج شد؟

حج تفصیل موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مناسک موجود است و جماع در عمره تمتع مفسد نیست و چنانچه در حج فساد به واسطه جماع باشد، باید عمل حج را تمام کند گرچه حج فاسد است و با اتمام حج از احرام خارج می شود، ولی در موارد دیگر، اگر فساد به ترک وقوف باشد، باید به همان احرام حج، عمره مفرده به جا آورد و مُحلّ شود و حکم ترک طواف در عمره تمتع، در مناسک مفصلاً بیان شده است و ترک طواف در حج صوری دارد که بعض آنها در مناسک ذکر شده است.

[۱۳۶۷] س کسی که حج او به واسطه ترک وقوفین فاسد شده و باقی اعمال را به جا آورده و بدون عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آینده این مُحرم چیست؟

حج به احرام باقی است و می تواند برای خروج از احرام عمره مفرده انجام دهد.

[۱۳۶۸] س آیا قصد ابطال عمره

یا حج و یا بعض اجزاء آن، مبطل است یا نه؟

ح قصد ابطال، مبطل نیست.

[۱۳۶۹] س آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین به فروش می رسد، جایز است یا نه؟

ح اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می شود، در صورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیر آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

محصور و مصدود [۴۹۶]

[۱۳۷۰] م مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می آید و محصور آن است که به واسطه مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

[۱۳۷۱] م کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

[۱۳۷۲] م اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها، او را منع کنند از رفتن مکه و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود حتی

[۱۳۷۳] م اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد، همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند، همین حکم را داشته باشد.

[۱۳۷۴] م کسی را که به واسطه بدهکاری، که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

[۱۳۷۵] م اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آن که حرجی باشد و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

[۱۳۷۶] م اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد، باید عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

[۱۳۷۷] م اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی رسد، نمی تواند عمل شخص مصدود را بکند و مُحَلّ شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

[۱۳۷۸] م تحقق پیدا می کند مصدود بودن در حج به اینکه به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می شود هر چند از روی علم و عمد نباشد

و صور آن [در] سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به اینکه بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منی یا اعمال مکه، با عدم امکان نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و منع نمودند از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال و اگر نشد سال دیگر.

[۱۳۷۹] م کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی که به ترک آنها، حتی به غیر عمد، حج باطل می شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آن که در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده، باید بعد از رفع منع، دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حجهالاسلام نیست.

[۱۳۸۰] م کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

[۱۳۸۱] م کسی که احرام عمره بست و به واسطه مرض نتوانست برود به مکه، اگر بخواهد مُحَلَّ شود باید هدی کند و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و

ساعت موعود رسید تقصیر کند. پس از آن، هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه کند.

[۱۳۸۲] م کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را باید بفرستد به منی که در آن جا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن.

[۱۳۸۳] م کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی شود مگر آن که خودش بیاید و اعمال حج را به جا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. و اما کسی که حج او استجابی بوده، بعید نیست کفایت طواف نایب از او، ولیکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.

[۱۳۸۴] م اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند، [ذبح نکرده بود و شخص مُحرم در روز موعود محلّ شد و با زن هم نزدیکی کرد، معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لیکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده، اجتناب کند گرچه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می فرستد برای ذبح.

[۱۳۸۵] م تحقق محصور بودن، مثل

تحقق مصدود بودن است که گذشت.

[۱۳۸۶] م اگر مریض بعد از آن که هدی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت، باید برود. پس اگر مُحرم به احرام تمتع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را به جا می آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد وقوف به عرفات فوت می شود، باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد و احتیاط آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بکند و کافی است از حَجَّهالاسلام.

و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده؛ یعنی به وقت اختیاری مشعر نمی رسد، عمره او مبدل می شود به عمره مفرده و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر به جا آورد.

[۱۳۸۷] م مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده، مانند او است.

[۱۳۸۸] م کسانی که مریض نیستند لیکن به علت دیگر، بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند؛ مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده، بعید نیست حکم مریض را داشته باشند، لیکن مسأله مشکل است. بنا بر این، احتیاط آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند. پس اگر حج فوت شده، عمره مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

[۱۳۸۹] م

زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد و در احرام عمره تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

استفتائات محصور و مصدود

[۱۳۹۰] س شخصی به نیت عمره تمتع استجبایی برای یکی از معصومین: یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را به جا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

[۱۳۹۱] س آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می دهد به جا آورد؟

ج بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می شود.

[۱۳۹۲] س در مناسک، حکم محصور را که بیان فرموده اید، مربوط است به کسی که مُحرم شده است و قبل از مُحل شدن محصور شود، در این جا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود، آیا حج از او ساقط است یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

ج از احرام خارج شده است ولی کفایت از حج نمی کند و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.

[۱۳۹۳] س شخصی بعد از آن که برای حج مُحرم شده، دچار سکنه قلبی می شود؛ به گونه ای که هر نوع حرکت برای او

ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ح اگر نمی تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می کند و چنانچه وقوفین را درک کرده، نسبت به بقیه اعمال، تفصیل بین امکان استتبابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

[۱۳۹۴] س شخصی در مدینه مصدوم می شود، او را به مسجد شجره می آورند و مُحرم می نمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

ح احرام او صحیح است و اگر می تواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استتبابه در طواف و سعی، حج او صحیح است و اگر نمی تواند حج به جا آورد احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

والسلام على محمد وآله الطيبين واللعن على أعدائهم أجمعين

پی نوشتها

۲۰ تا

[۱]. اگر انکار هر یک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است (اجوبه الاستفتائات، س ۳۳۶)

[۲]. و به تأخیر انداختن آن بدون عذر جایز نیست و اگر به تأخیر اندازد معصیت کرده است و حج بر ذمه او باقی است. (مناسک حج، م ۲)

[۳]. اگر غیربالغ یکی از مُحَرَّمات احرام را مرتکب شود، چنانچه آن عمل حرام، شکار باشد، کفاره ی آن بر عهده ی ولی اوست، اما در مورد کفارات دیگر، ظاهر آن است که پرداخت آن واجب نیست نه بر ولی و نه از مال خود غیر بالغ. (مناسک حج، م ۵)

[۴]. استطاعت؛ که مشتمل بر چند امر است:

الف

ب استطاعت بدنی و جسمی

ج استطاعت طریقی (ایمن بودن راه ها)

د استطاعت زمانی (مناسک حج، ص ۱۳، شرط سوم)

[۵]. (وجوب حج) مشروط بر آن است که هزینه ی بازگشت به وطن خود یا محل دیگری که می خواهد به آن جا برود را در اختیار داشته باشد. (مناسک حج، م ۱۰)

[۶]. شئون عرفی اشخاص با هم متفاوت است. کسی که داشتن مسکن شخصی از ضروریات زندگی او می باشد و یا عرفاً مناسب با شأن او است، و یا سکونت در منزل استیجاری یا عاریه ای و یا وقفی برای او حرج و مشقت دارد و یا موجب وهن او می شود، برای تحقق استطاعت او، داشتن خانه ملکی شرط است. (مناسک حج، م ۲۱)

[۷]. و ترک ازدواج موجب مشقت یا حرج او شود و بتواند ازدواج کند. (مناسک حج، م ۱۵)

[۸]. کسی که هزینه ی رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۱۳)

[۹]. به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

[۱۰]. کسی که مستطیع شده، نمی تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج، صرف کند، خود را از استطاعت خارج نماید. بلکه احتیاط واجب آن است که قبل از آن زمان نیز خود را از استطاعت خارج نکند. (مناسک حج، م ۳۲)

[۱۱]. ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد واجب نیست آن را پردازد و مستطیع نیست. (مناسک حج، م ۱۶)

[۱۲]. حکم مسأله قبل را دارد. (مناسک حج م ۱۶)

[۱۳].

ملاک استطاعت برای حج، توانایی انجام آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد لکن احتمال می دهد که اگر تحقیق و تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی اش مستطیع از انجام حج شود، واجب نیست تحقیق نماید. ولی اگر شک در استطاعت داشته باشد و بخواهد بداند که آیا مستطیع شده یا خیر، ظاهراً واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند. (مناسک حج، م ۱۷)

[۱۴]. لکن اگر قبول کرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۲۹)

[۱۵]. به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده نباشد. (مناسک حج، م ۳۵)

[۱۶]. و طلاب علوم دینی اگر بعد از مراجعت از حج زندگی آنها با شهریه حوزه های علوم دینی اداره یا تکمیل می شود، کافی است. (مناسک حج، م ۲۷)

[۱۷]. اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی خبر باشد، بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

[۱۸]. در خصوص اختیار ورثه نسبت به تصرف در ترکه و عدم آن، نظر معظم له یافت نشد.

[۱۹]. مگر آن که وصیت کرده باشد که مخارج حج از ثلث پرداخت شود، و در این صورت عمل به آن، بر وصایای مستحب اولویت دارد و اگر ثلث مالش برای انجام آن کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشت می شود. (مناسک حج، م ۴۳)

[۲۰]. به حاشیه مسأله ۴۰ مراجعه شود.

[۲۱]. کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر می تواند با فروش آنها

و خرید مایحتاج زندگی اش، مقدار زائد را صرف مخارج حج کند و این کار موجب حرج و وهن و منقصت او نمی شود، و مقدار مازاد به اندازه مخارج حج و یا مکمل آن است، باید این کار را انجام دهد و مستطیع است. (مناسک حج، م ۲۴)

[۲۲]. رجوع شود به حاشیه مسأله ۴۰.

[۲۳]. در صورتی که منزل شخصی جزء نیازهای ضروری او باشد و یا مالکیت آن با موقعیت عرفی او مناسب است، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی شود هر چند به مقدار مخارج حج و یا مکمل آن باشد. (مناسک حج، م ۲۵)

[۲۴]. کسی که حج بر او مستقر شده، اگر بر اثر پیری یا بیماری قدرت رفتن به حج را ندارد و یا برای او حرج و مشقت دارد و امیدی به بهبودی و قدرت پیدا کردن بر انجام حج بدون مشقت را هر چند در سال های آینده نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد. ولی کسی که حج بر او مستقر نشده، واجب نیست نایب بگیرد. (مناسک حج، م ۴۰)

[۲۵]. ولی اگر رفتن به حج در سالهای بعد از آن منوط به نام نویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نسبت به این کار اقدام کند. (مناسک حج، م ۳۹)

[۲۶]. کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و سپس بعد از عقد اجاره به واسطه ی مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده، اجاره باطل است، و در غیر این صورت، باید حج

استیجاری را در سال بعد به جا آورد. (مناسک حج، م ۳۶)

[۲۷]. به حاشیه مسأله ۵۵ مراجعه شود.

[۲۸]. به حاشیه مسأله ۴۰ رجوع شود.

[۲۹]. به شرط آن که انجام مناسک حج مزاحم با خدماتی که برای آن اجیر شده اند نباشد. (مناسک حج، م ۳۵)

[۳۰]. به حاشیه مسأله ۲۰ مراجعه شود.

[۳۱]. اگر به قصد انجام وظیفه فعلیه بوده، حج صحیح و استحبابی می باشد.

[۳۲]. اگر شخص مستطیع با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست قصد حج استحبابی کند، و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت آن از حجهالاسلام محل اشکال است و بنابر احتیاط، واجب است در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آن که به توهم اینکه وظیفه فعلیه او امتثال امر استحبابی است، قصد امتثال امر فعلی شارع مقدس را داشته باشد که در این صورت کفایت از حجهالاسلام می کند. (مناسک حج، م ۳۷)

[۳۳]. به حاشیه مسأله ۲۰ مراجعه شود.

[۳۴]. بلکه اگر رفتن به حج در سالهای بعد منوط به نام نویسی و پرداخت مبلغی در این سال باشد بنا بر احتیاط واجب باید نسبت به این کار اقدام کند. (مناسک حج، م ۳۹)

[۳۵]. بنابر احتیاط واجب (مناسک حج، م ۴۲)

[۳۶]. حج اول صحیح بوده و حج نیابتی او نیز صحیح است. (مناسک حج، م ۲۷ و ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

[۳۷]. اگر بعد از عقد اجاره به واسطه مالی غیر از مال الاجاره مستطیع شود باید در آن سال حج را برای خود انجام دهد و اگر عقد اجاره او برای همین سال بوده اجاره باطل است و در غیر این صورت باید حج استیجاری را در سال بعد به جا آورد. (مناسک حج، م ۳۶)

[۳۸]. به حاشیه مسأله ۸۶ مراجعه شود.

[۳۹]. این گونه افراد

حجّشان صحیح و مجزی است. (مناسک حج، م ۲۷)

[۴۰]. به حاشیه مسأله ۲۴ مراجعه شود.

[۴۱]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۳)

[۴۲]. اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی خبر باشد بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

[۴۳]. یا برای او حرج و مشقت داشته باشد و امیدی به رفع مشقت حتی در سال های بعد نداشته باشد. (مناسک حج، م ۴۰)

[۴۴]. متعزّض استحباب نشده اند. (مناسک حج، م ۵۲)

[۴۵]. و تفاوتی ندارد که نیابت او مجانی بوده یا با اجرت، و برای حجه الاسلام بوده یا حج واجبی دیگر. (مناسک حج، م ۶۲)

[۴۶]. متعزّض این احتیاط نشده اند. (مناسک حج، م ۶۶)

[۴۷]. کفایت از حج تمتّع می کند و مستحق اجرت هم هست. (مناسک حج، م ۵۳)

[۴۸]. باید فوراً به انجام آن مبادرت شود. (مناسک حج، م ۴۴)

[۴۹]. اما اگر نایب از واجب بودن حج بر خود بی خبر باشد بعید نیست که حج نیابی او صحیح باشد. (مناسک حج، ص ۲۸، شرائط نایب، ۵)

[۵۰]. اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد بنا بر احتیاط واجب مجزی نیست. (مناسک حج، م ۶۲)

[۵۱]. هرگاه نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد، اگر نایب گرفتن برای بری شدن ذمه ی منوب عنه باشد، کما اینکه ظاهر حال اطلاق قرارداد اجاره چنین است اجیر مستحق تمام اجرت خواهد بود که باید آنرا به ورثه اش پردازند. (مناسک حج، م ۵۴)

[۵۲]. کسی که از انجام برخی از اعمال حج معذور است، نمی تواند برای نیابت حج اجیر شود. معذور کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج مانند تلبیه و نماز طواف به نحو صحیح، و راه رفتن با پای خود در

طواف و سعی، و رمی جمرات به دست خودش، و وقوف در عرفات و مشعر در وقت مقرر، و رمی جمرات و بیتوته در منی را انجام دهد به طوری که منجر به نقص بعضی از اعمال حج شود. و اگر منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود و فقط در ارتکاب بعضی از محرمات احرام معذور باشد، نیابت او صحیح است.

در عدم کفایت حج نایبی که معذور است، فرقی نیست بین اینکه نایب اجیر باشد و یا نیابت مجانی و تبرّعی انجام شود. و نیز فرقی نیست بین اینکه نایب جاهل به عذر باشد یا نایب گیرنده جاهل به آن باشد، و همچنین فرقی نیست بین اینکه نایب یا نایب گیرنده جاهل باشد به این که آن عذر از عذرهایی است که نیابت با آن صحیح نیست، مانند آن که نایب جاهل باشد که نمی تواند به وقوف اضطراری در مشعرالحرام اکتفا کند. (مناسک حج، م ۵۷ و ۶۰)

[۵۳]. نسبت به لزوم فرستادن موها به منی نظر معظم له یافت نشد.

[۵۴]. بنا بر احتیاط واجب (مناسک حج، م ۳۵۷)

[۵۵]. نظر معظم له نسبت به فرستادن مو به منی به دست نیامد.

[۵۶]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، ص ۲۸، شرایط نایب، ۳)

[۵۷]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۵۸]. عقل در منوب عنه شرط نیست. (مناسک حج، م ۵۱)

[۵۹]. اگر راه با فیش مورد وصیت برای پسر باز شده و یا این که باز شدن راه برای پسر بدین گونه بوده که ورثه فیش را به یکی از فرزندان بدهند که به نیابت پدر به حج برود باید حج را به نیابت از پدر به جا آورد و چنانچه وصیتی نبوده و از او خواسته

نشده که نیابت کند، باید برای خودش حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

[۶۰]. مگر این که استطاعت طریقی (باز بودن راه) برای فرزند جز به لحاظ نیابت از پدر حاصل نشود.

[۶۱]. که در این صورت اگر به فرزند نیابت دهد مجزی خواهد بود. (مناسک حج، ص ۲۹، شرایط منوب عنہ، ۲)

[۶۲]. اجیر کردن کسی که وظیفه او به خاطر کمی وقت عدول به حج افراد است، صحیح نیست. اما اگر نایب را در وسعت وقت اجیر کنند و سپس اتفاقاً وقت بر او تنگ شود، واجب است که [به حج افراد] عدول کند و عمل او از حج تمتع منوب عنہ کفایت می نماید و مستحق دریافت اجرت نیز هست. (مناسک حج، م ۵۳)

[۶۳]. نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، لیکن بعد از عقد اجاره، در موقع عمل یا قبل از محرم شدن، جزو معذورین شده، اگر عذر او منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود نیابت او صحیح است؛ مثل این که در ارتکاب بعضی از تروک معذور شود ولی اگر عذر منجر به نقص در اعمال حج شود در این صورت بطلان اجاره بعید نیست و احوط مصالحه بین نایب و منوب عنہ در اجرت و اعاده عمره و حج برای منوب عنہ می باشد. (مناسک حج، م ۵۸)

[۶۴]. از مسأله قبل معلوم شد.

[۶۵]. کسی که هزینه ی رفتن به حج را در اختیار ندارد، اما می تواند قرض بگیرد و سپس به سادگی قرض خود را ادا کند، واجب نیست که خود را با قرض گرفتن مستطیع کند، اما اگر بگیرد، حج بر او واجب می شود. (مناسک حج، م ۱۳)

[۶۶]. همچنین کسانی که پس از اعمال حج یا عمره مفرده از

مکه خارج شده اند و می خواهند در همان ماه انجام حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند، احرام و عمره مجدد واجب نیست. (مناسک حج، م ۶۹)

[۶۷]. تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، و بین دو عمره وجود فاصله ی معین شرط نیست. ولی بنا بر احتیاط در هر ماه فقط یک عمره برای خود می تواند به جا آورد. و اگر دو عمره برای افراد دیگر انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره هم برای دیگری به جا آورد، فاصله مذکور شرط نیست. بنابراین اگر عمره دوم را به نیابت از دیگری انجام دهد، جایز است نایب در برابر آن اجرت بگیرد و از عمره ی مفرده ی منوب عنه هر چند واجب باشد، کفایت می کند. (مناسک حج، م ۷۰)

[۶۸]. در مناسک معظم له این مسأله نیز وجود دارد: عمره تمتع باید در یکی از ماه های حج یعنی شوال یا ذی قعدة یا ذی حجه به جا آورده شود، در حالی که انجام عمره مفرده در همه ایام سال صحیح است. (مناسک حج، م ۷۳)

[۶۹]. در عمره تمتع طواف نساء و نماز طواف نساء واجب نیست، هر چند احتیاط آن است که آن دو را به قصد رجا به جا آورد. ولی در عمره ی مفرده طواف نساء و نماز آن واجب است. (مناسک حج، م ۷۲)

[۷۰]. میقات عمره مفرده برای کسی که داخل شهر مکه مکرمه است اذنی الجبل (نزدیک ترین نقطه ی خارج از حرم) است، و افضل حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم می باشد، هر چند احرام بستن از یکی از مواقیت پنج گانه نیز جایز است، و اما کسی که خارج مکه است و می خواهد عمره مفرده به جا آورد باید برای آن از یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود.

[۷۱]. به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

[۷۲]. اولاً میزان، ماه قمری است و ثانیاً به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

[۷۳]. نظر معظم له ذیل مسأله ۱۷۳ گذشت.

[۷۴]. قصد رجا لازم نیست. (مناسک حج، م ۷۰)

[۷۵]. حج قرآن مانند حج افراد است با این تفاوت که در حج قرآن باید در حال احرام قربانی همراه محرم باشد بنا بر این در این صورت قربانی بر او واجب است. همچنین در حج قرآن احرام هم با لیبیک گفتن محقق می شود و هم با اشعار یا تقلید ولی در حج افراد فقط با لیبیک گفتن محقق می شود. (مناسک حج، ص ۴۰)

[۷۶]. مسجد شجره در منطقه ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره واقع شده است. (مناسک حج، ص ۴۷)

[۷۷]. از قبیل بیماری و ضعف و عذرهای دیگر. (مناسک حج، م ۷۸)

[۷۸]. احرام خارج از مسجد شجره کفایت نمی کند و واجب است داخل مسجد مُحرم شوند. (مناسک حج، م ۷۹)

[۷۹]. زنی که دارای عذر است، می تواند در حال عبور از مسجد مُحرم شود، به شرطی که مستلزم توقف در مسجد نباشد. ولی اگر مستلزم توقف در مسجد هر چند بر اثر ازدحام و مانند آن باشد و نتواند احرام را تا برطرف شدن عذر به تأخیر بیندازد، باید از جُحفه یا محاذات آن مُحرم شود. و جایز است با نذر از هر مکان دیگری قبل از میقات مُحرم شود. (مناسک حج، م ۸۰)

[۸۰]. و احرام بستن از همه ی قسمت های آن صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۸)

[۸۱]. و مُحرم شدن از قَرْنِ الْمَنَازِل خواه از داخل مسجد باشد یا خارج آن در سایر مواضع قَرْنِ الْمَنَازِل کافی است. (مناسک حج، ص ۴۹)

[۸۲].

و احرام بستن از همه ی قسمت های آن صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۹)

[۸۳]. و احرام بستن از داخل مسجد و یا سایر مواضع جُحْفَه صحیح است. (مناسک حج، ص ۴۸)

[۸۴]. یا شهرتی که موجب اطمینان است قائم شد. (مناسک حج، م ۸۲)

[۸۵]. یا شهرت موجب اطمینان

[۸۶]. یا کسی که حج بر او مستقر شده (مناسک حج، م ۸۸)

[۸۷]. نمی توانند در جَدّه برای عمره تمتّع اختیاراً محرم شوند، زیرا جَدّه نه میقات است، نه محاذی میقات؛ بلکه برای احرام باید به یکی از میقات ها، مثل جُحْفَه بروند. و در صورتی که نتوانند به یکی از میقات ها بروند، احتیاط واجب این است که با نذر از جَدّه احرام ببندند. (مناسک حج، م ۸۹)

[۸۸]. یا شهرتی که موجب اطمینان شود. (مناسک حج، م ۸۲)

[۸۹]. در مناسک معظمّ له نیست. (مناسک حج، م ۸۲)

[۹۰]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۸۵)

[۹۱]. این احتیاط یافت نشد. (مناسک حج، م ۸۵)

[۹۲]. در مناسک معظمّ له یافت نشد. (مناسک حج، م ۸۳)

[۹۳]. نظر معظمّ له نسبت به این احتیاط یافت نشد. (مناسک حج، م ۸۶)

[۹۴]. در صورت امکان باید برگردد. (مناسک حج، م ۸۴)

[۹۵]. حکم آن در مسأله ۲۰۲ گذشت.

[۹۶]. این احتیاط یافت نشد. (مناسک حج، م ۷۹)

[۹۷]. می تواند به نیت حج افراد محرم شود و نیز می تواند به قصد ما فی الذّمه داخل احرام شود ولی در صورت اوّل اگر زودتر از موعد مقررّ پاک شود، لازم است برای عمره تمتّع بار دیگر محرم شود و اما در صورت دوم اگر پیش از موعد پاک نشد، احرام او برای حج خواهد بود و اگر پیش از موعد پاک شد با همان احرام می تواند عمره

تمتع به جا آورد.د(استفتاء ۲۱۷۴/۷، دستخط معظم له)

[۹۸]. یا محاذات آن. (مناسک حج، م ۸۲)

[۹۹]. ظنّ حاصل از گفته اهل اطلاع کافی است. (مناسک حج، م ۸۲)

[۱۰۰]. واجب است برگردد و از همان میقاتی که از آن عبور کرده است محرم شود، چه میقات دیگری در جلو باشد یا نه. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۴۰)

[۱۰۱]. مگر اینکه داخل مکه شده باشد که در این صورت وظیفه ای ندارد ولی اگر از روی عمد بدون احرام وارد مکه شده عمل حرام انجام داده و باید توبه کند. (مناسک محشی، ص ۵۶۷، استفتاء ش ۳۴)

[۱۰۲]. مگر نایب باشد که باید به میقات برود، و الا نمی تواند نایب شود. (مناسک حج، م ۵۷)

[۱۰۳]. به حاشیه مسأله ۲۳۸ مراجعه شود.

[۱۰۴]. چنانچه بخواهد در همان ماه که عمره را انجام داده به مکه مراجعه نماید، نیاز به احرام مجدد ندارد. (مناسک حج، م ۶۹)

[۱۰۵]. به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

[۱۰۶]. به حاشیه مسأله ۲۰۵ مراجعه شود.

[۱۰۷]. در صحت نذر زوجه برای احرام پیش از میقات در صورتی که شوهر او غایب باشد، اذن شوهر شرط نیست. ولی اگر حضور داشته باشد، احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد. و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر او منعقد نمی شود. (مناسک حج، م ۸۱)

[۱۰۸]. به هر نحو که می تواند بگوید و احتیاط آن است که علاوه بر گفتن خودش نایب هم بگیرد. (مناسک حج، م ۱۰۳)

[۱۰۹]. به حاشیه مسأله ۲۲۹ مراجعه شود.

[۱۱۰]. جایز است برای کسی که اطمینان دارد با خارج شدن از مکه حج او فوت نمی شود، بعد از انجام عمره تمتع و قبل از احرام حج از مکه بیرون رود اگر چه احتیاط مستحب آن است که

فقط در مورد ضرورت و نیاز خارج شود. و برای ورود به شهر مکه نیاز به تجدید احرام عمره تمتع ندارد مگر اینکه در غیر ماهی که عمره تمتع را انجام داده است برگردد که در این صورت باید از میقات مجدداً برای عمره تمتع محرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. (مناسک حج، م ۹۱ و ۹۳)

[۱۱۱]. اگر در همان ماهی که اعمال حج را انجام داده است وارد شود احرام مجدد لازم نیست. (مناسک حج، م ۶۹)

[۱۱۲]. به حاشیه مسأله ۱۷۳ مراجعه شود.

[۱۱۳]. اگر در همان ماهی که احرام و اعمال عمره را انجام داده است وارد مکه شود عبور از میقات بلا مانع است اما اگر احرام در ماهی و اعمال در ماه دیگر باشد پس اگر احرام وی در ماه رجب بوده و اعمال را در ماه شعبان انجام داده بنا بر احتیاط واجب اگر در ماه شعبان مجدداً وارد مکه شود باید احرام ببندد. و رعایت این احتیاط در ماه های دیگر هم خوب است. (استفتاء، دستخط معظم له)

[۱۱۴]. واجب است. (مناسک حج، م ۸۰)

[۱۱۵]. نذر زن برای احرام بستن قبل از میقات در غیاب شوهرش، موقوف بر اذن او نیست ولی در صورت حضور شوهر احتیاط واجب آن است که از او اذن بگیرد و اگر بدون اذن شوهر نذر کند نذر او منعقد نمی شود. (مناسک حج، م ۸۱)

[۱۱۶]. یا حج بر او مستقر شده است. (مناسک حج، م ۸۸)

[۱۱۷]. اول نیت، که شرایط و کیفیت آن به شرح ذیل است:

الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره، بنابراین کسی که میخواهد برای عمره تمتع محرم شود. باید از

زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد. (مناسک حج، م ۹۵)

ب) قصد قربه الی الله و نیت خالص برای اطاعت خداوند داشته باشد، زیرا عمره و حج و همه اعمال و مناسک آنها عبادت هستند و باید به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی به جا آورده شوند.

ج) کسی که می خواهد محرم شود باید هنگام احرام قصد و نیت خود را تعیین کند یعنی معین کند که آیا قصد انجام حج دارد یا عمره، و همچنین مشخص کند که آیا حج تمتع است یا افراد یا قرآن، حج را برای خود به جا می آورد یا به نیابت از دیگری، حجه الاسلام است یا حج نذری و یا حج مستحب. (مناسک حج، م ۹۷)

نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابراین نیت قبلی کفایت نمی کند مگر آنکه تا زمان احرام استمرار داشته باشد. (مناسک حج، م ۱۰۰)

[۱۱۸] زیرا قصد انجام این امور با قصد انجام مناسک حج قابل جمع نیست، بلکه با قصد احرام منافات دارد. (مناسک حج، م ۹۷)

[۱۱۹]. و بنا بر احتیاط واجب به هر مقدار که ممکن باشد به طرف میقات برگردد. (مناسک حج، م ۸۵)

[۱۲۰]. تلبیه در احرام، همانند تکبیره الاحرام در نماز است، بنا بر این هنگامی که حاجی تلبیه بگوید، محرم می شود و اعمال عمره ی تمتع را آغاز می کند. در حقیقت، تلبیه به منزله ی اجابت دعوت پروردگار مهربان است که مکلفان را به حج فرا خوانده است، از این رو شایسته است که ذکر تلبیه با خشوع و خشوع کامل ادا شود. (مناسک حج، م ۱۰۱)

[۱۲۱]. لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ... (مناسک حج، م ۱۰۱)

[۱۲۲]. در مناسک معظم له نیست. (مناسک حج، م ۱۰۱)

[۱۲۳]

در مناسک معظم له این دو مسأله نیز مطرح شده است:

هرگاه کسی عمداً تلبیه را نگوید، حکم کسی را دارد که عمداً احرام بستن از میقات را ترک کرده باشد. (مناسک حج، م ۱۰۴)

هرگاه کسی تلبیه را به طور صحیح نگوید و عذری نیز نداشته باشد، حکم کسی را دارد که عمداً تلبیه را ترک کرده باشد. (مناسک حج، م ۱۰۵)

[۱۲۴]. باید به هر نحو که می تواند بگوید و بنا بر احتیاط نایب هم بگیرد. (مناسک حج، م ۱۰۳)

[۱۲۵]. بنا بر احتیاط واجب هر مقدار که ممکن باشد به طرف میقات برگردد و احرام ببندد و لثیک بگوید. (مناسک حج، م ۸۵)

[۱۲۶]. واجب است. (مناسک حج، م ۱۰۶)

[۱۲۷]. واجب است. (مناسک حج، م ۱۰۶)

[۱۲۸]. پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبدی است. (استفتاء)

[۱۲۹]. بدن نما بودن ردا مانع ندارد، مشروط بر این که ردا بر آن صدق کند. (مناسک حج، م ۱۱۴)

[۱۳۰]. باید از حریر خالص نباشد. (مناسک حج، م ۱۱۶)

[۱۳۱]. در مناسک معظم له یافت نشد. (مناسک حج، م ۱۲۳)

[۱۳۲]. چنانچه جامه احرام از پوست یا نایلون و مانند آن باشد، اگر عرفاً به آن جامه گفته می شود و پوشیدن آن متعارف است مانع ندارد. (مناسک حج، م ۱۱۷)

[۱۳۳]. و پوشیدن آن متعارف باشد. (مناسک حج، م ۱۱۷)

[۱۳۴]. اگر بر اثر سرما و مانند آن ناگزیر از پوشیدن جامه ی دوخته باشد می تواند از لباس های معمولی مانند پیراهن استفاده کند اما نباید آن را بپوشد بلکه آن را به صورت برعکس بالا- به پایین یا پشت و رو به روی خود بیاندازد. (مناسک حج، م ۱۱۹)

[۱۳۵]. و بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۳۵)

[۱۳۶]. اگر در حین احرام، از روی علم و عمد

لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد، صحّت احرامش خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن نیت و تلبیه را تکرار کند. (مناسک حج، م ۱۱۸)

[۱۳۷]. گره زدن لنگ به گردن جایز نیست ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن بعضی آن به بعضی دیگر مانعی ندارد مادامی که از صدق عنوان ازار خارج نشود. و همچنین در رداء گره زدن آن با سنجاق یا گیره یا با گذاشتن سنگریزه در دو طرف آن، بستن آن با نخ به نحو متعارف تا زمانی که عنوان رداء بر آن صدق کند، جایز است. (مناسک حج، م ۱۱۱)

[۱۳۸]. در صورت علم و عمد، نظر معظّم له در ذیل مسأله ۲۸۶ بیان شد.

[۱۳۹]. نظر معظّم له نسبت به صحّت یا بطلان عمره به دست نیامد.

[۱۴۰]. به حاشیه مسأله ۲۲۱ مراجعه شود.

[۱۴۱]. به مسأله ۲۱۵ مراجعه شود.

[۱۴۲]. مستحب است که پیش از مُحرم شدن در میقات و یا پیش از رسیدن به میقات مثلاً در مدینه غسل کند و گفته شده که احوط آن است که این غسل را ترک نکند. (مناسک حج، م ۱۲۳)

[۱۴۳]. در مناسک معظّم له یافت نشد.

[۱۴۴]. مستحب است که بعد از نماز ظهر، یا بعد از هر نماز واجب دیگر و یا بعد از دو رکعت نماز مستحبی محرم شود و در برخی احادیث آمده است که [پیش از احرام] شش رکعت نماز مستحب است و فضیلت بیشتری دارد. (مناسک حج، م ۱۲۴)

[۱۴۵]. رفتن به حمام و شستن بدن با کیسه و مانند آن نیز در حال احرام مکروه است. (مناسک حج، م ۱۲۵)

[۱۴۶]. بر شخص واجب است

که از لحظه ی شروع احرام تا آن گاه که محرم است، از برخی امور اجتناب کند که به آنها «محرمات احرام» گفته می شود. (مناسک حج، م ۱۲۶)

[۱۴۷]. [بنابراین] نگاه زن و شوهر به یکدیگر و گرفتن دست یکدیگر اگر از روی شهوت و التذاذ جنسی نباشد، جایز است. (مناسک حج، م ۲۲۶ و مناسک حج دست نویس، م ۱۶۰)

[۱۴۸]. کفاره اش یک شتر است. (مناسک حج، م ۲۲۸)

[۱۴۹]. ما بین مشعر و اتمام طواف نساء اگر آمیزش جنسی شود حج صحیح است و فقط باید کفاره بدهد، ولی اگر پس از طواف نساء باشد کفاره هم ندارد. در باب حکم اثناء طواف نساء و این که آیا عبور از نصف در حکم تمام طواف است یا عبور از شوط پنجم، میان فقهاء بحث است که محل ابتلاء نیست. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۴۴)

[۱۵۰]. کفاره بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد، شتر است و اگر بدون شهوت باشد گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفاره هم ندارد. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۴۵)

[۱۵۱]. به حاشیه قبل از مسأله ۳۱۴ (دوم جماع کردن...) مراجعه شود.

[۱۵۲]. کفاره ملاعبه منتهی به اِمناء در حال احرام، یک شتر است. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۴۳)

[۱۵۳]. و اگر نتواند شتر بدهد، قربانی کردن یک گوسفند کافی است. البته وجوب کفاره در صورت علم به حکم و عمد می باشد و علاوه بر آن اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می دهد و پیش از مزدلفه است، لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره به جا آورد و اگر استمناء به وسیله همسرش انجام شده، احتیاط واجب آن است

که باز هم این گونه عمل کند. (اجوبه الاستفتاءات فی الحج، س ۵۵)

[۱۵۴]. و نیز استفاده محرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنا بر احتیاط جایز نیست.

۱۵۵ (مناسک حج، م ۱۶۸)

۲۲۴۶۱۵۵

[۱۵۵]. خوردن غذایی که در آن زعفران وجود دارد، برای محرم جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۷۰)

[۱۵۶]. بنا بر احتیاط واجب، باید محرم از بوییدن هر چیز معطر اجتناب کند، هرچند به آن عطر اطلاق نشود، مانند گل ها و

سبزیجات و میوه های خوشبو. (مناسک حج، م ۱۶۹)

[۱۵۷]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۱۵۸]. بنا بر احتیاط واجب از بوییدن آن ها خودداری کند. (مناسک حج، م ۱۷۱)

[۱۵۹]. احتیاط واجب آن است که برای استفاده ی عمدی از عطریات و بوی خوش، چه آن هایی که در خوراک از آن

استفاده می شود مانند زعفران و چه غیر آن ها، یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج دست نویس، م ۱۰۷)

[۱۶۰]. تکرر استعمال طیب در یک زمان تا حدی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند، کفاره را متعدد نمی کند و در

غیر آن علی الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد. (استفتاء، دستخط معظم له، ش

۵۶)

[۱۶۱]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۱۷۳)

[۱۶۲]. و همچنین لباس های دکمه دار، که با بستن دکمه های آن به صورت پیراهن و مانند آن در می آید گرچه مخیط

نباشد، پوشیدن آن برای مردان حرام است. (مناسک حج م ۱۲۹)

[۱۶۳]. کمر بند و همیان که در آن پول می گذارند و به کمر می بندند و بند ساعت و امثال اینها که لباس محسوب نمی شود

اگر چه دوخته باشد اشکال ندارد. همچنین نشستن و خوابیدن بر روی فرش دوخته یا لباس های ممنوع یا به عنوان رو

انداز از آنها استفاده کردن مانعی ندارد. همین طور انداختن پتو و امثال آن بر روی دوش هر چند حاشیه آن دوخته باشد اشکال ندارد. و نیز دوختن حاشیه پارچه احرام بلامانع است. (مناسک حج دست نویس، م ۶۶ تا م ۶۸ و مناسک حج، م ۱۳۱ تا ۱۳۳)

[۱۶۴]. به حاشیه مسأله ۳۴۷ مراجعه شود.

[۱۶۵]. بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند بدهد. (مناسک حج، م ۱۳۵)

[۱۶۶]. به حاشیه مسأله ۲۷۸ مراجعه شود.

[۱۶۷]. پوشیدن دستکش برای زنان جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۳۶)

[۱۶۸]. ادامه مسأله در مناسک معظم له نیست.

[۱۶۹]. بنا بر احتیاط واجب در صورت اضطرار به پوشیدن لباس هم باید کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۳۵)

[۱۷۰]. کشیدن سرمه به چشم در صورتی که زینت محسوب شود و همچنین خط کشیدن به دور چشمها که زنان برای زینت می کشند در حال احرام جایز نیست و فرقی میان رنگ سیاه و غیر آن نیست. (مناسک حج، م ۱۹۸)

[۱۷۱]. نگاه کردن در آینه بدون قصد زینت؛ مانند راننده و امثال آن، اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۷۴)

[۱۷۲]. نگاه کردن در آب صاف یا در اجسام صیقلی که تصاویر در آن دیده می شود نیز همانند نگریستن در آینه است، که اگر برای زینت باشد، جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۷۵)

[۱۷۳]. احتیاط واجب اجتناب از هر چیزی است که عرفاً زینت محسوب می شود. (مناسک حج، م ۱۸۳)

[۱۷۴]. احتیاط واجب است. (مناسک حج، م ۱۷۹)

[۱۷۵]. اما بهتر آن است. (مناسک حج، م ۱۷۶)

[۱۷۶]. نگاه به آینه بدون قصد زینت اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۷۴)

[۱۷۷]. مرد محرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا

را می پوشانند مانند کفش و گیوه و امثال آن اجتناب کند. لکن اگر لباس احرام یا پتو و امثال آن را روی پا بیندازد اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۳۷ و ۱۳۹)

[۱۷۸]. اما احتیاط مستحب آن است که زنان نیز آن را مراعات کنند. (مناسک حج، م ۱۴۲)

[۱۷۹]. احتیاط مستحب در مورد خصوص جوراب آن است که یک گوسفند به عنوان کفاره قربانی کند. (مناسک حج دست نویس، م ۷۶)

[۱۸۰]. در مناسک معظّم له نیست. (مناسک حج، م ۲۰۸)

[۱۸۱]. بنا بر احتیاط واجب لفظ مرادف «الله» به هر زبانی که باشد ملحق به جدال است. (مناسک حج، م ۲۱۰)

[۱۸۲]. و در بیش از دو بار (مناسک حج، م ۲۱۲)

[۱۸۳]. اگر سوگند دروغ یاد کند، در مرتبه ی اول و دوم باید یک گوسفند کفاره دهد، و احوط آن است که در مرتبه ی دوم، دو گوسفند بدهد، اما اگر بیش از دو بار چنین کند، در مرتبه های بعد باید یک گاو کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۲۱۳)

[۱۸۴]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۲۱۴)

[۱۸۵]. بنا بر احتیاط واجب، محرم باید از به دست کردن انگشتر اگر زینت محسوب شود اجتناب کند، گر چه قصد زینت نکند، بلکه از هر کاری که زینت حساب شود اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۸۰ و ۱۸۳)

[۱۸۶]. احتیاط واجب آن است که فرد محرم از استعمال حنا و رنگ مو اگر زینت بشمار آید بلکه از هر کاری که زینت محسوب می شود اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۸۳)

[۱۸۷]. مالیدن روغن به اعضای بدن و موی سر، در حال احرام جایز نیست، چه از قبیل کرم که برای زینت زده می شود و چه غیر آن و چه معطر باشد و

چه نباشد. (مناسک حج، م ۱۸۶)

[۱۸۸]. به حاشیه مسأله بعد مراجعه شود.

[۱۸۹]. کفّاره مالیدن روغن معطر بنا بر احتیاط یک گوسفند و کفّاره روغن غیر معطر بنا بر احتیاط اطعام یک فقیر است، اگر چه عدم وجوب کفّاره در هر دو مورد بعید نیست. (مناسک حج، م ۱۹۰)

[۱۹۰]. یا تیمم (مناسک حج، م ۱۹۲)

[۱۹۱]. اگر سر را عالمّاً عامداً بتراشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۹۴)

[۱۹۲]. احتیاط مستحب آن است که به قدر یک مشت گندم و آرد و امثال آن صدقه بدهد. (مناسک حج، م ۱۹۷)

[۱۹۳]. فرو بردن تمام سر در آب برای محرم جایز نیست ولی کفّاره ندارد. و بنا بر ظاهر در این مسأله تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد. (مناسک حج، م ۱۴۷)

[۱۹۴]. پوشاندن قسمتی از سر به نحوی که عرفاً مصداق پوشاندن سر باشد مانند گذاشتن کلاه کوچک در وسط سر جایز نیست، اما در غیر این صورت مانند گذاشتن قرآن و مانند آن بر روی سر و یا خشک کردن تدریجی بخشی از سر اشکال ندارد، هر چند احوط آن است که از آن نیز اجتناب نماید. (مناسک حج، م ۱۴۶)

[۱۹۵]. حرمت زیر آب بردن نسبت به بعضی سر معلوم نیست. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۲۸)

[۱۹۶]. خشک کردن تدریجی سر با حوله اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۳۰)

[۱۹۷]. کفّاره پوشاندن سر، بنا بر احتیاط واجب، یک گوسفند قربانی کردن است. و بعضی سر حکم تمام سر را ندارد مگر عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانده است؛

مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۲۹)

[۱۹۸]. احتیاط تکرّر کفّاره در صورت تکرّر ستر است مطلقاً. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۳۱)

[۱۹۹]. حکم آن در مسأله قبل گذشت.

[۲۰۰]. پوشاندن صورت با بادبزن و مانند آن (کاغذ و روزنامه و...) برای زنان حرام است، اما گذاشتن دست ها بر روی صورت اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۳)

[۲۰۱]. پوشاندن صورت در حال احرام به گونه ای که متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا خودداری از شناخته شدن است برای زنان جایز نیست. بنابراین پوشاندن بخشی از صورت به نحوی که پوشاندن صورت بر آن صدق کند، مانند پوشاندن گونه ها و بینی و دهان و چانه جهت حجاب یا شناخته نشدن، مانند پوشاندن تمام صورت است و جایز نمی باشد. (مناسک حج، م ۱۵۰)

استفاده از ماسک برای پوشش بینی و دهان برای زنان در حال احرام مانع ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۱)

[۲۰۲]. پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین و یا دو طرف آن، به طوری که زنان هنگام پوشیدن مقنعه به نحو متعارف و یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی کند، اشکال ندارد، چه در نماز باشد و چه در حال دیگر. (مناسک حج، م ۱۵۲)

[۲۰۳]. جایز است زن در حال احرام، چادر یا جامه ای را که بر سرانداخته طرف آنرا بر روی صورت بیاویزد، به نحوی که بخشی از صورت و پیشانی اش را تا بالای بینی پوشاند، اما احوط آن است که اگر مرد اجنبی او را نمی بیند، از این کار اجتناب نماید. (مناسک حج، م ۱۵۴)

[۲۰۴]. در مسأله

قبل احوط آن است که پوشش مذکور با صورت تماس نداشته باشد. (مناسک حج، م ۱۵۵)

[۲۰۵]. احوط آن است که شخص محرم پس از رسیدن به مکه پیش از انجام مناسک عمره و همچنین در حال احرام در عرفات و منی، از قرار گرفتن در زیر سایه های متحرک مانند اتوبوس مسقف و چتر، اجتناب کند. ولی قرار گرفتن در سایه ی دیوار و درخت و مانند آنها و نیز عبور از زیر سقف های ثابت مانند پل و تونل، حتی در روز اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۵۸ و ۱۶۱)

[۲۰۶]. جدّه نه میقات است و نه محاذی میقات، لذا احرام برای عمره تمتّع در آنجا در حال اختیار صحیح نمی باشد، اما اگر رفتن به میقات ممکن نباشد احتیاط واجب آن است که با نذر از آنجا محرم شود. (مناسک حج، م ۸۹)

[۲۰۷]. احوط آن است که در شبهای بارانی و سرد از سوار شدن به اتوبوس مسقف و مانند آن اگر برای فرار از باران و سرما باشد اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۶۰)

[۲۰۸]. کفاره آن یک گوسفند است و فرقی بین اختیار و اضطرار نیست. (مناسک حج، م ۱۶۳ و ۱۶۴)

[۲۰۹]. به احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۲۰۳)

[۲۱۰]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۲۰۳)

[۲۱۱]. اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد. (مناسک حج، م ۲۰۶)

[۲۱۲]. بر محرم حرام است ناخن دست یا پای خود را بگیرد، چه تمام آن را بگیرد و چه قسمتی از آن را و چه با قیچی باشد یا با چیز دیگر، و تفاوتی ندارد که ناخن را ببرد یا کوتاه کند و یا بکند، چه با قیچی یا ناخن گیر یا چاقو باشد و یا با وسیله ی

دیگر. (مناسک حج، م ۱۹۹)

[۲۱۳]. احتیاط واجب آن است که از کشیدن دندان اگر موجب بیرون آمدن خون می شود جز در موارد ضرورت و نیاز خودداری کند. (مناسک حج، م ۲۰۵)

[۲۱۴]. بیرون آوردن خون از بدن کفاره ندارد، اما مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد. (مناسک حج، م ۲۰۶)

[۲۱۵]. قطع کردن و بریدن و شکستن درختان و گیاهان روییده در حرم، برای محرم و غیر محرم حرام است. (مناسک حج، م ۲۱۵)

[۲۱۶]. اگر درختی را که بریدن آن حرام است ببرد بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۲۱۷)

[۲۱۷]. گیاهانی که به عنوان علوفه حیوانات از آن استفاده می شود از حکم مذکور مستثنی است. (مناسک حج، م ۲۱۶)

[۲۱۸]. حمل سلاح برای محرم جایز نیست. (مناسک حج، م ۲۱۸)

اگر برای حفظ جان خود و دیگران نیاز به حمل سلاح داشته باشد، حمل آن جایز است. (مناسک حج، م ۲۱۹)

[۲۱۹]. به حاشیه مسأله ۴۴۴ مراجعه شود.

[۲۲۰]. بنا بر احتیاط واجب تزریق نکند مگر در صورت نیاز. (مناسک حج، م ۲۰۴)

[۲۲۱]. عبور از زیر سایه ثابت اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۶۱)

[۲۲۲]. به حاشیه مسأله ۴۳۸ مراجعه شود.

[۲۲۳]. استفاده مُحرم از صابون عطری و شامپوی معطر بنا بر احتیاط جایز نیست. (مناسک حج، م ۱۶۸)

[۲۲۴]. پوشیدن چیز دوخته که به آن لباس گفته نمی شود مانند کمر بند و همیان و بند ساعت و مانند آن اشکال ندارد.

(مناسک حج، م ۱۳۱)

۲۸۱۵۲۲۵

[۲۲۵]. نگاه کردن مُحرم در آئینه، اگر برای زینت باشد حرام است و گر نه حرام نیست. (مناسک حج، م ۱۷۴)

[۲۲۶]. در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم برداری اشکال ندارد. (مناسک حج دست

[۲۲۷]. اگر بوی خوش داشته باشد، بنا بر احتیاط مستحب، کفاره آن گوسفند است. (مناسک حج، م ۱۹۰)

[۲۲۸]. می تواند قسمت جلوی سر را تدریجاً خشک کند به طوری که حوله تمام سر را نپوشاند و وضو بگیرد. (مناسک حج، م ۱۴۶)

[۲۲۹]. بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۱۴۸)

[۲۳۰]. به حاشیه مسأله ۴۲۹ مراجعه شود.

[۲۳۱]. اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد. (استفتاء، دستخط معظم له، ش ۳۴)

[۲۳۲]. احوط آن است که از قرار گرفتن زیر سایه های متحرک مثل اتوبوس مسقف و چتر اجتناب کند. (مناسک حج، م ۱۵۸)

[۲۳۳]. به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

[۲۳۴]. به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

[۲۳۵]. به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

[۲۳۶]. بنا بر احتیاط واجب در منی ذبح کند. (مناسک حج، م ۲۳۴)

[۲۳۷]. به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

[۲۳۸]. عبور از زیر سقفهای ثابت مانند پل و تونل اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۱۶۱)

[۲۳۹]. به حاشیه سؤال ۵۰۸ مراجعه شود.

[۲۴۰]. به حاشیه مسأله ۴۶۸ مراجعه شود.

[۲۴۱]. لازم نیست که به محض ورود به مکه، طواف را به جا آورد، بلکه می تواند تا زمانی که وقت وقوف اختیاری در عرفات تنگ نشده، آن را به تأخیر اندازد. (زمان وقوف اختیاری در عرفات از ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب آفتاب همان روز است.) به گونه ای که بتواند پس از انجام طواف و اعمال پس از آن، وقوف در عرفات را درک کند. (مناسک حج، م ۲۸۰)

[۲۴۲]. اگر بر او واجب بوده (مناسک حج، م ۲۸۱)

[۲۴۳]. اگر طواف را فراموش کند و پیش از فوت وقت به یاد آورد، باید طواف و نماز طواف را

به جا آورد و سپس سعی انجام دهد. (مناسک حج، م ۲۸۲)

[۲۴۴]. شرایط صحّت طواف چند چیز است: ۱ نیت؛ ۲ طهارت از حدث اکبر و اصغر؛ ۳ طهارت از نجاست؛ ۴ ختنه بودن برای مردان؛ ۵ پوشاندن عورت؛ ۶ غصبی نبودن جامه ی طواف؛ ۷ موالات. (مناسک حج، ص ۸۹، شرایط طواف)

[۲۴۵]. در نیت طواف باید تعیین کند که طواف عمره مفرده است یا طواف عمره تمتّع. و همچنین تعیین کند که طواف حَجّه‌الاسلام است یا حج نذری یا حج استحبایی. و در صورتی که طواف را به نیابت از دیگری به جا می آورد، آن را نیز قصد کند. (مناسک حج، م ۲۴۱)

[۲۴۶]. در طواف مستحبی لازم نیست وضو بگیرد ولی بنا بر احتیاط واجب طواف در حال جنابت یا حیض یا نفاس صحیح نیست. (مناسک حج، م ۲۴۵)

[۲۴۷]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۲۴۸]. واجب. (مناسک حج، م ۲۴۳)

[۲۴۹]. واجب. (مناسک حج، م ۲۴۳)

[۲۵۰]. اگر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم حدث اصغر عارض شود، واجب است که قطع کند طواف را و بعد از طهارت آن را اعاده کند و در صورتی که بعد از نصف دور چهارم قبل از پایان آن و یا بعد از آن عارض شود طواف را قطع نموده و پس از تحصیل طهارت اگر موالات عرفیه به هم نخورده طواف را تکمیل کند و اگر موالات به هم خورده بنا بر احتیاط طواف قبلی را تکمیل و یک طواف کامل جدید نیز به جا آورد، و می تواند به جای آن یک طواف کامل به قصد اعم از اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقل جدید به جا آورد و در هر صورت می تواند طواف

قبلی را رها نموده و از نو طواف کند. (مناسک حج، م ۲۴۶)

[۲۵۱]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۲۵۲]. اگر در بین طواف، حدث اکبر، مثل جنابت یا حیض، عارض شود، باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و بعد از غسل طبق تفصیلی که در حاشیه مسأله ۵۴۹ گذشت عمل شود. (مناسک حج، م ۲۴۷)

[۲۵۳]. احتیاط واجب (اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰۱)

[۲۵۴]. و اگر می داند عذر او تا آخر وقت برطرف می شود، باید صبر کند. (مناسک حج، م ۲۴۹)

[۲۵۵]. اگر سابقه طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الاً واجب است طهارت گرفته و طواف را از سر بگیرد و فرقی بین تمام شدن چهار دور و قبل از آن نیست. (مناسک حج، م ۲۵۳، ش ۷)

[۲۵۶]. و پس از غسل برگردد و طواف را اعاده نماید. (مناسک حج، م ۲۵۳، بند ۸)

[۲۵۷]. بدن و لباس طواف کننده باید از خون و نیز از سایر نجاسات بنا بر احتیاط واجب پاک باشد. (مناسک حج، م ۲۵۴)

[۲۵۸]. خونی که از یک درهم کمتر باشد؛ و نیز خون جراحت ها و زخم ها که موجب بطلان نماز نمی شود، به صحت طواف نیز خللی وارد نمی کند. و پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند آنها شرط نیست. (مناسک حج، م ۲۵۴-۲۵۵)

[۲۵۹]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۲۶۰]. واجب است. (مناسک حج، م ۲۵۶)

[۲۶۱]. اگر بدون رها کردن طواف تطهیر ممکن نباشد باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را اگر موالات به هم نخورده از همان جا تمام کند و طواف او صحیح است. (مناسک حج، م ۲۵۹)

[۲۶۲]. وظیفه همان است که در حاشیه م ۵۶۸ ذکر

شد. (مناسک حج، م ۲۶۱)

[۲۶۳]. طوافش صحیح است ولی اگر نماز طواف را هم با بدن و لباس نجس خوانده باید آن را دوباره بخواند و احتیاط استحبابی آن است که در این مسأله طواف را نیز بار دیگر به جا آورد. (مناسک حج، م ۲۶۳)

[۲۶۴]. وظیفه همان است که در حاشیه مسأله ۵۶۸ گذشت. (مناسک حج، م ۲۶۲)

[۲۶۵]. و در این حکم فرقی بین بالغ و غیر بالغ نیست. (مناسک حج، ص ۹۸، شرط چهارم)

[۲۶۶]. بنا بر احتیاط واجب ستر عورت در طواف شرط است. (مناسک حج، م ۲۶۴)

[۲۶۷]. لباس طواف کننده باید غضبی نباشد و طواف با لباس غضبی بنا بر احتیاط واجب باطل است. (مناسک حج، م ۲۶۶)

[۲۶۸]. بنا بر احتیاط واجب، باید میان اجزاء طواف، موالات عرفی وجود داشته باشد، بدین معنا که میان دورهای طواف به اندازه ای فاصله نباشد که آن را از شکل طواف واحد خارج کند، البته اگر بعد از نصف طواف (سه و نیم دور)، آن را برای اقامه ی نماز و مانند آن قطع کند، اشکال ندارد. (استفتائات ۲۳ و مناسک حج، م ۲۶۷)

[۲۶۹]. و مانعی ندارد از باب احتیاط اندکی زودتر وارد مسیر طواف شود با این نیت که طواف او از مقابل حجرالاسود باشد. (مناسک حج دست نویس، م ۱۹۸)

[۲۷۰]. و البته می تواند اندکی بیش از این مقدار با نیت احتیاط طی نماید تا یقین حاصل کند که در همان نقطه ی آغاز طواف را پایان داده است. (مناسک حج، م ۲۷۰)

[۲۷۱]. یعنی لازم نیست که در هر دور مقابل حجرالأسود بایستد. (مناسک حج، م ۲۷۰ و ۲۷۱)

[۲۷۲]. به حاشیه مسأله ۵۷۷ مراجعه شود.

[۲۷۳]. اگر با اختیار خود می رود ولی در اثر فشار جمعیت ممکن است گاهی به

جلو یا به این طرف و آن طرف برود مانعی ندارد، ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب گردد اشکال دارد. (استفتاء)

[۲۷۴]. به حاشیه مسأله ۲۸۲ مراجعه شود.

[۲۷۵]. اگر از داخل حجر اسماعیل (ع) طواف کند و یا از روی دیوار آن بگذرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر در یکی از دورهای طواف از داخل حجر بگذرد، فقط همان دور باطل است. (مناسک حج، م ۲۷۴)

[۲۷۶]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۲۷۷]. بنا بر مشهور، طواف باید در فاصله ی میان کعبه و مقام ابراهیم (ع) و در جهت های دیگر نیز در همین فاصله انجام شود، اما اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست و می تواند در خارج از این فاصله و در سایر بخش های مسجدالحرام نیز طواف را به جا آورد، به ویژه هنگامی که ازدحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد، البته بهتر آن است که در صورت عدم ازدحام، در فاصله ی مذکور طواف کند. (مناسک حج، ص ۱۰۳، ششم) و از این مسأله حکم مسائل بعد نیز روشن می شود.

[۲۷۸]. باید برگردد. (مناسک حج، م ۲۸۳ و ۲۸۴)

[۲۷۹]. قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هر چند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند. (مناسک حج، م ۲۶۹)

[۲۸۰]. به حاشیه مسأله ۵۴۹ و ۵۵۱ مراجعه شود.

[۲۸۱]. اگر طواف واجب را برای اقامه ی نماز واجب قطع کند، در صورتی که پس از انجام نیمی از طواف چنین کند، پس از نماز ادامه ی آن را انجام داده و هفت دور کامل می کند، و اگر پیش از اتمام نصف

طواف چنین کند، در صورتی که فاصله ی زیادی ایجاد شود، احوط آن است که طواف را از ابتدا انجام دهد، ولی اگر فاصله ی زیاد حاصل نشده باشد، عدم وجوب رعایت احتیاط در این مورد، بعید به نظر نمی رسد، اما رعایت احتیاط در هر حال پسندیده است. در این مورد، تفاوتی ندارد که نماز جماعت باشد یا فرادی؛ و وقت نماز تنگ باشد یا نباشد و از این مسأله حکم مسأله بعد نیز روشن می شود. (مناسک حج، م ۲۶۸)

۳۸۲۵۲۸۲

[۲۸۲]. نباید به شک خود اعتنا کند، بلکه بنا را بر صحت بگذارد. (مناسک حج، م ۲۸۶)

[۲۸۳]. و شایسته است که در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد، و ادعیه وارده را قرائت کند. (مناسک حج، م ۲۴۲)

[۲۸۴]. کما این که می تواند آن طواف را به طور کلی رها کرده و طواف را دوباره از سر بگیرد. (مناسک حج، م ۲۴۶)

[۲۸۵]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۲۸۶]. به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۲۸۷]. اگر طواف را از سر بگیرد اشکال ندارد، ولی جواز از سر گرفتن شوط محل اشکال است گرچه ضرری برای صحت طواف ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۲۸۸]. به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۲۸۹]. به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۲۹۰]. و نماز طواف.

[۲۹۱]. اگر در حین احرام عمره تمتع پاک بوده است نیازی به عمره مفرده نمی باشد و انجام طواف و نماز آن کافی است. (مناسک حج، م ۷۷)

[۲۹۲]. در رابطه با طواف به حاشیه مسأله ۶۲۰ مراجعه شود.

[۲۹۳]. با احتمال التفات، بنا بر صحت می گذارد مطلقاً.

[۲۹۴]. اگر از طواف قبل دست برداشته و لذا طواف را از اول اعاده نموده است همان طواف

اعاده شده صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

[۲۹۵]. این احتیاط واجب نیست بلکه همان طوافی که از سر گرفته کفایت می کند. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

[۲۹۶]. به حاشیه مسأله ۶۵۱ مراجعه شود.

[۲۹۷]. اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۶)

[۲۹۸]. مطلقاً اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۲۹۹]. برای مَطاف حدّ خاصی نمی باشد و در هر جای مسجدالحرام صحیح است. (مناسک حج، ص ۱۰۳، ششم)

[۳۰۰]. آن دور باطل است و باید آن را از حجرالأسود اعاده کند ولی چون غالباً برگشتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیت آن دور را بدون نیت ادامه دهد سپس از حجرالأسود قصد کند. (مناسک حج، م ۲۷۴)

[۳۰۱]. همان طواف دوم که از سر گرفته کافی است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۰۲]. همان طوافی را که از سر گرفته صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۰۳]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۰۴]. اگر به ذمه خریداری کرده باشد اشکالی ندارد.

[۳۰۵]. طوافشان صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۰۶]. با توجه به حاشیه مسأله ۵۹۲ او را در پشت مقام ابراهیم(ع) طواف دهند.

[۳۰۷]. به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

[۳۰۸]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۰۹]. قطع طواف مستحبی و حتی طواف واجب، جایز است؛ هر چند احوط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند. (مناسک حج، م ۲۶۹)

[۳۱۰]. اگر طواف را از سر بگیرد نیز صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۱۱]. با توجه به اینکه از طواف اول دست برداشته اتمام همان طواف دوم کفایت می کند. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

[۳۱۲]. تکمیل لازم نیست و می تواند از سر بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۱۳]. به حاشیه مسأله ۵۶۲ و ۵۶۸ مراجعه شود.

[۳۱۴]. می تواند از طواف مزبور صرف نظر کرده و طوافی را به قصد منوب عنه از سر

بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

[۳۱۵]. احتمال التفات کافی است.

[۳۱۶]. طواف او صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۱۷]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۱۸]. به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۳۱۹]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۲۰]. اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۶)

[۳۲۱]. وقت طواف حج و نماز آن ماه ذی حجه است، ولی طواف نساء و نماز آن وقت معینی ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۰، س ۱۷) و در صورت نسیان تا زمانی که خود یا نایبش طواف را به جا نیاورده چیزهایی که حلال شدنش مشروط به انجام طواف بوده بر او حلال نمی گردد (مناسک حج، م ۲۸۴)

[۳۲۲]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۲۳]. بنا بر اعتبار محدوده خاص برای طواف، و گذشت که لازم نیست. (حاشیه مسأله ۵۹۲)

[۳۲۴]. همان طور که گذشت اقوی آن است که طواف کردن در این فاصله شرط نیست. (حاشیه مسأله ۵۹۲)

[۳۲۵]. اگر از ده روز تجاوز نکرده محکوم به حیض است و چنانچه طواف حج بوده در سعه وقت طواف و نماز آن را اعاده نماید و در ضیق وقت نایب بگیرد. و چنانچه در طواف عمره تمتع بوده در سعه وقت باید طواف و نماز آن را اعاده نماید و در ضیق وقت اگر در حین احرام پاک بوده پس از مراجعت از منی به مکه جهت اعمال حج، قبل از طواف حج و نماز آن و یا بعد از طواف حج و نماز آن، طواف عمره تمتع و نماز آن را قضا نماید و اگر در موقع احرام عمره ناپاک بوده حج او تبدیل به حج افراد شده، و در صورت واجب بودن حج باید بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۷ و ۲۵۱)

[۳۲۶]. می تواند عدول به حج

افراد نموده و بعد از اعمال حج، عمره مفرده انجام دهد و می تواند سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شود و طواف عمره تمتع و نماز آن را در موقع مراجعت به مکه جهت انجام طواف و نماز و سعی حج تمتع قبل از آنها و یا بعد از آنها به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۷)

[۳۲۷]. به حاشیه مسأله ۵۴۹ و ۵۵۱ مراجعه شود.

[۳۲۸]. تعیین سن یائسگی محل تأمل و احتیاط است؛ بانوان می توانند در این مسأله به مجتهد جامع الشرایط دیگر مراجعه نمایند. (اجوبه الاستفتائات، س ۲۱۶)

[۳۲۹]. به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

[۳۳۰]. به حاشیه مسأله ۷۲۶ مراجعه شود.

[۳۳۱]. به حاشیه مسأله ۵۴۹ مراجعه شود.

[۳۳۲]. اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۰۶)

[۳۳۳]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۳۴]. طواف او صحیح است، اگرچه مرتکب فعل حرام شده است. (مناسک حج، م ۲۶۵)

[۳۳۵]. مگر اینکه موالات به هم خورده باشد که در این صورت، می تواند از طواف قبل صرف نظر کرده و مجدداً طواف و نماز را اعاده کند.

[۳۳۶]. اشکال ندارد و طواف اخیر صحیح است. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷۰۶)

[۳۳۷]. به حاشیه مسأله ۵۸۲ مراجعه شود.

[۳۳۸]. به حاشیه مسأله ۵۹۲ مراجعه شود.

[۳۳۹]. و شایسته است که در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد و ادعیه وارده را قرائت نماید. (مناسک حج، م ۲۴۲)

[۳۴۰]. نباید بین طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود. (مناسک حج، م ۲۸۸)

[۳۴۱]. واجب است که نماز [طواف] پشت مقام ابراهیم (ع) و در صورت عدم ایجاد زحمت برای دیگران نزدیک به مقام اقامه شود؛ و در صورتی که این امر میسر نشود، می تواند آن را در مسجد الحرام،

پشت مقام و با فاصله از آن، به جا آورد، هر چند بعید نیست که اقامه ی نماز طواف در هر نقطه از مسجدالحرام صحیح و مُجزی باشد. (مناسک حج، م ۲۹۰)

[۳۴۲]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۳۴۳]. به حاشیه مسأله ۷۷۸ مراجعه شود.

[۳۴۴]. اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و برگشت به مسجدالحرام برای او حرجی نباشد، باید برگردد به مسجدالحرام برای انجام نماز طواف، و اگر پس از خروج از مکه مکرمه به یادش آمد که نماز طواف را نخوانده است، باید آن را در همان محلی که به یاد آورده اقامه کند. (مناسک حج، م ۲۹۱)

[۳۴۵]. قاصر و یا مقصّر. (مناسک حج، م ۲۹۲)

[۳۴۶]. جایز بودن اقامه ی نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک حج، م ۲۹۵)

[۳۴۷]. به حاشیه مسأله ۷۸۹ مراجعه شود.

[۳۴۸]. جایز بودن اقامه ی نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک حج، م ۲۹۵)

[۳۴۹]. به حاشیه مسأله ۷۷۸ مراجعه شود.

[۳۵۰]. به حاشیه مسأله ۵۶۲ مراجعه شود.

[۳۵۱]. نباید میان طواف و نماز آن فاصله ایجاد شود، و معیار تشخیص ایجاد فاصله یا عدم آن بر مبنای عرف است. (مناسک حج، م ۲۸۸)

[۳۵۲]. اگر مرد و زن در کنار هم نماز طواف به جا آورند، در صورتی که مرد اندکی جلوتر باشد، و یا میان آنها مقدار کمی حتی به اندازه ی یک وجب فاصله باشد، نماز آنها صحیح است. (مناسک حج، م ۲۹۴)

[۳۵۳]. جایز بودن اقامه ی نماز طواف به جماعت معلوم نیست. (مناسک حج، م ۲۹۵)

[۳۵۴]. به حاشیه مسأله ۷۷۸ مراجعه شود.

[۳۵۵]. در همان محلی که هستید، بخوانید. (مناسک حج، م ۲۹۱ و ۲۹۲)

[۳۵۶]. در هر دور باید تمام فاصله میان صفا و مروه را بپیماید اما بالا رفتن از

بلندی صفا و مروه لازم نیست. (مناسک حج، م ۳۰۲)

[۳۵۷]. گرداندن تنها صورت به چپ یا راست یا به پشت سر مانعی ندارد. (مناسک حج، م ۳۰۳)

[۳۵۸]. و باید از زمان یادآوری بقیه مقدار اضافه را ادامه ندهد. (مناسک حج، م ۳۱۱)

[۳۵۹]. متعرض این احتیاط نشده اند.

[۳۶۰]. سعی صحیح است. (مناسک حج، م ۳۱۱)

[۳۶۱]. به تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز طواف تا روز بعد از آن جایز نیست، اما تأخیر در انجام آن تا شب [همان

روز] مانعی ندارد. (مناسک حج، م ۳۰۱)

[۳۶۲]. صحیح نیست. (مناسک حج، م ۳۰۵)

[۳۶۳]. می تواند از طواف و سعی خود دست برداشته و مجدداً طواف و نماز طواف و سعی را از سر بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳،

س ۷۰۶)

[۳۶۴]. آغاز سعی از مروه و پایان دادن آن در صفا صحیح نیست. (مناسک حج، م ۲۹۷)

[۳۶۵]. اگر سعی را فراموش کرده، نایب همان سعی را قضا کند و اگر ترک سعی از روی جهل بوده، حج را اعاده نماید.

(مناسک حج، م ۲۷۹ و ۳۰۸)

[۳۶۶]. در حال اختیار نباید چنین کند ولی در فرض مذکور سعی او درست است و چیزی بر او نیست، اگرچه احتیاط در اتمام

و اعاده سعی است. (اجوبه الإستفتاءات فی الحج، س ۹۴)

[۳۶۷]. حکم زیادی سهوی را دارد و سعی او صحیح است. (مناسک حج، م ۳۱۰)

[۳۶۸]. اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷)

[۳۶۹]. و می تواند سعی سابق را رها کرده و مجدداً سعی را از سر بگیرد. (استفتاء ۶۲۴۶۳)

[۳۷۰]. انجام سعی در طبقه ی دوم مسعی صحیح نیست، مگر آنکه برایش محرز باشد که طبقه ی دوم، میان دو کوه واقع است

نه بالاتر از آن، و کسی که نمی تواند در طبقه ی همکف سعی کند، باید برای خود نایب بگیرد،

و سعیش در طبقه ی دوم صحیح و مجزی نیست. (مناسک حج، م ۳۰۵)

[۳۷۱]. سعی او صحیح است. (مناسک حج، م ۳۱۱)

[۳۷۲]. اشکال ندارد. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۷)

[۳۷۳]. لازم نیست بلافاصله پس از سعی، تقصیر کند. (مناسک حج، م ۳۱۸)

[۳۷۴]. و چنانچه از روی عمد و علم بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد. (مناسک حج، م ۳۱۵)

[۳۷۵]. یا از روی ندانستن مسأله. (مناسک حج، م ۳۱۹)

[۳۷۶]. و اگر حج او حج واجب بوده باید در سال بعد از آن، عمره و حج به جا آورد. (مناسک حج، م ۳۱۹)

[۳۷۷]. در صورتی که احتمال التفات در حال عمل را بدهد، اعتنا نکند.

[۳۷۸]. اگر به علت ندانستن مسأله، به جای تقصیر، موی خود را بکند و سپس حج به جا آورد، عمره اش باطل است و حجی که به جا آورده، حج افراد خواهد بود. در این صورت اگر حج واجب بر عهده اش بوده، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از انجام مناسک حج، عمره ی مفرده به جا آورد، و در سال بعد، عمره ی تمتع و حج را اعاده کند. (مناسک حج، م ۳۱۷)

[۳۷۹]. کفایت نمی کند و اگر این کار را از روی علم و عمد کرده باشد، عمل حرام انجام داده و باید یک گوسفند قربانی کند. (مناسک حج، م ۳۱۵)

[۳۸۰]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۹۴)

[۳۸۱]. اگر بعد از انجام عمره تمتع از شهر مکه بدون احرام خارج شود، پس اگر در همان ماهی که عمره انجام داده به مکه برگردد، نیاز به تجدید احرام برای ورود به شهر مکه ندارد، ولی اگر در ماه بعد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی القعدة انجام دهد و خارج شود، و در ماه ذی الحجه

به مکه برگردد، واجب است با احرام جدید برای عمره جهت دخول مکه محرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. (مناسک حج، م ۹۳)

[۳۸۲]. خروج از مکه مکرمه بعد از عمره تمتع و قبل از اعمال حج برای کسی که مطمئن است که می تواند برای انجام حج تمتع به مکه برگردد جایز است. هر چند احتیاط مستحب آن است که از مکه مکرمه خارج نشود مگر برای نیاز و کار ضروری. کما اینکه در این صورت بنابر احتیاط باید ابتدا در مکه برای حج محرم شود و بعد خارج شود. و اگر محرم شدن برای او مشقت داشته باشد، جایز است برای انجام کار خود بدون احرام خارج شود. و افرادی که قصد عمل به این احتیاط را دارند و ناچار هستند یک یا چند مرتبه به مکه وارد و از آن خارج شوند مانند خدمه کاروان ها، می توانند برای ورود به مکه مکرمه، اول عمره مفرده انجام دهند و عمره تمتع را به تأخیر بیندازند تا زمانی که بتوانند در آن وقت عمره تمتع را قبل از اعمال حج به جا آورند، در این صورت باید از میقات برای عمره تمتع محرم شوند و هنگامی که از عمره تمتع فارغ شدند از مکه برای حج محرم شوند. (مناسک حج، م ۹۱)

۴۴۶۵۳۸۳

[۳۸۳]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۳۸۴]. اگر در موقع احرام پیاک نبوده وظیفه تبدیل شده و امّا اگر پیاک بوده تنها لازم است بعد از مراجعه از منی به مکه طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف و نماز و سعی حج

و یا بعد از آن قضا کند. (مناسک حج، م ۷۷)

[۳۸۵]. به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

[۳۸۶]. به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

[۳۸۷]. به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

[۳۸۸]. به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

[۳۸۹]. به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

[۳۹۰]. کسی که وظیفه اش حج تمتع است و می داند که به علت تنگی وقت نمی تواند عمره را تمام کند و حج را درک نماید، واجب است از حج تمتع به حج افراد عدول کند و سپس بعد از تمام کردن اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۶)

[۳۹۱]. اگر در موقع احرام پاک بوده هم می تواند به دستور مسأله قبل عمل نماید و هم می تواند سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شود و بعداً مُحْرَم به احرام حج تمتع شده و بعد از انجام اعمال منی، قضای طواف عمره تمتع و نماز آن را قبل از طواف و نماز و سعی حج و یا بعد از آنها به جا آورد. (مناسک حج، م ۷۷)

[۳۹۲]. هرگاه کسی از روی علم و عمد احرام بستن از میقات را ترک کند و به جهت تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری نیز در پیش رو نداشته باشد و در نتیجه وقت برای انجام عمره تنگ شود، عمره او فوت شده و حج اش باطل می شود. و در صورتی که حج بر او مستقر شده یا مستطیع باشد، باید سال دیگر حج به جا آورد. (مناسک حج، م ۸۸)

[۳۹۳]. زن حائض اگر اطمینان دارد تا وقت احرام برای حج و درک وقوف عرفات پاک نمی شود، یا اگر پاک شود وقت کافی برای

انجام عمره تا درک وقوف عرفات را نخواهد داشت، در این صورت باید در همان میقات به حج افراد محرم شود و پس از انجام اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد، و عمل وی مجزی از حج تمتع خواهد بود. (مناسک حج، م ۷۷)

[۳۹۴]. به حاشیه مسأله ۲۵۱ مراجعه شود.

[۳۹۵]. به حاشیه مسأله ۹۱۰ مراجعه شود.

[۳۹۶]. اگر بعد از انجام عمره تمتع از شهر مکه بدون احرام خارج شود، پس اگر در همان ماهی که عمره انجام داده به مکه برگردد، نیاز به تجدید احرام برای ورود به شهر مکه ندارد، ولی اگر در ماه بعد از ماه انجام عمره به مکه برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی القعدة انجام دهد و خارج شود، و در ماه ذی الحجه به مکه برگردد، واجب است با احرام جدید برای عمره جهت دخول مکه مُحرم شود، و عمره تمتع وی که متصل به حج می شود همین عمره تمتع دوم خواهد بود. (مناسک حج، م ۹۳) و توجه به دو نکته لازم است: ۱- احرام عمره تمتع جدید باید از یکی از مواقیت خمسسه باشد. ۲- اگر عمره تمتع جدید را به جا نیاورد، حج تمتع وی صحیح نمی باشد. (استفتاء)

[۳۹۷]. بهترین زمان احرام بستن، هنگام زوال (ظهر) روز ترویبه (هشتم ذی حجه) است. (مناسک حج، م ۳۲۵)

[۳۹۸]. میقات احرام حج تمتع، مکه ی مکرمه است، و بهتر آن است که برای حج تمتع از مسجدالحرام مُحرم شود، و مُحرم شدن در همه جای مکه، حتی بافت جدید شهر، صحیح است، اما احوط آن است که در مناطق قدیمی آن مُحرم شود، و در صورتی که شک کند که محلی جزء شهر است یا نه، مُحرم شدن

در آن محل صحیح نیست. (مناسک حج، م ۳۲۴)

[۳۹۹]. و احتیاط مستحب آن است که در سال بعد حج را اعاده کند. (مناسک حج، م ۳۲۷)

[۴۰۰]. جواز تأخیر از اول وقت، به اندازه خواندن نماز ظهر و عصر (به صورت جمع) و مقدمات آن، بعید نیست. (مناسک حج، م ۳۳۲)

[۴۰۱]. بیرون رفتن از عرفات قبل از غروب از روی عمد حرام است، ولی حج را باطل نمی کند و در صورت مراجعت کفاره ندارد. (مناسک حج، م ۳۳۴)

[۴۰۲]. بعید نیست عدم تعیین ذبح در منی اگر چه احتیاط ذبح در منی است و بنا بر احتیاط واجب ذبح باید روز عید باشد. (مناسک حج، م ۳۳۴)

[۴۰۳]. متعرض این احتیاط نشده اند. (مناسک حج، م ۳۳۴)

[۴۰۴]. متعرض این احتیاط نشده اند. (مناسک حج، م ۳۳۵)

[۴۰۵]. عمل به احتیاط کند و راه احتیاط، انجام اعمال به قصد وظیفه فعلیه بدون قصد خصوص تمتع و افراد است و قربانی نیز انجام دهد پس اگر خون از ده روز تجاوز کرد اعمالش صحیح بوده و اگر تجاوز نکرد، حجش تبدیل به افراد شده و واجب است عمره مفرده نیز اگر حج واجب بوده است به جا آورد (مستفاد از مناسک حج، م ۷۷)

[۴۰۶]. این احتیاط واجب نیست. (مناسک حج، م ۳۳۹)

[۴۰۷]. اگر از مکه بیرون نرفته احتیاط واجب آن است که به منی رفته رمی نماید و در سال دیگر نیز خودش یا نایبش قضا کند و اگر از مکه خارج شده احتیاط واجب آن است که در سال بعد خود یا نایبش رمی کند. (مناسک حج، م ۳۸۸)

[۴۰۸]. چهارم آن که ریگ ها به جمره برخورد کند، بنا بر این اگر برخورد نکند یا گمان کند که اصابت کرده، کافی نیست

و باید ریگ دیگری را به جای آن بزند، و رسیدن ریگ ها به دایره ی پیرامون جمره، بدون برخورد با آن، کافی نیست. (مناسک حج، م ۳۴۰)

[۴۰۹]. کسی که از انجام رَمی معذور است، اگر نایب بگیرد و نایب او رَمی را انجام دهد و سپس پیش از گذشتن وقت رَمی، عذرش برطرف شود، اگر در زمان گرفتن نایب نسبت به برطرف شدن عذرش امید نداشته و نایب به جای او رَمی کرده، همان رَمی کفایت می کند و نیازی نیست که خودش آن را تکرار کند، اما اگر نسبت به برطرف شدن عذر ناامید نبوده، هرچند گرفتن نایب در هنگام پدید آمدن عذر جایز بوده است، ولی باید پس از برطرف شدن عذر، خودش رَمی را تکرار کند. (مناسک حج، م ۳۸۵)

[۴۱۰]. کسانی که از انجام رَمی در روز عید معذورند، می توانند در شب عید یا شب پس از آن رَمی کنند، همچنین کسانی که از انجام رَمی در روز یازدهم یا دوازدهم ذی حجه معذورند، می توانند شب قبل یا شب بعد از آن رَمی کنند. (مناسک حج، م ۳۴۶)

[۴۱۱]. کسی که حج تمتع به جا می آورد، باید یکی از چهارپایان سه گانه، یعنی شتر یا گاو یا گوسفند یا بز را قربانی کند، تفاوتی ندارد که قربانی نر باشد یا ماده و بهتر آن است که شتر باشد، اما غیر از چهارپایان مذکور، قربانی کردن سایر حیوانات کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۳۴۷)

[۴۱۲]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۴۹)

[۴۱۳]. اما در مورد سنین بالاتر محدودیتی وجود ندارد و اگر سن قربانی بیش از آن باشد کفایت می کند به شرط آنکه زیاد پیر نباشد. (مناسک حج، م ۳۴۹)

[۴۱۴]. چهارم آن که

اعضا و اندام های آن، کامل باشد، بنابر این قربانی کردن حیوان ناقص، مانند حیوانی که اخته شده یا بیضه اش کشیده شده باشد، کافی نیست، اما اگر بیضه هایش کوفته شده و اخته نشده باشد، قربانی کردن آن کفایت می کند، و نیز قربانی کردن حیوان دم بریده و کور و شل و گوش بریده و حیوانی که قسمت داخلی شاخ آن شکسته باشد، یا از ابتدا با یکی از این عیوب به دنیا آمده باشد، کافی نیست. بنابراین قربانی کردن حیوانی که فاقد یکی از اندام هایی باشد که در دیگر هم نوعان آن وجود دارد، به گونه ای که فقدان آن عضو یک نقص به شمار آید، کافی نیست. اما اگر بخش بیرونی شاخ آن (که مانند غلاف و پوشش بخش داخلی است) شکسته باشد، یا گوش آن شکافته یا سوراخ شده باشد، مانعی ندارد. (مناسک حج، م ۳۴۹، چهارم)

[۴۱۵]. به حاشیه شرط چهارم مراجعه شود.

[۴۱۶]. به حاشیه شرط چهارم مراجعه شود.

[۴۱۷]. در صورت تمکن مالی. (مناسک حج، م ۳۵۰)

[۴۱۸]. بنا بر احتیاط واجب ذبح کننده باید شیعۀ اثنی عشری باشد اما اگر نیت را خودش انجام دهد و فقط برای اجرای آن نایب بگیرد در این صورت بعید نیست که شیعه بودن ذبح کننده شرط نباشد. (مناسک حج، م ۳۵۴)

[۴۱۹]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۴۲۰]. محل انجام ذبح، منی است و در صورتی که از ذبح در منی ممانعت شود، انجام آن در محل تعیین شده در حال حاضر، بلا مانع است. (مناسک حج، م ۳۵۳)

[۴۲۱]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۲۲]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۲۳]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۲۴]. قربانی کردن باید به وسیله ی خود شخص یا با وکالت از

سوی او انجام شود، اما اگر شخص دیگری بدون وکالت گرفتن از او برایش ذبح انجام دهد، صحت آن محل اشکال است و بنا بر احتیاط، نمی توان به آن اکتفا کرد. (مناسک حج، م ۳۵۵)

[۴۲۵]. به حاشیه سؤال قبل مراجعه شود.

[۴۲۶]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۲۷]. ابزاری که ذبح با آن انجام می شود، باید از آهن باشد، و استیل (که فولاد مخلوط با ماده ضد زنگ است) در حکم آهن است، اما اگر در مورد آهنی بودن ابزار ذبح تردید دارد، تا زمانی که آهنی بودن آن محرز نشده، ذبح کردن با آن کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۳۵۶)

[۴۲۸]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۲۹]. اگر معامله به صورت خرید در ذمه باشد کافی است.

[۴۳۰]. به حاشیه مسأله ۱۰۲۳ «شرط چهارم» مراجعه شود.

[۴۳۱]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۳۲]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۳۳]. بنا بر احتیاط واجب و در صورت امکان. (مناسک حج، م ۳۵۲)

[۴۳۴]. کسی که ذبح قربانی را بنا بر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد، بلکه بعید نیست انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد، و نباید در این مورد ترک احتیاط کند، اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج گانه ی مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند. (مناسک حج، م ۳۶۱)

[۴۳۵]. اگر نتواند در روز عید در منی قربانی کند، لیکن قربانی کردن در روز عید در قربانگاهی که در حال حاضر در خارج از منی برای قربانی در نظر گرفته شده،

برایش میسر باشد، بنا بر احتیاط، واجب است که ابتدا قربانی کند. و سپس حلق یا تقصیر نماید؛ و اگر این کار هم برایش ممکن نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید در روز عید حلق یا تقصیر انجام دهد که با انجام آن از احرام خارج می شود، اما باید اعمال پنج گانه ی مکه را تا پس از ذبح قربانی به تأخیر اندازد. (مناسک حج، م ۳۶۴)

[۴۳۶]. رجوع شود به حاشیه مسأله ۱۰۲۳، چهارم.

[۴۳۷]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۳۸]. به حاشیه مسأله ۱۰۴۲ مراجعه شود.

[۴۳۹]. زنان حتماً باید تقصیر کنند و برای آنان حلق کفایت نمی کند. (مناسک حج، م ۳۵۷)

[۴۴۰]. و احوط آن است. (مناسک حج، م ۳۵۷)

[۴۴۱]. بنا بر احتیاط واجب، باید حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است که در شب یازدهم یا پس از آن آنرا انجام دهد، و همان کفایت می کند. (مناسک حج، م ۳۶۰)

[۴۴۲]. نظر معظم له در رابطه با این فرع به دست نیامد.

[۴۴۳]. اگر عمداً یا بر اثر فراموشی یا عدم آگاهی از مسأله، در خارج از منی حلق یا تقصیر نماید و یا حلق یا تقصیر نکند و از منی خارج شود و سپس سایر اعمال را انجام دهد، واجب است که برای حلق یا تقصیر به منی باز گردد و بقیه اعمال را نیز اعاده نماید. (مناسک حج، م ۳۶۳)

[۴۴۴]. واجب است که در روز عید قربان، ابتدا جمره ی عقبه را رمی کند، سپس در صورتی که ذبح قربانی در روز عید برایش میسر است قربانی نماید و پس از آن، حلق یا تقصیر کند؛ و در صورتی که

عمداً ترتیب اعمال مذکور را رعایت نکند، معصیت کرده؛ اما بنا بر ظاهر، تکرار اعمال به ترتیب فوق بر او واجب نیست، هر چند تکرار آنها در صورت امکان، موافق احتیاط است. حکم کسی که بر اثر ناآگاهی یا فراموشی [ترتیب مذکور را رعایت نکرده] نیز چنین است. (مناسک حج، م ۳۶۴)

[۴۴۵]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۴۴۶]. کسی که ذبح قربانی را بنا بر هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد، بلکه بعید نیست انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد، و نباید در این مورد ترک احتیاط کند، اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنج گانه ی مکه در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند. (مناسک حج، م ۳۶۱)

۴۹۶۵۴۴۷

[۴۴۷]. بنا بر احتیاط واجب، باید حلق یا تقصیر واجب را در روز عید قربان انجام دهد، و اگر چنین نکند، واجب است که در شب یازدهم یا پس از آن آن را انجام دهد، و همان کفایت می کند. (مناسک حج، م ۳۶۰)

[۴۴۸]. ادامه را متعرض نشده اند.

[۴۴۹]. نظر معظم له برای فرستادن مو به منی یافت نشد.

[۴۵۰]. به حاشیه مسأله ۱۱۴۲ مراجعه شود.

[۴۵۱]. بنا بر احتیاط واجب حلق یا تقصیر را از روز عید تأخیر نیندازد. (مناسک حج، م ۳۶۰ و ۳۶۱)

[۴۵۲]. به جا آوردن اعمال فوق، پیش از وقوف در عرفات و مشعر و اعمال منی در حال اختیار جایز نیست، اما این کار برای سه گروه جایز است که عبارتند از:

نخست، زنانی که می ترسند با ابتلاء به حیض

یا نفاس پس از بازگشت به مکه مکرمه از انجام طواف و نماز آن بازمانند، و نتوانند تا پاک شدن منتظر بمانند.

دوم: مردان و زنانی که ناتوان از طواف و نماز آن پس از بازگشت به مکه از جهت زیادی ازدحام باشند، و یا اصولاً ناتوان از بازگشت به مکه باشند.

سوم: بیمارانی که پس از بازگشت به مکه ی مکرمه، بر اثر ازدحام یا ترس از آن، از انجام طواف ناتوانند. (مناسک حج، م ۳۶۸)

[۴۵۳]. فتوای معظّم له نسبت به این فرع یافت نشد.

[۴۵۴]. یا عمداً (مناسک حج، م ۳۷۴)

[۴۵۵]. ولی باید خروج به نحوی باشد که بتواند مناسک باقی مانده را در وقت خودش انجام دهد. (استفتاء ۶۲۴۶۰، س ۱۶)

[۴۵۶]. واجب است برای هر عمره مفرده جداگانه طواف نساء به جا آورد، اگرچه تحلّل با طواف نساء واحد بعید نیست. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵۱)

[۴۵۷]. کفایت نمی کند، گرچه زن بر او حلال می شود. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵۱)

[۴۵۸]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۴۵۹]. می تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب و یا از قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند. (مناسک حج، م ۳۷۹)

[۴۶۰]. طائفه سوم و چهارم را معظّم له در مناسک متعرّض نشده اند.

[۴۶۱]. به حاشیه مسأله ۱۲۲۰ مراجعه شود.

[۴۶۲]. واجب است. (مناسک حج، م ۳۷۹)

[۴۶۳]. تا طلوع فجر. (استفتاء ۶۲۴۶۳، س ۵)

[۴۶۴]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

[۴۶۵]. و یا معذور و یا غیر معذور (مناسک حج، م ۳۸۰)

[۴۶۶]. به حاشیه مسأله ۱۲۲۲ مراجعه شود.

[۴۶۷]. بنا بر احتیاط واجب باید در منی قربانی کند. (اجوبه الاستفتاءات فی الحج، س ۱۲۱)

[۴۶۸]. مگر آنکه نیمه دوم شب را کاملاً در منی باشد. (مناسک حج، م ۳۷۹)

[۴۶۹]. بنا بر احتیاط

واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

[۴۷۰]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

[۴۷۱]. اگر در نصف دوم بیتوته کند وظیفه خود را انجام داده و کفاره ندارد. (مناسک حج، م ۳۷۹)

[۴۷۲]. به حاشیه سؤال قبل مراجعه شود.

[۴۷۳]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۳۸۰)

[۴۷۴]. اگر در نصف دوم بیتوته کند وظیفه خود را انجام داده و کفاره ندارد. (مناسک حج، م ۳۷۹)

[۴۷۵]. قبل از یأس هم می تواند نایب بگیرد لکن اگر بعداً متمکن از رمی شد باید خودش اعاده کند ولی اگر بعد از یأس نایب بگیرد و رفع عذر شود اعاده لازم نیست. (مناسک حج، م ۳۸۵)

[۴۷۶]. رجوع شود به حاشیه مسأله قبل.

[۴۷۷]. رجوع شود به حاشیه مسأله ۱۲۷۰

[۴۷۸]. ولی اگر زن بخواهد به نیابت از دیگری رمی کند رمی او در شب صحیح نیست هر چند عاجز از رمی در روز باشد. (مناسک حج، م ۳۴۵)

[۴۷۹]. اگر چه احتیاط مستحب رمی از مکان متعارف در گذشته است. (مناسک حج، م ۳۴۳)

[۴۸۰]. کسی که از رمی در روز معذور است اما می تواند شب رمی نماید، جایز نیست نایب بگیرد بلکه باید خودش در شب پیش و یا شب بعد رمی نماید. (مناسک حج، م ۳۸۴)

[۴۸۱]. یا شب (مناسک حج، م ۳۸۴)

[۴۸۲]. به حاشیه مسأله ۱۲۸۳ مراجعه شود.

[۴۸۳]. بنا بر احتیاط واجب حلق را از روز عید تأخیر نیندازد. (مناسک حج، م ۳۶۴)

[۴۸۴]. انجام عمره مستحب بوده و قصد رجاء لازم نیست. (مناسک حج، م ۷۰)

[۴۸۵]. سجده بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است. (بخشی از رساله عملیه، م ۳۱۷)

[۴۸۶]. می تواند در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی محله های جدید دو شهر نماز را تمام بخواند و اختصاص به

(صلی الله علیه وآله) ندارد. گرچه احتیاط استحبابی در اختصاص تخیر به محله های قدیمی دو شهر بلکه در اختصاص به دو مسجد است. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵)

[۴۸۷]. محل ذبح کفاره صید، در عمره، مکه مکرمه، و در حج، منی است. و احتیاط آن است که در کفارات دیگر نیز به همین صورت عمل کند، اما اگر در مکه مکرمه یا در منی ذبح نکند و پس از بازگشت از حج، در وطن خود یا در مکان دیگر ذبح نماید، کفایت می کند. (مناسک حج، م ۲۳۴)

[۴۸۸]. بنا بر احتیاط واجب. (مناسک حج، م ۱۳۵)

[۴۸۹]. کسی که کفاره بر او واجب شده، نباید از گوشت آن بخورد، اما خوردن گوشت قربانی واجب یا مستحب و یا نذری اشکال ندارد. (مناسک حج، م ۲۳۵)

[۴۹۰]. قرار دادن چیزی [در محل سجده] اگر خلاف تقیه باشد جایز نیست و واجب است مکلف کوشش کند تا در صورت امکان جایی بیابد که بر سنگفرش یا چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند و اگر تقیه ایجاب کند که بر فرش سجده کند نمازش صحیح و مجزی است. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۴۱)

[۴۹۱]. به حاشیه مسأله قبل مراجعه شود.

[۴۹۲]. نماز کسی که پشت سر امام یا در یکی از دو طرف او بایستد، صحیح است، و بنا بر احتیاط مستحب، کسی که در یکی از دو طرف امام ایستاده باید فاصله ی میان امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک تر نباشد، اما نماز کسی که در طرف دیگر کعبه مقابل امام بایستد، صحیح نیست. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۲)

[۴۹۳]. به حاشیه مسأله ۱۳۳۴ مراجعه شود.

[۴۹۴]. فرقی میان

شب های مهتابی و غیر مهتابی نیست، هرچند احتیاط در این زمینه خوب است. (اجوبه الاستفتاءات، س ۳۵۴)

[۴۹۵]. در مکه و مدینه در کمتر از ده روز هم می تواند نماز را تمام بخواند چون بین قصر و اتمام مخیر است. (مناسک حج، مسائل متفرقه، س ۵)

[۴۹۶]. احکام محصور و مصدود را متعرض نشده اند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

